

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام در
سنگر نماز

سرشناسه: خمینی، روح الله؛ بینانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹-۱۳۴۸.
 عنوان و نام پدیدآور: امام در سنگر نماز، {امام خمینی (ره)}.
 مشخصات نشر: ستاد اقامه نماز {تهران}؛ با همکاری موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۴.
 مشخصات ظاهری: ۲۳۸ ص.
 فروست: تبیان آثار موضوعی، دفتر هفتم.
 شابک: ۹ - ۲۸ - ۶۲۶۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸ . چاپ دوازدهم، ۱۳۰۰۰ ریال.
 یادداشت: چاپ قبلی: ستاد اقامه نماز؛ موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 یادداشت: کتابنامه: ص ۲۲۳ - ۲۳۸
 موضوع: درباره نماز.
 شناسه افزوده: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
 شناسه افزوده: ستاد اقامه نماز.
 رده بندی کنگره: ۱۳۷۴ ۸ الف ۸ ن / ۵ / ۱۵۷۴ DSR
 رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳
 شماره کتابشناسی ملی: ۱۰۲۸۷-۷۶ م.



ستاد اقامه نماز

نام کتاب: امام در سنگر نماز
 ناشر: ستاد اقامه نماز با همکاری موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
 تیراژ: ۵۰۰۰ جلد
 نوبت چاپ: دوازدهم - بهار ۱۳۸۷
 چاپ و صحافی: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
 قیمت: ۱۳۰۰۰ ریال
 مراکز پخش:

- ۱- تهران، میدان فلسطین، ستاد اقامه نماز - تلفن: ۸۸۹۰۰۰۵۹
 - ۲- دفاتر ستادهای اقامه نماز سراسر کشور
- شابک: ۹ - ۲۸ - ۶۲۶۸ - ۹۶۴ - ۹۷۸
 ISBN: ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۶۲۶۸ - ۲۸ - ۹

۹	فصل اول : خاطرات
۱۱	■ وضوی امام
۱۵	■ نماز اول وقت
۳۱	■ حالت امام در نماز
۳۷	■ آداب و مستحبات
۴۹	■ نماز جماعت
۶۵	■ نماز شب
۸۷	■ مسجد و مصلی
۹۹	■ سفارش به فرزندان

۱۰۵	فصل دوم : بیانات
۱۰۷	■ اهمیت نماز
۱۱۵	■ آداب نماز
۱۱۵	مقدمات نماز
۱۱۹	اجزاء نماز
۱۱۹	- تکبیرة الاحرام
۱۲۱	- سجده
۱۲۱	- تشهد
۱۲۲	وساوس شیطانی
۱۲۵	■ نماز جمعه و جماعت
۱۲۵	اهمیت نماز جمعه و جماعت
۱۳۹	محتوای خطبه‌ها
۱۴۵	وظایف و صفات ائمه جمعه و جماعت

۱۶۱	اشارات نماز جمعه و جماعت
۱۶۲	نماز جمعه در اعصار گذشته
۱۶۶	نماز جمعه در عصر انقلاب
۱۶۹	■ مساجد
۱۶۹	اهمیت مساجد
۱۷۶	وظیفه مسلمین در قبال مساجد
۱۸۲	مقابله دشمنان با مساجد

فصل سوم : مکتوبات

۱۸۹	■ سرالصلوة
۱۹۱	معرفی کتاب
۱۹۱	نامه امام به مرحوم حاج سید احمد خمینی (فرزند امام)
۱۹۵	■ آداب الصلوة
۲۰۱	معرفی کتاب
۲۰۱	نامه امام به مرحوم حاج سید احمد خمینی (فرزند امام)
۲۰۵	نامه امام به خانم فاطمه طباطبایی (عروس امام)
۲۰۹	■ الخلل فی الصلوة
۲۱۱	معرفی کتاب
۲۱۱	

فهارس :

۲۱۵	■ فهرست اعلام
۲۱۷	■ فهرست مآخذ کلام امام
۲۲۳	■ فهرست منابع
۲۳۷	

بسمه تعالی

مقدمه

پیمودن راه آسمانی «معنویت» آسانتر از راههای زمینی نیست. نماز که پیمودن کرانه‌های وسیع عالم و هم بال شدن با فرشتگان و کزوبیان است، بیش از سفر بر خاک و پیمودن راه زمین نیازمند «راهنما» و «الگو» است.

بهترین اسوه و سرمشق در این وادی، گفتار و رفتار اولیاء الهی و سالکان راه معنویت و محبت و عشق به خداست. پویندگان مشتاق این مسیر، چشم دل به شیوه و سیره رهیافتگان و اصلان به حق می‌دوزند تا چگونه پیمودن این راه را - که بی خطر و لغزنده هم نیست - بیاموزند و به اسوه‌ها تأسی جویند.

یکی از برجسته‌ترین، محبوبترین الگوهای رفتاری و سیرو سلوک معنوی در عصر حاضر، امام خمینی «قدس سره» است. او که تمام عمر را یکسره در طریق بندگی و اخلاص گام زد و همه هستی خویش را وقف راه خدا و عبودیت او نمود. عشقی ویژه به نماز و نیایش و دعا و تهجد داشت. واپسین لحظات حیات او نیز آمیخته با عطر نماز و قرآن بود.

نهضت الهی او که امت ما را به آزادی رساند و اهل قبله را در جهان شوکتی دوباره بخشید، زمینه ساز حیات دین و احیای معنویت و توجه به

خدا در این عصر مادیت و گریز از مذهب بود. امام راحل، از مصادیق بارز کسانی بود که به تعبیر قرآن کریم «اگر به آنان تمکن و حکومت و قدرت بخشیم، نماز را برپای می‌دارند...»^(۱). رضوان همیشگی خدا بر روح بلند او باد. که دمی از خدا جدا نبود و هرچه داشت، از رهگذر همین پیوند و اتصال، مبدأ قدرت و عظمت بود و هرچه جز ذات الهی و جذبه‌های قدسی، در نظرش ناچیز و بی‌جلوه می‌نمود.

آنچه پیش رو دارید، آینه‌ای است شفاف و زلال. که جایگاه نماز را در سخن و عمل امام است نشان می‌دهد^(۲). سطر سطر این مجموعه، می‌تواند سرلوحه رفتار و سرمشق خودسازی و تهذیب نفس و آراستن چهره جان به زینت معنویت باشد. امام عاشقان و شهیدان، درباره نماز چه گفت؟ نماز در نظر او چه موقعیتی داشت؟ چگونه نماز می‌خواند؟ و از نماز چگونه نیرو می‌گرفت و زلال می‌شد؟

امید است که این دفتر نورانی را که در برابر دیدگانتان گشوده‌اید. با شما از این رمز و رازها سخن بگوید و لحظات عمر شما را خدایی و با صفا سازد. این مجموعه که با همکاری مشترک معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) و ستاد مرکزی اقامه نماز تهیه و تنظیم

۱- الَّذِينَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْاَرْضِ اَقَامُوا الصَّلَاةَ. (حج / ۴۱)

۲- مجموعه آثار موضوعی حضرت امام خمینی (س) «تبیان» نام دارد. در هر مجلد از مجموعه‌های تبیان رهنمودها و مواضع حضرت امام درباره موضوعی خاص گردآوری و منتشر شده است پیش از این شش مجموعه دیگر موضوعی تحت عنوان «انتخابات و مجلس» و «حج» در کلام و پیام امام خمینی (س) و «کلمات قصار» و «وصیت نامه موضوعی» و «قیام عاشورا» و «فلسطین» و «اسلام ناب» و «صدور انقلاب» از سوی مؤسسه منتشر گردیده است.

شده است، مشتمل بر ۳ فصل می باشد.

فصل اول به بیان خاطرات اقوام، دوستان و نزدیکان حضرت امام (س) پیرامون کیفیت و حالت امام در نماز پرداخته شده است. و مباحثی همچون حالت امام در نماز، نماز شب امام، مصلاهی امام، سفارش به فرزندان و ... آورده شده است. لازم به یادآوری است. از میان خاطرات مشابه در یک موضوع به کاملترین آنها اکتفا شده است و برای رعایت اختصار فقط نام و فامیل گوینده خاطره ذکر شده ولی در انتهای کتاب همه این افراد معرفی شده اند. خوانندگان محترم توجه خواهند داشت که خاطرات همچنانکه از عنوانش معلوم است از نظر انتساب به حضرت امام هموزن مکتوبات و فرمایشات ایشان نیست و از این نظر نباید با دیگر بخشهای این کتاب که مستقیماً برگرفته از آثار آن بزرگوار است یکی تلقی شود.

فصل دوم به بیانات و مکتوبات امام پیرامون نماز اختصاص داده شده است و به مباحثی همچون اهمیت نماز، نماز جمعه، وظایف ائمه جمعه و جماعات، نقش مساجد و ... پرداخته شده است. البته از مطالب مطروحه در کتابهای سرالصلوة و آداب الصلوة مطلبی نقل شده است. و مآخذ کلیه مطالب برحسب شماره مسلسل انتهای هر مطلب در پایان کتاب موجود است.

فصل سوم شامل معرفی سه کتاب حضرت امام (س) می باشد که اختصاصاً به نماز مربوط است این کتابها عبارتند از کتاب سرالصلوة که در سال ۱۳۱۸ ه. ش تألیف شده و کتاب آداب الصلوة که در سال ۱۳۲۱ تألیف شده و کتاب الخلل فی الصلوة که حاصل تدریس درس خارج فقه امام (س) در آخرین سالهای اقامت در نجف اشرف بوده است. بدیهی است. این مجموعه قادر نخواهد بود عمق معرفت و ژرفای اندیشه حضرتش را در خصوص اسرار و رموز پرواز در ملکوت و شهود ربوبی که از محراب نماز حاصل

می‌شود نشان دهد و طالبان حقیقت آن اسرار را چاره‌ای جز رجوع به دریای
«سرالصلوة» و دیگر مکتوبات آن عارف سالک نیست.

از خداوند متعال می‌خواهیم تا حضرت روح ا... این عارف بزرگ جهان
اسلام را در جوار انبیاء و اولیاء در صف صلوة ملکوتیان بارگاهش پذیرا
باشد و ما را در پیروی واقعی از آن امام همام توفیق عطاء فرماید.

مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) - ستاد مرکزی اقامه نماز

فصل اول

خاطرات

- وضوی امام
- نماز اول وقت
- حالت امام در نماز
- آداب و مستحبات
- نماز جماعت
- نماز شب
- مسجد و مصلی
- سفارش به فرزندان

■ وضوی امام

من بارها ناظر وضو گرفتن امام بوده‌ام و دیده‌ام که ایشان در فاصله به جا آوردن اعمال وضو، شیر آب را می‌بندند و در موقع لازم دوباره باز می‌کنند تا مبادا آب اضافی از شیر خارج شود. در حالی که اکثر ما کوچکترین توجهی به مسئله اسراف نداریم. به طور مثال، از زمانی که جهت وضو نیت می‌کنیم، شیر آب باز است تا زمانی که وضو گرفتیمان تمام شود. امام وقتی می‌خواستند وضو بگیرند، دقت زیادی داشتند که آب کم مصرف کنند. این مراقبت در جزئی‌ترین حرکاتشان مشاهده می‌شد. همیشه قبل از اذان ظهر جمعه، غسل جمعه می‌کردند و هیچ وقت غسل جمعه ایشان ترک نمی‌شد. هر وقت امام وضو می‌گرفتند، تمام جزییات وضو را رو به قبله انجام می‌دادند. حتی اگر دستشویی رو به قبله نبود، در هر مورد، پس از اینکه یک کف دست آب بر می‌داشتند، شیر را می‌بستند و رو به قبله آب را به صورت یا دست می‌زدند. حضرت امام، بر مبنای تعهد و بنا به اعتقاد اسلامی‌شان، کوشش می‌کردند همان را عمل کنند که می‌فرمودند. مثلاً اگر وقت وضو گرفتن به یکی از اعضای خانواده، تذکر می‌دادند که آب را بیش از حد مصرف نکنید، این عمل را خودشان نیز دقیقاً انجام می‌دادند. بنده برای این نکته شاهد جالبی دارم که عرض می‌کنم. یک مرتبه یکی از دوستان پسرم به او گفته بود که

برای تبرک و تیمن، مقداری از چکیده آب وضوی حضرت امام را به او بدهد تا به عنوان شفا به بیماری بدهند. پسرم به شوخی به من گفت که: «پدر! من یک شیشه از چکیده آب وضوی حضرت امام تهیه کرده‌ام.» من واقعاً تعجب کردم. برای اینکه بارها دیده بودم که وقتی حضرت امام وضو می‌گیرند، آن قدر آب روی دستشان می‌ریزند که از دست پایین نریزد. گفتم: «چه کار کردی؟» گفت: «یک کاسه گذاشتم زیر دست امام، که چکیده آب وضو آنجا بریزد. بعد آن آب را ریختم داخل یک شیشه کوچک دارو.» ملاحظه بفرمایید وقتی می‌گفتند که آب نباید هدر برود، خودشان دقیقاً انجام می‌دادند و الگویی برای دیگران بودند.

محمود بروجردی

* * *

من دو مرتبه وضو گرفتن امام عزیز را دیده‌ام؛ درست مثل وضوی پیغمبر اکرم (ص) که در اخبار بیانیه ذکر شده است. فقط برای هر یک از صورت و دستها به یک مشت آب اکتفا می‌کردند و با یک مرتبه شستن وضو می‌گرفتند.

محمد حسن قدیری

* * *

یکی از این نکات، نظم زندگی شخصی آن مرد بزرگ بود؛ نظم در خواندن روزنامه، نظم در دیدارها، نظم در خواندن نامه‌ها و حتی نظم در تجدید وضو. البته این طور نبود که شما ناکهان سراغ ایشان را بگیرید و بگویند که برای

تجدید وضو رفته‌اند. نه، ساعت خاصی داشت. یادم است یک روز در ساختمان روبه روی بیت امام در پاریس، با دیگر برادران مشغول پیاده کردن نوار بودیم. ناگهان یادم آمد که باید بروم، چون وقت تجدید وضوی حضرت امام بود. فکر کردم که باید دستشویی را سرکشی کنم تا تمیز و مرتب باشد. دوست نداشتم خانه‌ای که مسئولیتش با من بود، نامرتب به نظر آید. برادران گفتند: «ای بابا! مگر ساعت دارد؟» اما من رفتم و نظافت کردم و اتفاقاً همان لحظه هم امام آمدند.

مرضیه حدیده‌چی

* * *

امام برای من تعریف می‌کردند: توی راه من گفتم که نماز نخوانده‌ام، یک جایی نگه دارید که من وضو بگیرم. گفتند: «ما اجازه نداریم.» گفتم شما که مسلح هستید و من که اسلحه‌ای ندارم. به علاوه شما همه با هم هستید و من یک نفرم، کاری که نمی‌توانم بکنم. گفتند: «ما اجازه نداریم.» فهمیدم که فایده‌ای ندارد و اینها نگه نمی‌دارند. گفتم خوب، اقلانگه دارید تا من تیمم کنم. این را گوش کردند و ماشین را نگه داشتند، اما اجازه پیاده شدن به من ندادند. من همین طور که توی ماشین نشسته بودم، از توی ماشین خم شدم و دست خود را به زمین زدم و تیمم کردم. نمازی که خواندم، پشت به قبله بود. چرا که از قم به تهران می‌رفتم و قبله در جنوب بود. نماز با تیمم و پشت به قبله و ماشین در حال حرکت! این طور نماز صبح خود را خواندم. شاید همین دو رکعت نماز من مورد رضای خدا واقع شود.

فریده مصطفوی

* * *

بعد از مدتی ایشان را به عشرت آباد - پادگان ولی عصر (ع) فعلی - بردند و امام می فرمودند: «می خواستیم وضو بگیریم برای نماز، مسافت زیادی از آن محل ما را می بردند در جایی دور از پادگان. من آنجا وضو می گرفتم و برمی گشتم و از من خیلی واهمه داشتند و مقید بودند سربازان، افسران و درجه داران من را مشاهده نکنند.»

صادق خلخالی

* * *

روزی در پاریس یکی از آقایان آمدند و گفتند: «آمریکایی ها آمده اند که مصاحبه ای با امام انجام دهند و این برنامه مستقیم پخش می شود. اگر این عمل صورت بگیرد، بالطبع سایر کشورهای اروپایی هم چنین کاری را انجام می دهند و این می تواند برای نشان دادن مواضع و حرکت انقلاب مؤثر باشد.» اتفاقاً روز جمعه بود. بنده آمدم خدمت امام و موضوع را عرض کردم. امام فرمودند: «حالا وقت مستحبات - غسل جمعه - است. وقت مصاحبه نیست.» وقتی مستحبات روز جمع را به جا آوردند، فرمودند: «من برای مصاحبه آماده هستم.»

مرضیه حدیده چی

* * *

■ نماز اول وقت

از خصوصیات مهم حضرت امام این بود که همیشه نماز را در اول وقت می‌خواندند و به نافله‌ها اهمیت می‌دادند. این خصوصیت از همان آغاز جوانی، وقتی که هنوز بیشتر از بیست سال نداشتند، در ایشان وجود داشت. چند تن از دوستان نقل می‌کردند: «ما ابتدا فکرمی‌کردیم که خدای ناکرده ایشان از روی تظاهر نماز را اول وقت می‌خوانند. به همین خاطر سعی داشتیم کاری کنیم که اگر این کار از روی تظاهر است، جلوی آن را بگیریم. مدت زیادی در این فکر بودیم و بارها به طرق مختلف ایشان را امتحان کردیم، مثلاً درست اول وقت نماز، سفره غذا را می‌انداختیم و یا وقت رفتن به مسافرت را اول وقت نماز قرار می‌دادیم. اما ایشان می‌فرمودند: «شما غذایتان را بخورید. من هم نمازم را می‌خوانم. هرچه که بماند، من می‌خورم.» و یا در موقع مسافرت می‌فرمودند: «شما بروید، من هم می‌آیم و به شما می‌رسم.» مدتها از این مسئله گذشت و نه تنها ایشان نماز اول وقتشان ترک نشد، بلکه ما را هم واداشتند که در اول وقت نمازمان را بخوانیم.

محمد عبایی

امام می‌فرمودند: «در دوران جوانی، ما پنجشنبه و جمعه‌ای بر ما نگذشت مگر اینکه با دوستان جلسه‌ی انسی تشکیل دهیم و به خارج از قم و بیشتر به سوی جمکران برویم. در فصل برف و باران در خود حجره به برنامه‌ی انسی مشغول می‌شدیم و هنگامی که صدای مؤذن به گوش می‌رسید، همگی به نماز می‌ایستادیم.»

جعفر سبحانی

* * *

مسئله دیگر نماز اول وقت بود که ایشان خیلی به آن اهمیت می‌دادند. روایتی از امام جعفر صادق (ع) نقل می‌کردند که «اگر کسی نمازش را سبک بشمارد، از شفاعتشان محروم می‌شود.» من یک بار به ایشان عرض کردم: «سبک شمردن نماز شاید به این معنی باشد که شخص نمازش را یک وقت بخواند و یک وقت نخواند.» گفتند: نه. این که خلاف شرع است. منظور امام صادق این بوده است که وقتی ظهر می‌شود و فرد در اول وقت نماز نمی‌خواند، در واقع به چیز دیگری رجحان داده است.

محمود بروجردی

* * *

امام نسبت به نماز اول وقت خیلی عنایت داشتند. اگر طلبه‌ای، که در درس امام در مسجد اعظم یا مسجد سلماسی شرکت می‌کرد، پس از درس و در آخر وقت، برای نماز خواندن بلند می‌شد، امام از اینکه او نمازش را تا این وقت

به تأخیر انداخته بود، ناراحت می‌شدند. توجه ایشان باعث شد که بنده هم برای خواندن نماز اول وقت تلاش کنم. این از برکات درس حضرت امام بود.

صادق خلخالی

* * *

ایشان به نماز جماعت خیلی اهمیت می‌دادند و تا آنجا که ما می‌دیدیم، همیشه در نماز جماعت حاضر می‌شدند. به نماز اول وقت هم خیلی اهمیت می‌دادند. یک بار ایشان همراه مرحوم آقا مصطفی^(۱) به منزل ما تشریف آوردند. ظهر که شد، نگاهی به فرزندشان کردند و فرمودند: «ظهر است، باید نماز بخوانیم. قبله کدام طرف است؟» همان جا ایستادند و نماز خواندند.

عباس محفوظی

* * *

یک مرتبه نزدیکیهای ظهر از خواب بلند شده بودند و به من گفتند: «ربابه! من امروز دیر از خواب بلند شدم. شما حواست جمع باشد، ساعت یازده و نیم بیایی و مرا از خواب بیدار کنی.» دیگر من هر روز هرچه دستم بود، باز هم فراموش نمی‌کردم که باید آقا را بیدار کنم. تا می‌رفتم در آشپزخانه باز می‌کردم، می‌دیدم در حال وضو گرفتن هستند و خودم خجالت می‌کشیدم. تا رویشان را برمی‌گرداندند، می‌گفتم: «آقا! خودتان گفتید که بیایم و بیدارتان کنم.» می‌گفتند: «خوب کردید که آمدید مرا بیدار کنید.» تنها همان یک مرتبه

۱- مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی خمینی فرزند امام که در سال ۱۲۵۶ در نجف اشرف رحلت فرمود.

اتفاق افتاد که ایشان ساعت دوازده بیدار شدند. از یازده و نیم تا یک مشغول نماز بودند. از دفتر زیاد به من قند و آب می دادند که ببرم و تبرک کنم. من هرچه لای در را باز می کردم که برای استخاره بروم پیش ایشان، یا قند یا آب تبرک کنم، می دیدم ایشان در حال نمازند. ایستاده، نشسته، خوابیده، همه اش نماز نافله می خواندند. ساعت یک بعد از ظهر که می شد، (پنج دقیقه این ور و آن ور نمی شد، مگر اینکه کاری از دفتر برایشان پیش می آمد یا دکترها کارشان داشتند) ایشان در اتاق اندرونی زیرپله ها بودند. بعد برایشان ناهار می کشیدیم و می بردیم و تا ساعت دو بعد از ظهر آنجا بودند. بعد از ساعت دو برای استراحت می رفتند. ساعت چهار بعد از ظهر نوبت چایشان بود. چند مرتبه که چای برایشان بردم، ایشان خواب بودند و من دلم نمی آمد بیدارشان کنم. می رفتم قدم می زدم، بلکه خودشان بیدار شوند؛ می دیدم بیدار نمی شوند. بعد مجبور می شدم آهسته آهسته بگویم: «آقا، آقا جان» یکدفعه می گفتند: «بله.» می گفتم: «برایتان چای آورده ام. ساعت شش الی شش و نیم بعد از ظهر، باز نوبت قدم زدنشان بود. می آمدند، قدم می زدند و بعد می رفتند و مشغول نماز می شدند. اخبار که شروع می شد، به آن گوش می دادند.

ربابه بافقی

* * *

در یکی از جلسه ها که حضرت آیت ا... خامنه ای نیز به عنوان رئیس جمهور وقت در آن شرکت داشتند، آقای هاشمی رفسنجانی به عنوان رئیس مجلس، فرماندهان سپاه و دیگر نیروها و من به عنوان فرمانده نیروی زمینی نیز حضور داشتیم. جلسه در اتاق کوچک امام تشکیل شده بود. ایشان بر

روی مبل نشسته بودند و ما در برابرشان بر روی زمین حلقه زده و نشسته بودیم. نمی‌دانم که نوبت گزارش کدام یک از ما بود که امام ناگهان از اتاق خارج شدند. برخورد حضرت امام (ره) برای ما بسیار تکان دهنده بود. فرد گزارش دهنده نتوانست جمله ناتمام خود را تمام کند چرا که مات و مبهوت مانده بود که چه بگوید و برای چه کسی بگوید. اولین کسی که لب به سخن گشود و حرف زد، آقای هاشمی رفسنجانی بودند. ایشان گفتند: «آقا! کسالتی ایجاد شده است؟» حضرت امام با تندی برگشتند و با قاطعیت جواب دادند: «خیر، وقت نماز است.» من ناخودآگاه به ساعت نگاه کردم. افق تهران را از پیش می‌دانستم و می‌توانم بگویم که ساعت و وقت بلندشدن امام برای نماز با افق تهران دقیقه‌ای تفاوت نداشت. در هر صورت این برخورد امام در ما حال و وضع عجیبی را به وجود آورد. ایشان به طرف سجاده‌ای که پهن بود، رفتند. ما از ایشان پرسیدیم: «اجازه می‌دهید در محضرتان نماز بخوانیم؟» ایشان فرمودند: «مخالفتی ندارم.» بعد، همه ما به سرعت آماده شدیم و با حضرت امام نماز را اقامه کردیم. در آن جلسه جنگی، دائم سوالهای بسیاری در ذهن من چرخ می‌زد: چرا در جلسه‌ای به این مهمی، جلسه جنگی، حضرت امام می‌توانند جلسه را قطع کنند و به نماز بروند؟ چرا امام به عنوان ولی امر مسلمین با آن همه علم و دانش، جلسه به آن مهمی را که مربوط به مسلمین بود قطع کردند، آن هم به خاطر نماز اول وقت؟ چگونه حتی به آن سخنگو اجازه ندادند که حرفهای آن سخنگو تمام بشود؟ در واقع حالت عبادی امام چنان بود که نمی‌توانستند از چند لحظه پیش به سخنان سخنگو توجه داشته باشند.

علی صیاد شیرازی

به یاد دارم که به ملاقات ایشان رفته بودیم. آقا نماز ظهرشان را تمام کرده بودند. من وارد شدم و گفتم که عده‌ای از خانواده‌های شهدا می‌خواهند برای دست‌بوسی خدمت برسند. آقا آمدند و نشستند. کسانی که در حسینیه بودند به صف شدند تا دست امام را ببوسند. در همین حال گریه می‌کردند و از مقابل امام رد نمی‌شدند. ما هم واقعاً احساس شرمندگی می‌کردیم، که این مزاحمت برای ایشان ایجاد شده و بین دو نمازشان وقفه افتاده است. بالاخره با ناراحتی تصمیم گرفتم که به آنها بگویم رد شوند. یکمرتبه دیدم آقا با خوشرویی رو به من کردند و فرمودند: «خوب، حال شما چطور است؟ نه، بگذارید اینها باشند و سعی کردند مرا آرام کنند.»

محمدحسن قدیری

* * *

وقتی به جماران رسیدیم که وقت ملاقات امام تمام شده بود و درست سر ظهر بود، ایشان به داخل منزل رفته و برای نماز آماده شده بودند. وقتی برای دوستان مسئول دفتر جریان را تعریف کردیم و گفتیم: «به حضرت امام بگویید طلبه‌های رزمنده آمده‌اند و اگر ممکن است آنان را به حضور بپذیرند.» با کمال تعجب دیدیم که گویا ایشان، نمازشان را به خاطر جبهه و جنگ با عجله خواندند و تشریف آوردند و ضمن ملاقات با طلبه‌های رزمنده سخنرانی تقریباً مفصلی هم ایراد فرمودند و این چیزی نیست جز توجه و عنایت زیاد به امر جهاد.

محمد عبایی

* * *

دقت امام در خصوص وقت نماز و حق نماز آن قدر چشمگیر بود که پلیسهای فرانسه از روی رفت و آمد ایشان ساعتشان را میزان می‌کردند. شاید این دقت بر روی وقت نماز برای بیشتر مردم قابل درک نباشد، ولی وقتی انسان به این درجه می‌رسد، یعنی می‌تواند به نظاره‌گری آسمان و زمین بپردازد، این امر برایش طبیعی است. هنگامی که امام به نماز می‌ایستادند، احساس می‌کردم که تمام وجودشان، نماز می‌خواند. و وقتی که چند نفر از برادرها برای محافظت می‌ایستادند، می‌فرمودند: «احتیاجی نیست. در ساعت نماز باید نماز خواند.»

مرضیه حدیده‌چی

* * *

خضوع و خشوع ایشان به هنگامی که با خدای خود راز و نیاز می‌کردند، توصیف‌ناپذیر است. حضرت امام هیچ کاری را بر اقامه نماز اول وقت ارجح نمی‌دانستند. این منش بسیار والای ایشان از همان زمان جوانی و طلبگی زبانه زد کسانی بود که ایشان را می‌شناختند.

علی اکبر آشتیانی

* * *

پس از فوت آقای بروجردی یک بار در خدمت امام (ره) به تهران رفتم. حدود یک ساعت به ظهر مانده بود، به منزل آقای لواسانی که در امامزاده یحیی بود، رسیدیم. ایشان از آنجا که به مسجد رفته بودند، تشریف نداشتند.

در خدمت امام نشستیم بودم که از اندرونی منزل آقای لواسانی، دو تا لیوان فالوده گرمک آوردند. من در مقابل امام به دلیل ابهت و عظمت ایشان و احترام بیش از اندازه‌ای که برایشان قائل بودم، خود را مقید می‌کردم که بسیار منظم بنشینم. امام که این جزئیات را بسیار دقیق و سریع درک می‌کردند، فرمودند: «اگر ناراحتید، پاشوید بروید بخوابید.» به اتاق دیگری رفتم و در آنجا استراحت کردم. اول ظهر، هنگامی که مؤذن اذان می‌گفت، امام، قدس‌الله روحه، در را زدند و فرمودند: «آقای صانعی! اول ظهر است. اگر می‌خواهید، نماز بخوانید.» پاشدم آمدم وضو گرفتم و پشت سر امام به نماز ایستادم. ایشان بسیار مقید بودند که نمازشان را در اول وقت بخوانند و آن روز هم با اینکه تازه از راه رسیده بودند و با آقای لواسانی که از دوستان صمیمی‌شان بودند، صحبت می‌کردند و به قول ما طلبه‌ها «قعه‌ده» هم داشتند، همه این شرایط را نادیده گرفتند و نماز را اول وقت خواندند.

یوسف صانعی

* * *

روزی که شاه فرار کرد، ما پاریس در نوفل لوشاتو بودیم، پلیس فرانسه خیابان اصلی نوفل لوشاتو را بست، تمام خبرنگاران کشورهای مختلف آنجا بودند. خبرنگاران خارجی از آفریقا، از آسیا، از اروپا و آمریکا، و شاید ۱۵۰ دوربین فقط صحبت امام را مستقیم پخش می‌کردند. باور کنید به تعداد این جمع، خبرنگار در آنجا بود، برای اینکه خبر بزرگترین حادثه سال را مخابره می‌کنند. شاه رفته بود و می‌خواستند ببینند که امام چه تصمیمی دارند، امام بر روی صندلی ایستاده بود در کنار خیابان، تمام دوربینها بر روی امام زوم

(متمرکز) شده بود. امام چند دقیقه صحبت کردند و مسایل خودشان را گفتند. من کنار امام ایستاده بودم. یک مرتبه برگشتند و گفتند: «احمد ظهر شده؟» گفتم بله الآن ظهر است. بی درنگ امام گفتند: «والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته.» شما ببینید در چه لحظه‌ای امام صحبت‌هایشان را رها کردند. برای اینکه نمازشان را اول وقت بخوانند. یعنی در جائیکه تلویزیونهای سراسری که هرکدام میلیونها آدم بیننده دارد، C.N.N بود، B.B.C لندن بود، تمام تلویزیونها چه در آمریکا و چه در اروپا بودند. خبرگزاریها همه بودند، آسوشیتدپرس، یونایتدپرس، رویتر و تمام خبرنگاران روزنامه‌ها، مجلات، رادیو - تلویزیونها در چنین موقعیت حساسی امام حرفشان را قطع کردند و رفتند سراغ نماز.

احمد خمینی

* * *

در پاریس امام ساعت سه بعد از نیمه‌شب، از خواب برمی‌خاستند تا به برنامه‌های عبادی خود بپردازند و نیز برخی از اخبار جهان را که از روزنامه‌های خارجی ترجمه شده بود، بخوانند. صبحانه را ساعت هفت صبح می‌خوردند و بعد از صبحانه تا ساعت نه صبح به کارهای مربوط به مسائل داخل ایران رسیدگی می‌کردند. از ساعت نه تا ده صبح کارهای شخصی مربوط به خودشان را انجام می‌دادند. از ده الی دوازده ظهر نیز مصاحبه و دیدارهای خصوصی داشتند از دوازده تا دو بعدازظهر برنامه نماز و نهار بود و بعد از آن یکساعت استراحت می‌کردند. از ساعت سه الی پنج بعدازظهر به کارهای مربوط به انقلاب ایران در رابطه با خودشان از قبیل

اخبار و نامه‌های رسیده می‌پرداختند. از ساعت پنج بعد از ظهر نماز مغرب و عشا و رسیدگی مجدد به مسائل داخلی ایران ادامه پیدا می‌کرد تا ساعت نه شب که موقع شام ایشان بود. بعد از شام تا ساعت یازده به رادیوهای مختلف و اخباری که قبلاً ضبط شده بود، گوش می‌دادند و ساعت یازده می‌خوابیدند.

مرضیه حدیده‌چی

* * *

آقا هر روز از ساعت دوازده نماز را شروع می‌کردند و ساعت یک و پنج دقیقه نمازشان تمام می‌شد و ناهار می‌خوردند.

عیسی جعفری

* * *

مسئله‌ای که حضرت امام خیلی بر آن تأکید داشتند و حساسیت زیادی در مورد آن به خرج می‌دادند، نماز اول وقت بود. این را پدرم هم نقل می‌کردند که ایشان از همان نوجوانی و جوانی، اول وقت به نماز می‌ایستادند. اگر خاطرتان باشد، اوایل پیروزی انقلاب، شهید رجایی عنوان کردند، که وزارتخانه‌ها و مؤسسات دولتی، نیم ساعت برای فریضه نماز تعطیل باشند. این مسئله بسیار جالب و آموزنده بود. وقتی این قضیه از حضرت امام سؤال شد، فرمودند: «اگر به وقت و کار کسی لطمه وارد نمی‌شود، این کار را انجام بدهید.»

محمود بروجردی

* * *

ساعت ده دقیقه به هشت بود که آقا را به اتاق سی سی یو آوردند. من بغل

گوش امام عرض کردم: «آقا وقت نماز است، آقای انصاری بیاید که وضو بگیرید؟» آقا با ابرو اشاره‌ای کردند. دکتر الیاسی گفت: «آقا همه حرفها را می‌شنوند، ولی نمی‌توانند جواب دهند.» آن موقع بود که دیدم امام با انگشت دست راست اشاره می‌کنند، و تصور ما این بود که دارند نماز می‌خوانند.

مصطفی کفاش زاده

* * *

علی^(۱) خیلی به امام علاقه داشت. در مقابل، آقا هم خیلی به او علاقه مند بودند. روزی نبود که علی، امام را نبیند. حتی وقتی که آقا قبل از ظهر می‌خوابیدند، ما مواظب بودیم که مبادا برود در بزند و آقا را از خواب بیدار کند. همیشه امام ساعت یک ربع به دوازده، برای نماز بیدار می‌شدند و وضو می‌گرفتند. یک روز ساعت یک ربع به دوازده شده بود و ما دیدیم مثل اینکه امام هنوز بیدار نشده‌اند. گفتم: «علی! مثل اینکه آقا بیدار نشده‌اند.» گفتم: «برویم تو» گفتم: «نه» هرچه گفتم، او اصرار می‌کرد برویم تو. خلاصه، در را باز کردیم و دیدیم که ایشان خوابیده‌اند. این بچه خودش را روئی آقا انداخت و آقا بیدار شدند. ایشان بدون اینکه کوچکترین حرفی بزنند یا تقلایی کنند، بچه را بغل کردند و در آغوش گرفتند و بنا کردند به بوسیدنش. عادت امام این بود که وسط دو نماز، دراز می‌کشیدند و ورزش می‌کردند و پاهایشان را یک در میان بالا می‌بردند. علی هم می‌خواست همان کار را بکند، می‌خوابید و مثل امام پاهایش را بالا می‌گرفت.

عیسی جعفری

* * *

یک شب قبل از وفاتشان از ساعت ده شب تا پنج صبح در بیمارستان در خدمتشان بودم. چند بار از خواب بیدار شدند و آب طلب کردند. آب میوه می‌آوردیم می‌گفتند: آب معمولی بدهید. آب میوه میل نمی‌کردند. چند بار نیز ساعت و وقت را پرسیدند و مرتب می‌گفتند: مواظب باشید، نکند آفتاب بزند و نمازم قضا شود!

حسین سلیمانی

* * *

همان روز نماز ظهر و عصرشان را با وضو خواندند. از یک ساعت قبل از ظهر هرکس پیش ایشان می‌رفت، از او می‌پرسیدند: «چقدر به ظهر مانده؟» و هدفشان هم این بود که در نماز اول وقتشان تأخیری رخ ندهد. از ساعت سه و نیم بعد از ظهر احساس اضطراب عجیبی بر همه مستولی شد. کار به جایی رسیده بود که با تلاش بسیار پزشکان و پرسنل بیمارستان، همه منتظر وقوع معجزه‌ای بودیم. هنگام مغرب، پزشکان با توجه به اینکه حساسیت ایشان را به نماز می‌دانستند، صدایشان کردند و گفتند: «آقا! وقت نماز است.» امام که از ساعت یک و نیم بعد از ظهر بیهوش شده بودند، نسبت به این صدا عکس‌العمل نشان دادند. همه ما شاهد آن بودیم که ایشان در آن حالت بیهوشی با حرکات دست و ابروها نماز مغرب را به جا آوردند.

فرشته اعرابی

* * *

به نماز اول وقت خیلی علاقه داشتند. حتی در آخرین روز، تقریباً ساعت ده شب، نماز مغرب و عشا را با اشاره خواندند. در حالت بیهوشی بودند که یکی از پزشکان بالای سرشان رفت و برای اینکه شاید به وسیله نماز بشود آقا را به هوش آورد، گفت: «آقا! وقت نماز است.» همین که این را گفت، آقا به هوش آمدند و نمازشان را با اشاره دست خواندند. از صبح آن روز هم مرتب از ما سؤال می‌کردند که: چقدر به ظهر مانده. چون خودشان ساعت دم دستشان نبود و آن قدرت را نداشتند که به ساعت نگاه کنند؛ یک ربع به یک ربع از ما می‌پرسیدند. نه به خاطر اینکه نمازشان قضا نشود، به خاطر اینکه نماز را اول وقت بخوانند.

نعیمه اشراقی

* * *

نماز را همیشه اول وقت اقامه می‌کردند و این توصیه را نیز به بچه‌های خود می‌کردند. به یاد دارم که در ابتدای جنگ، در حضورشان جلسه‌ای با بعضی از رؤسا و مسئولان خارجی و داخلی برگزار شده بود. هنگام اذان، حضرت امام بدون توجه به دیگران برخاستند و نماز اول وقت خود را اقامه کردند و همه نیز به ایشان اقتدا کردند؛ و در همان وقت نه تنها هشت رکعت نماز نافله ظهر را خواندند، بلکه هشت رکعت نماز نافله عصرشان را نیز اقامه کردند. در ایامی که در بیمارستان بودند، قبل از اذان ظهر می‌پرسیدند: «چقدر به اذان ظهر مانده است.» و نیمه شب نیز می‌پرسیدند که: «چقدر به اذان صبح مانده است» تا نمازهای نافله خود را بخوانند. زمانی هم که جان به جان آفرین تسلیم کردند، آخرین لحظه‌های حیاتشان با کلام نماز همراه بود. حتی

هنگامی که به هوش آمدند، اولین جمله‌ای که بر زبان راندند، الله اکبر بود.
محمدرضا توسلی

* * *

بعد از عمل یکی از دکترها گفت: «آقا چشمشان را باز کرده‌اند و آقای انصاری را که مسئول کارهای شرعی است، صدا کرده‌اند». آقای انصاری به امام گفت: «شما می‌خواهید نماز بخوانید؟» امام ابرویشان را تکان دادند. اما به هیچ سؤال دیگری پاسخ نمی‌دادند. بعد هم دستشان را تکان دادند، معلوم بود که دارند نماز می‌خوانند. این اواخر مدام نگران نماز اول وقتشان بودند.
زهرا اشراقی

* * *

آن روز که به بیمارستان منتقل شدند، سفارش فرمودند ساعت اقامه نماز ظهر و عصر را به ایشان اطلاع دهند و در مراحل اول نمازشان را خواندند و بعد به صرف غذا پرداختند. یکی از روزها یکدفعه متوجه شدند که سینی حامل غذا وارد اتاق شد. ایشان پرسیدند: «مگر وقت اقامه نماز فرا رسیده؟» حاضران در جوابشان گفتند: «بله، وقت نماز رسیده است.» امام با نهمی به حاضران رو کردند و فرمودند: «پس چرا مرا بیدار نکردید؟» که در جواب گفته بودند: «به دلیل وضع خاص شما نخواستیم بیدارتان کنیم.» و باز ایشان با ناراحتی گفتند:

«چرا با من به این شکلی برخورد می‌کنید؟ غذا را پس بگیرید تا من

نماز را اقامه سازم.

مهدی امام جمارانی

* * *

ساعت یکربیع به یازده بود که آقا سؤال کردند: «ساعت چند است؟» پاسخشان را دادیم. فرمودند: «من می‌خواهم وضو بگیرم.» عرض کردیم: «چون وقت زیادی به ظهر مانده است، یک ساعت استراحت کنید.» فرمودند: «پس به آقای انصاری بگویید ساعت بیست دقیقه به دوازده بیاید که من می‌خواهم وضو بگیرم.» به آقای انصاری خبر دادیم و در همان ساعت خدمت امام رسیدیم و امام وضو گرفتند، فرمودند: «می‌خواهم نماز بخوانم.» آقای انصاری گفتند: «آقا می‌خواهند نماز نافله بخوانند و فعلاً نیازی به مهر نیست.» در هر صورت امام پس از خواندن نافله و نماز ظهر و عصر، همچنان به نماز خواندن (همراه با اذان و اقامه) و ذکر گفتن ادامه دادند و تقریباً ساعت دو بعد از ظهر بود که افراد خانواده را طلبیدند و با آنها صحبت کردند. سپس حاج احمد آقا خدمت امام رسیدند. از ساعت دو و نیم به بعد، دیگر صدای ذکر گفتن امام نمی‌آمد، ولی لبهایشان همچنان حرکت می‌کرد. ساعت سه و چند دقیقه بعد از ظهر بود و در حالی که امام ذکر می‌گفتند، ناگهان فشار خون ایشان پایین آمد و خیلی سقوط کرد، تا اینکه سکتہ کردند.

سیدرحیم میریان

* * *

■ حالت امام در نماز

درست به خاطر دارم که ماههای نخست آغاز جنگ بود. دشمن با تمام تجهیزات و مدرنترین سلاحهای اهدایی شرق و غرب و ورزیده‌ترین ارتش آموزش دیده خود، حمله وسیعی را به مرزهای غربی و جنوب غربی کشور اسلامی ما شروع کرده بود و هر روز و هر ساعت خبر ناگوار و وحشتناکی از پیشرویهای دشمن به گوش می‌رسید، و به راستی که خواب و خوراک را از همه گرفته بود. به طوری که ما بسیاری از ساعات روز و شب خود را در دفتر جماران و در پای دستگاه تلکس می‌گذراندیم و هر لحظه مترصد خبر تازه‌ای بودیم و متأسفانه خبرها هم یکی پس از دیگری، همگی مایوس‌کننده و تأثیربار بود. همه در تلاش بودند. چه آنها که در جبهه و در خط مقدم بودند، و چه آنها که در پشت جبهه، نیرو و امکانات بسیج می‌کردند. نصیب ما هم در این میان، غم و غصه و اندوه فراوان بود. در یکی از همان روزهای فراموش نشدنی و غم‌بار، نزدیکیهای ظهر بود که تلفن زنگ زد و من که پای گوشی بودم، تلفن را برداشتم و متوجه شدم که آقای مهندس غرضی^(۱) است، که آن موقع استاندار خوزستان بودند. پس از سلام و تعارف، با دلهره و اضطرابی به من گفتند: «فلانی! این خبر را فوراً به امام بدهید و پاسخ آن را هم بگیرید و

۱ - مهندس سید محمد غرضی، وزیر اسبق پست و تلگراف و تلفن

به من بگوئید. خرمشهر سقوط کرده و آبادان هم در خطر سقوط است. تکلیف چیست؟» برای من که خود را ضعیفتر از گوینده این خبر می دانستم، روشن است که شنیدن این خبر وحشتناک (که سرانجام آن هم معلوم نبود) چه اضطرابی به وجود آورد و همانگونه بدون عبا و عینک به اتاق بغل دفتر، که اتاق پذیرایی امام (ره) بود (و تا همین آخر هم تغییر نکرد و بارها همگی در صفحه تلویزیون، آن اتاق محقر را دیده ایم) رفتیم و با توجه به همان نظم دقیق زندگی امام (ره) می دانستم که ایشان در آن زمان که اذان ظهر می گفتند، سر سجاده نماز و آماده انجام فریضة ظهرند. با همان وضع، خود را به جلوی سجاده نماز ایشان رساندم، دیدم مشغول اقامه نمازند. مرا که با آن وضع دیدند، فرمودند: «چه خبر شده است؟» من سخنان آقای غرضی را بازگو کردم و عرض کردم: «گوشی در دست ایشان است و منتظر پاسخ و دستور حضرت عالی هستند.» امام (ره) طوری که انکار هیچ مطلب غیر معمولی نشنیده بودند، با همان آرامش و طمأنینه همیشگی، فرمودند: «بروید به ایشان بگوئید جنگ است آقا! جنگ است!» همین دو جمله را گفتند و به دنبال فصول بعدی اقامه خود رفتند و سپس هم بدون توجه به اینکه من هنوز ایستاده ام، تکبیرة الاحرام گفتند و با طمأنینه نماز ظهر را شروع کردند. من هم برگشتم و به آقای غرضی گفتم: «آقا فرمودند جنگ است آقا! جنگ است!» ایشان هم دیگر چیزی نگفت و گوشی را بر زمین گذاشت. به راستی هنوز آن منظره و آن آهنگ و آن جملات در گوش من طنین انداز است.

رسولی محلاتی

شامگاهی هنگام نماز مغرب در حیاط قدیمی ایشان در «یخچال قاضی»^(۱) با مرحوم حاج شیخ عباس گنجی برای نماز مغرب حاضر شدیم. امام رضوان الله علیه به نماز مغرب پرداختند و آن چنان دور از قرائت غلیظ، با حضور تمام و در عین حال متوسط نماز خواندند که ما دو نفر پس از نماز به یکدیگر نگریستیم و گفتیم نماز یعنی این، یادمان باشد برای ادای حرف از مخارج مثل بعضی‌ها نباشیم، بین این نماز را!

محمدحسن احمدی

* * *

امام (قدس ره) در برگزاری نماز بسیار ساده و بدون تکلف بود بطوری که شاید برای افراد عادی و عامی هیچ امر جالب توجهی نداشت ولی برای خواص، این نوع سادگی نیز حاکی از عمق عرفان و اخلاص و صفای عبودیت امام بود.

عمید زنجانی

* * *

من شاهد بودم که حضرت امام (قدس ره) نماز را با تأنّی و کوتاه می‌خواندند و مقید بودند که حتماً نماز را اول وقت بخوانند و بسیار ناراحت می‌شدند از تأخیر نماز از اول وقت.

صادق خلخالی

* * *

۱- نام یکی از محلات شهر قم که بیت امام در آنجا قرار دارد.

ما هرچه دقت می‌کردیم که قرائت نماز را بشنویم با اینکه حمد و سوره نماز مغرب بلند خوانده می‌شود کمتر قرائت ایشان را می‌شنیدیم. خیلی معمولی نماز می‌خواندند.

تقویمی

* * *

می‌توان گفت که از نظر جنبه‌های اخلاقی و عرفانی، ویژگی خاصی در ایشان مشاهده می‌شد. ایشان تکیه زیادی بر «اسرار الصلاة» می‌کردند. به یاد دارم که به خصوص به کتاب «آداب الصلوة» مرحوم شهید ثانی توجه زیادی داشتند و می‌فرمودند: «بهتر است که بگوییم اسرار الصلوة». بیشتر توجه به معنویاتی که از ابتدای وضو گرفتن - یعنی از هنگامی که انسان می‌خواهد برای وضو گرفتن رو به آب برود - تا پایان نماز داشتند. این حدیث را که فکر می‌کنم از «مصباح الشریعه» باشد، بارها می‌گفتند: یکی از ائمه معصوم (ع) می‌فرماید: «تَقَدَّمْ إِلَى الْمَاءِ تَقَدُّمَكَ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ».^(۱)

یعنی موقعی که برای وضو گرفتن به سوی آب می‌روی، در واقع به سوی رحمت خدا می‌روی. روی این جمله خیلی تأکید داشتند. خلاصه موعظه‌های زیادی داشتند. در میان طلبه‌ها، آنهایی که علاوه بر درس، به فکر تهذیب اخلاق هم بودند، در درس اخلاق امام (ره) شرکت می‌کردند.

عباس ایزدی

* * *

ما بارها وارد اتاق می‌شدیم و آقا را در نماز جماعت می‌دیدیم در جماران، نجف، تهران و قم و هیچگاه با یکدیگر هیچ فرقی نداشت نماز خود را نه یک کلمه زیادتر می‌کردند نه یک کلمه کمتر، هیچ فرقی نمی‌گذاشتند یعنی نمازی که در جماران می‌خواندند یک کلمه هم اضافه نمی‌کردند. بخاطر اینکه جمعیت هست حالا تندتر بخوانند، یا یواش‌تر کنند، کمتر یا بیشتر شود هیچ فرقی نمی‌کرد. در نجف، قم و تهران که بودند نمازهایی که در خانه می‌خواندند به همان صورت بود. یعنی قدیم سه مرتبه «سبحان ربی العظیم و بجمده» می‌گفتند این اواخر سه تا «سبحان‌الله» می‌گفتند. قدیم قنوت را «لا اله الا الله الحلیم الکریم...» می‌خواندند. این اواخر «رَبُّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً...»^(۱) می‌گفتند. هیچ فرقی نداشت آنجا که صلوات می‌فرستادند. باز هم صلوات می‌فرستادند.

مسیح بروجدی

* * *

در چهره دژخیمانی که قائد اسلام را به تهران می‌بردند^(۲) اضطراب و نگرانی و رُعب و وحشت به خوبی هویدا بود. قائد بزرگ در مقام دل‌داری آنان اظهار داشت: «این قدر وحشتزده نباشید، در وسط این بیابان کسی نیست که قصد تعرّض نسبت به شما را داشته باشد. چند دقیقه‌ای ماشین را برای ادای نماز متوقف سازید. شما هم نماز بخوانید. شما ارتش کشور اسلامی هستید؛ از بودجهٔ اسلام ارتزاق می‌کنید و واجب است که به احکام و فرامین اسلام پایبند باشید!» سرانجام بر اثر فشار و اصرار بیش از حد ایشان، حاضر شدند

۱- سوره بقره / ۱۹۷.

۲- اشاره است به حادثه دستگیری حضرت امام (س) در شب پانزده خرداد ۱۳۴۲ ه.ش.

که برای چند لحظه‌ای ماشین را نگه دارند تا ایشان فقط تیمم نمایند.

حمید روحانی

* * *

اوایل جنگ بود که ناگهان صدای ضدهوایی به گوش ما رسید. و چون تا آن روز با صدای ضدهوایی آشنایی نداشتیم، احساس کردیم که هر صدا به منزله انفجار یک بمب است و سراسیمه به اتاق امام رفتیم. ولی امام در ایوان اتاق مشغول نماز خواندن و عبادت بودند. گویی اصلاً صدایی نشنیده بودند و اصلاً متوجه ورود ما به اتاق نشدند. ما که هیجان زده و از طرفی نگران امام بودیم، با دیدن حالت امام، احساس آرامش کردیم.

عاطفه اشراقی

* * *

یکی از پزشکان قم نقل می‌کرد: «هنگامی که خبر دادند امام دچار ناراحتی قلبی شده‌اند، خودم را به بالین ایشان رساندم و فشار خونشان را گرفتم. فشارسنج عدد پنج را نشان می‌داد و این از نظر پزشکی خیلی خطرناک بود. کارهای اولیه را انجام دادم و پس از دو ساعت که وضع قدری بهتر شده بود و در عین حال، هنوز خطرناک بود که حرکت کنند، دیدم ایشان آماده حرکت شده‌اند. عرض کردم: آقا جان! چرا برخاستید؟ فرمودند: «نماز!» عرض کردم شما در فقه مجتهدید و من در طب! حرکت کردن برای شما به فتوای من حرام است! بهتر است خوابیده نماز بخوانید. ایشان نیز با دقت به نظر من عمل فرمودند.»

فاطمه طباطبایی

* * *

■ آداب و مستحبات

حضرت امام برای نماز، تمیزترین جامه‌ها را بر تن می‌کردند. ایشان، بعد از تطهیر و گرفتن وضو، ریش مبارک خود را شانه می‌کردند؛ عطر می‌زدند و بعد از گذاشتن عمامه بر سرشان، به نماز می‌ایستادند. حضرت امام، حتی در هنگام بیماری و در عین خونریزی و با وجود زخم بزرگ شکم، در موقع نماز، تمیزترین جامه‌ها را که بدون آلودگی بود بر تن می‌کردند.

کلانتر معتمدی

* * *

یک بار یک روستایی گفته بود: «یکی از لباسهای امام را که ایشان در آن نماز خوانده باشند، می‌خواهم.» و طوری اصرار کرده بود و به عهده من گذاشته بود که من خجالت می‌کشیدم به امام بگویم ولی ناچار موظف شدم بگویم. یک بار که خدمت امام بودم، کارم که تمام شد، عرض کردم: «آقا! یک مسئله دیگر است که من عرض می‌کنم، هرطور نظرتان است عمل کنید. بنده خدایی گفته است یک لباس شما را می‌خواهد که با آن نماز خوانده‌اید. عبا یا هرچه باشد.» همین که حرفم را زدم، دیدم امام با تبسم و نهایت خوشرویی

فرمودند: «اشکالی ندارد.» صدا کردند و گفتند: «آن عبا را بیاورید.» من واقعاً تعجب کردم که این شخصیت، با این عظمت، در برابر درخواست یکی از مردم معمولی یکی از روستاهای اطراف اصفهان، با نهایت خوشرویی بلافاصله آن عبا را دادند. وقتی از محضرشان خارج شدم، بیشتر آقایان، به خصوص محافظان، طمع کردند! وقتی جریان را گفتم، همگان با تعجب اظهار خرسندی کردند.

محمد یزدی

* * *

به نماز اول وقت خیلی مقید بودند، در اوج اشتغالات و گرفتاریها، به نماز اول وقت مقید بودند. یادم است روزی که سران کشورهای اسلامی برای قضیه صلح ایران و عراق به خدمتشان آمده بودند، وسط جلسه بود که اذان ظهر گفته شد. امام بلند شدند، فرمودند: «من می‌خواهم نماز بخوانم.» چون مقید بودند به هنگام نماز خود را با عطر و ادوکلن خوشبو کنند، در همان جلسه به من اشاره کردند: «ادوکلن من را بیاور!» پس از ادوکلن زدن به نماز ایستادند و دیگران هم پشت سر ایشان نماز جماعت خواندند. این اواخر که ایشان را به بیمارستان برده بودند، مرتب از وقت نماز سؤال می‌کردند، تا اینکه نماز اول وقتشان فوت نشود.

محمد رضا توسلی

* * *

یک روز امام فرمودند که بیائید و این فرش را از اینجا جمع کنید چون روی این فرش نقش و صورت حیوانات افتاده و نماز خواندن در اتاقی که در آن تصویری از انسان یا حیوان باشد مکروه است.

محمدعلی انصاری

* * *

جالب این بود که امام همیشه موقع نماز عطر و بوی خوش مصرف می‌کردند و شاید بدون بوی خوش سر نماز نایستاده باشند. حتی در نجف هم که نماز شب را روی پشت بام می‌خواندند، در همان پشت بام نیز یک شیشه عطر داشتند.

محمود بروجردی

* * *

حضرت امام اول وقت به نماز می‌ایستادند و با خضوع و خشوع و حضور قلب، نماز خود را برگزار می‌کردند. قبل از فرارسیدن وقت نماز، حضرت به تلاوت قرآن کریم می‌پرداختند و پس از برگزار کردن نماز مغرب و عشا به داخل حیاط خانه رفته و رو به قبله می‌ایستادند. سپس در حالی که با انگشت به طرف قبله اشاره می‌کردند، حدود پنج دقیقه دعایی را زیر لب زمزمه می‌کردند.

علی اکبر آشتیانی

* * *

مطلبی را از یکی از بستگانمان که از متدینان و علمای بزرگ حوزه علمیه بود نقل می‌کنم. ایشان می‌گفت: «دعایی است که خواندنش بعد از نماز صبح مستحب است. آن دعا سلام به انبیا و ملائکه است. من حدود بیست و چهار سال است که این تعقیبات را می‌خوانم. بیست و چهار سال قبل، حاج آقا روح‌الله خمینی به من فرمودند: «فلانی! به این دعا مداومت کن که من سالهاست این دعا را می‌خوانم.» یعنی آن آقا بیست و چهار سال بود که مرتب این دعا را می‌خواند و می‌گفت بیست و چهار سال قبل، آقای خمینی به من فرمودند که این دعا را بخوانید.»

احمد صابری

* * *

خاطره‌ای از آن بزرگوار دارم که هیچ‌گاه از یادم نمی‌رود. سالیانی پیش، در صف سوم نماز جماعت مرحوم آیت‌الله محمدتقی خوانساری در خدمت ایشان نشسته بودم. نیمه شعبان بود. دعایی مخصوص این شب نقل شده است. این دعا در «مفاتیح الجنان» نیست ولی دعایی است که سینه به سینه نقل شده است و بعد از نماز مغرب و عشا، قبل از تکلم، باید بیست و یک مرتبه خوانده شود. این دعا، چند سطری بیشتر نیست. من شروع کردم به خواندن این دعا. از روی کاغذ می‌خواندم. ایشان فرمودند: «فلانی! چه می‌خوانی؟» من چون نمی‌خواستم حرفی بزنم، کاغذ را به ایشان نشان دادم. ایشان فرمودند: «بلند بخوان تا من هم بخوانم.» با هم آن دعا را خواندیم.

مجتبی عراقی

* * *

امام به نافله‌ها خیلی مقیدند. من نمی‌دانم از آقایان دیگر، کسی را داریم که تا این اندازه ملتزم به نافله‌ها باشند یا نه. نافله‌های ظهر، چهارنماز دورکعتی است. ظهر که خدمت ایشان می‌رویم، آقا در حال خواندن نافله‌های ظهرند. قبل از ظهر هم اگر نتوانند نماز را نشسته بخوانند و به سجده بروند، در حرکت می‌خوانند، چون نافله‌ها را می‌توان در حرکت هم خواند. نافله‌های عصر چهارنماز دورکعتی است که مقیدند آنها را هم بخوانند. آن زمانی که سالمتر بودند، نافله‌ها را ایستاده می‌خواندند. ولی حالا گاهی هنگام راه رفتن می‌خوانند.

حسن ثقفی

* * *

چیزی که برای ما خاطره شده است، این است که در ماه مبارک رمضان در فصل گرمای نجف اشرف، ایشان برای نماز جماعت ظهر و عصر با زبان روزه به مدرسه مرحوم آیت‌الله بروجردی تشریف می‌آوردند و هرروز، اول هشت رکعت نافله‌های ظهر را می‌خواندند و بعد نماز ظهر را با اذان و اقامه به طوری نسبتاً طولانی می‌خواندند و بعد از تعقیب، هشت رکعت نافله‌های عصر را می‌خواندند. و بعد نماز عصر را با اذان و اقامه مانند نماز ظهر می‌خواندند و بعد از تعقیب، تشریف می‌بردند.

محمدحسن قدیری

* * *

امام با همه اشتغالاتی که داشتند، به انجام مستحبات، به ویژه خواندن قرآن، دعا و نماز اول وقت، اهمیت می‌دادند. امام هر روز، سه تا پنج مرتبه قرآن می‌خواندند. در ماه مبارک رمضان، سه بار قرآن را ختم می‌کردند و شاید کسی باور نکند که ایشان در جایگاه یک رهبر انقلابی و سیاسی، اکثر دعاهای «مفاتیح الجنان» را خوانده باشند! یادم است یک وقت امام از من مفاتیح خط درشت خواستند. برای ایشان تهیه کردم. یک روز مانده بود به فوت ایشان که یکی از خانمها به من گفتند: «شما بیایید بالای سر امام دعا بخوانید.» من هم دعای عدیله را خواندم. یک وقت متوجه شدم که امام در یک جای مفاتیح نشانه‌ای گذاشته‌اند. نگاه کردم دیدم دعای عهد حضرت مهدی (عج) است که چون مستحب است چهل روز خوانده شود، ایشان روی کاغذ تاریخ شروع را از هشتم شوال مرقوم فرموده بودند و تا آن روز خوانده بودند! تا این اندازه امام به دعاها، آن هم با انجام خصوصیات و شرایط مقید بودند. همچنین دعای کمیل را می‌خواندند.

محمد رضا توسلی

* * *

حدود دو سه ماه قبل از ارتحال امام خدمتشان رسیدم. ایشان مشغول ادای نماز بودند. ما در اتاق استراحت و عبادت امام به حضورشان رسیدیم. ساعت یک بعد از ظهر بود و امام در حال نماز. من از حاج احمد آقا پرسیدم: «وقت اذان گذشته است، چطور امام این موقع نماز را به جا می‌آورند؟» حاج احمد آقا در پاسخ گفتند: «امام در حال به جا آوردن مستحبات نماز هستند.»

محسن رضایی

* * *

نافله‌ها را نیز که بیشتر افراد نشسته می‌خواندند، حضرت امام ایستاده می‌خواندند. از این رو ما که چهل - پنجاه سال از ایشان کوچکتر بودیم، در مقابلشان شرم داشتیم که نشسته نافله‌ها را بخوانیم.

موسوی بجنوردی

* * *

هنگامی که امام را از اتاق بیهوشی بیرون آوردند، دیدم لبهای امام تکان می‌خورد. به دکتر گفتم: «نگاه کنید، ظاهراً امام دارند ذکر می‌گویند.» دکتر گفت: «چون دندانها در دهان امام نیست، لبها قدرت ندارد و به همین دلیل لرزش دارند.» من با دقت از زیر ماسک اکسیژن نگاه کردم، دیدم زبان مبارک امام نیز تکان می‌خورد. اینجا بود که همه یقین کردیم امام در آن حالت استثنایی هم از یاد و ذکر خدا غافل نیست. روز آخر، ساعت هشت تا ده صبح، دو - سه بار متوجه شدم که امام شهادتین را بر لب جاری می‌کنند. در این مواقع من وحشت می‌کردم، نزدیک می‌رفتم و می‌دیدم ایشان مشغول خواندن اذان و اقامه برای نمازند. گویا حتی برای نماز مستحبی هم اذان و اقامه می‌گفتند یا ذکر دیگری بود که ما درست متوجه نمی‌شدیم. بعد از ظهر با اینکه حالشان رو به وخامت گراییده بود، باز هم لحظه‌ای از ذکر خدا و نماز خواندن غفلت نمی‌کردند. خلاصه، امام چه در ایام معمولی زندگی و چه در ساعاتی بیماری و شدت، همیشه به یاد خدا بودند.

احمد بهاء‌الدینی

* * *

ظهر روز آخر حضرت امام با دیدن ما تا خواستند صحبتی بکنند، نتوانستند. فقط همین قدر گفتند: «چراغها را خاموش کنید. مرا تنها بگذارید.» گویی می‌خواستند با خدای خودشان راز و نیاز کنند.

زهر اشراقی

* * *

ناقله نماز مغرب را دو تا دو رکعتی می‌خواندند و ناقله عشاء را بعد از فریضه عشاء می‌خواندند نماز غفيله را هم جدا از ناقله مغرب می‌خواندند. چیزی که در ذهن من بود، شنیده بودم آقای بروجردی نظرشان این بود که نماز غفيله با ناقله مغرب (دو رکعت دوم ناقله مغرب) یکی هست و این را از آقا پرسیدم، آقا فرمودند: «آقای بروجردی را یادم نیست، اما آقای حکیم هم یک همچنین نظری دارند. نه، به عقیده من اینها دو تاست و جدا است.» خود امام، اول ۴ رکعت ناقله مغرب را می‌خواندند و بعد هم نماز غفيله را ادا می‌کردند. از آقا پرسیدم: اگر فرصت نباشد چی؟ فرمودند: «اگر فرصت نباشد خوب یکی بخوانند، یعنی نیت ناقله مغرب بکنند و بصورت غفيله بخوانند.» نکته دیگر اینکه ایشان در نوافلی که انجام می‌دادند بعضی از مستحبات را رعایت می‌کردند. در نماز ناقله و در فرایض هم همینطور است که «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» بعد از شروع نماز و قبل از سوره حمد مستحب است. ایشان این مستحب را خیلی مقید بودند هم در نماز فریضه و هم در نماز ناقله، یا قنوت در نماز فریضه هم خیلی مستحب مؤکد است. اما در نماز ناقله اصلاً همچنین چیزی نیست و در نوافل سوره توحید شرط صحت نیست و می‌شود حذف کرد. اما چون مقید بودند می‌خواندند. ایشان نماز ناقله را بعد از نماز فریضه می‌خواندند و معمولاً برنامه خودشان را بهم نمی‌زدند. نماز ناقله

مغرب را بین دو نماز می خواندند. اما گاهی اوقات می فرمودند: من نافله را بخوانم یا اجازه می گرفتند، اگر گاهی اوقات مثلاً: بابا^(۱) و یا خانم^(۲) و یا... پشت سرشان نماز می خواندند، بیشتر خانم و یا چند نفر دیگر من دیده بودم. آقا می فرمودند: «من یک چند رکعت نماز نافله بخوانم». این به نوعی اجازه بود و گاهی اوقات هم برای رعایت حال مأمومین، نافله ظهر را که باید قبل از ظهر خوانده بشود و یا نافله عصر را که باید قبل از عصر خوانده شود اینها را به بعد از نماز می انداختند و یا همه را به قبل از فریضه نماز می انداختند. نافله عصر را که بین نماز ظهر و عصر باید خوانده می شد می انداختند بعد از نماز عصر که معطل نکنند، بین نماز ظهر و عصر.

مسیح بروجردی

* * *

من و حضرت امام روی پشت بام می خوابیدیم. خدا می داند بارها اتفاق می افتاد که من هنوز به خواب نرفته بودم که ایشان برای نماز شب بلند می شدند، وضو می گرفتند، به خودشان عطر می زدند و به نماز می ایستادند و استغاثه می کردند. من هم گوش می کردم و تماشا می کردم تا وقت اذان صبح می شد و ایشان نماز صبح و دعاهایشان را می خواندند و تا دمیدن آفتاب، کمی استراحت می کردند.

محمود بروجردی

* * *

۱- دکتر محمود بروجردی (داماد امام).

۲- خانم خدیجه تقی (همسر امام).

امام خودشان در تاریکی به نماز می ایستادند، اگر چراغی اضافی روشن بود به شدت ناراحت می شدند، گویی عذاب گناهان را به چشم خویش می دیدند.

عاطفه اشراقی



تعقیبات نمازی که آقا - حالا من این دو یا سه سال اخیر را می دانم قبل از آن را اطلاع ندارم - بعد از نماز می خواندند، تعقیبات مشترک ایشان بعد از اینکه سلام نماز را می دادند و سه تکبیر آخر نماز را می گفتند شروع به تسییحات حضرت زهرا (س) (۳۴) الله اکبر، ۳۳ الحمد لله، ۳۳ سبحان الله می کردند؛ و بعد می فرمودند: «اعوذ بالله من الشيطان الرجيم، بسم الله الرحمن الرحيم، الحمد لله ... ولا الضالين» تا آخر سوره حمد می خواندند. بعد آیت الکرسی^(۱) «الله لا اله الا هو... و هو العلی العظیم»، را تا این آیه می خواندند بعد آیه «شهد الله انه لا اله الا هو والملائکه و اولوا العلم... و هو العزیز الحکیم»^(۲) و «قل اللهم مالک الملك... انک علی کل شیء القدير»^(۳) و «تولج الیل فی النهار... بغير حساب»^(۴) و «استغفر الله الذی لا اله الا هو، ذوالجلال و الاکرام و اتوب الیه»^(۵) را می خواندند. اینها تعقیبات مشترک ایشان بود. من تعقیبات نماز صبح ایشان

۱- سوره بقره / ۲۵۵ تا ۲۵۷.

۲- سوره آل عمران / ۱۸.

۳- سوره آل عمران / ۲۶.

۴- سوره آل عمران / ۲۷.

۵- مفاتیح الجنان، «تعقیبات نماز عصر».

را ندیدم. ولی این تعقیبات مشترک ایشان بود. بعد از نماز مغرب هفت مرتبه می‌گفتند: «بسم الله الرحمن الرحيم لاحول و لا قوة الا بالله العلي العظيم»^(۱) یکبار امام به من فرمودند: «برو بیرون توی ایوان، بین ماه را می‌بینی». حالا در جماران که همه‌اش درخت است و «دید ندارد» آمدم بیرون نگاه کردم، آنجا که ظاهراً ماه باید می‌بود، هرچه نگاه کردم ماه پیدا نبود. شب اول ماه بود. عرض کردم: آقا، نه. نماز مغرب بود. در ذهنم این است که [گویا] می‌خواستند نماز اول ماه بخوانند ولی من چیزی ندیدم. ایشان به این چیزها مقید بودند.

مسیح بروجردی

* * *

حضرت امام قبل و بعد از هر نمازی مثلاً قبل از نماز صبح و بعد از آن قبل از نماز مغرب و قبل از نماز عشاء و بعد از نماز عشاء و قبل از نماز ظهر و قبل از نماز عصر و بعد از نماز عصر و جمعاً هشت بار، عرض ارادت نسبت به سیدالشهداء (ع) می‌کردند.

احمد بهاء‌الدینی

* * *

■ نماز جماعت

در روز وفات امام صادق (ع) ^۱ مجلسی در منزل امام برپا شده بود. امام نیز شخصاً در مجلس حضور داشت ناگهان با شیون و شعار و زاری عده‌ای از زخمی‌شدگان فیضیه را به منزل امام آوردند..... بعضی‌ها به این فکر افتادند که درب خانه بسته شود و گویا این حرف از ناحیه فرزند امام ^۲ زده شد که غضب سنگینی امام را فراگرفت و با فریادگفت: «درب خانه باید باز باشد، مصطفی بیرون رود.» پس از آن امام خطاب به حاضرین و اطرافیان دستور برپاداشتن نماز داد و گفت: «چه بهتر است برپا خیزیم و نماز بگذاریم، که اگر دژخیمان حمله کردند، ما در حال نماز باشیم و به فوز بزرگ نایل شویم و در حال رفتن به درگاه خداوند ما را مورد هجوم قرار دهند، این بزرگترین رسوایی برای آنان و برترین موفقیت برای ماست.» کلماتی به این مضمون امام گفتند و نماز برپا شد.

غلامحسین احمدی

* * *

۱- ۲۵ شوال المکرم ۱۲۸۲ مطابق با دوم فروردین ۱۳۲۲.

۲- مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی خمینی (ره).

وقتی از نجف به سوی مرز کویت حرکت کردیم در بین راه نزدیک ظهر بود که در مقابل یک مسجد توقف کردیم. ما می‌خواستیم نماز بخوانیم، امام فرمودند: «آیا این مسجد، امام جماعت دارد یا خیر؟» گفتیم دارد. امام گفتند: «اگر امام جماعت دارد، باید بایستید پشت سرش نماز بخوانید، یا تا ظهر نشده از اینجا برویم و اگر ظهر شد و خواستید نماز را فرادا بخوانید، درست نیست.» ما هم به طرف مرز حرکت کردیم و نماز را در آنجا خواندیم. به مرز عراق که رسیدیم، برادران رفتند گذرنامه‌ها را مهر خروج بزنند. در همان حال امام می‌خواستند نماز بخوانند. در دفتر مدیریت گمرک نشسته بودیم که ناگهان چشم امام به عکس بزرگی از صدام افتاد که روی دیوار نصب کرده بودند. فوراً بیرون آمدند و گفتند: «برای نماز خواندن به جای دیگری برویم.»

محمد رضا ناصری

* * *

از جمله ابعاد شخصیت امام، رضوان‌الله تعالی علیه، مراقبت بر حضور در نماز جماعت بود و به مناسبت اینکه مرحوم آیت‌الله محمد تقی خوانساری، یکی از مراجع بسیار بزرگ بود و از حیث علم و عمل نمونه بود و سابقه مبارزاتی ایشان هم معروف بود و در جنگ مسلمانهای عراق علیه انگلیسیها هم شرکت کرده بود؛ حضرت امام، رضوان‌الله تعالی علیه، مرتب در نماز ایشان شرکت می‌جستند. این که می‌گویم مرتب شرکت می‌کردند، از روی دقت می‌گویم، نه از روی مسامحه.

عزالدین زنجانی

* * *

حاج آقا مصطفی و پدرشان، در مراسم نماز جماعت ظهر و عصر مدرسه فیضیه، پشت سر آقای سیداحمد^(۱) نماز می خواندند. شبها هم پشت سر آقای سیدمحمدتقی خوانساری می آمدند. گاهی هم که هوا سرد بود و آقای خوانساری مریض بودند، امام امامت می کردند.

صادق خلخالی

* * *

حضرت امام به انجام نماز جماعت بسیار مقید بودند و همواره در آن شرکت می کردند. چه به صورت مأوم، در زمانی که بزرگانی چون مرحوم آقای خوانساری نماز را اقامه می کردند و امام به نماز ایشان تشریف می بردند و چه به عنوان امام. به گونه ای که در دوران مبارزه، نماز جماعت جزو برنامه های ایشان قرار داشت و بیشتر وقتها در همان منزل شخصی امام مخصوصاً موقع مغرب و عشا نماز جماعت به امامت ایشان تشکیل می شد. افراد فاضل و مؤمن نیز از موقعیت کمال استفاده را کرده، فضای منزل امام را با حضور خود پر می کردند.

فاضل لنکرانی

* * *

یکی از علمای بزرگ که مورد وثوق و اعتماد کامل است، می گفتند امام یکی از تابستانها که در تهران بودند، آیت الله العظمی سیدابوالحسن رفیعی قزوینی، که از فقها و حکمای بزرگ بودند در تهران بودند و امام در درس

ایشان شرکت می‌کردند. ایشان در مسجد جمعه تهران نماز مغرب و عشا را به جماعت اقامه میکردند، اما منظم نمی‌آمدند. امام چون مقید به نظم بودند، روزی که آقای رفیعی دیر کردند، برخاستند و به آنها که در آن نماز جماعت شرکت می‌کردند، گفتند: «بیایید با هم به آقا بگوییم مرتب بیایند. این جوری که ایشان غیر مرتب می‌آیند، وقت بسیاری از مردم تضییع می‌شود. همه ما با هم به آقا بگوییم که مرتب تشریف بیاورند». بعد آقا تشریف آوردند و نماز را شروع کردند. نماز که خوانده شد، یک نفر به آقا گفت: «سید جوانی به مردم می‌گفت که به آقا بگوییم مرتب بیایند. تقریباً نسبت به نامرتب آمدن شما اعتراض داشت.» آقای رفیعی فرمودند: «آن سید که بود؟» در آن حال، امام طرف دیگری نماز می‌خواندند. آن شخص، امام را نشان داد. تا ایشان چشمشان به امام افتاد، فرمودند: «ایشان حاج آقا روح‌ا... هستند. مردی بسیار فاضل و وارسته و بسیار باتقوا و منظم و مهذبند. اگر یک وقت من دیر آمدم، ایشان را جلو بیندازید که به جای من نماز بخواند. حق با ایشان است.»

ریحان‌الله نخعی

* * *

یکی از ائمه جماعات قم، در مورد مسائل سیاسی یا احیاناً فلسفی، با ایشان مخالف بود. حضرت امام، گاه و بی‌گاه به نماز ایشان می‌رفتند و به او اقتدا می‌کردند. خدا شاهد است که هیچ قصدی در کار نبود. خود ایشان می‌فرمودند: «فلانی سلیقه‌اش با من جور در نمی‌آید. اگر او اشتباه کرده باشد، من که در کارم اشتباه نکرده‌ام، چرا نباید در نماز او شرکت کنم؟»

مجتبی عراقی

* * *

امام روزهای جمعه می‌رفتند مسجد سبز^(۱)، به اصطلاح مسجد کبود، البته مسجد دیگری هم بود که امام آنجا هم می‌رفتند.

صادق خلخالی

* * *

در هنگام حضور در نمازهای جماعت مسلمانان، عملاً این نکته را می‌فهماندند که آقایان باید جماعت را حفظ کنند و طوری نباشد که خدای نخواست، کسی یا کسانی دور از جماعت خوانده شوند. به همین دلیل، هر روز مدتی قبل از شروع نماز جماعت حاضر می‌شدند و به انتظار می‌نشستند. با آنکه خودشان مقام مقتدایی داشتند، به دیگران اقتدا می‌کردند. در همین فرصت کوتاه بعضی از آقایان از شمع وجودشان فیض می‌بردند.

عبدالکریم حق‌شناس

* * *

مطلب دیگر، مراقبت و مواظبت ایشان درباره نماز و جماعات و زیارات بود. من در مدرسه فیضیه و دارالشفاء بودم و منزل ایشان، همین خانه فعلی (که الآن اخوی‌شان، آقای پسندیده، در آن سکونت دارند) بود. اغلب موقع ظهر می‌دیدم که در مدرسه فیضیه به نماز جماعت حاضر می‌شدند و پشت سر مرحوم آقای زنجانی^(۲) نماز می‌خواندند و هر وقت هم آقای زنجانی نبودند، ایشان نماز می‌خواندند. حتی وقتی تابستان بود و هوا خیلی گرم،

۱- این مسجد در شهر بوسای ترکیه واقع است.

۲- مرحوم آیه الله حاج سید احمد زنجانی.

نماز جماعت ایشان ترک نمی‌شد. زمانی هم که در صحن بزرگ تدریس می‌فرمودند، هر روز بعد از درس به حرم مطهر حضرت معصومه (س) مشرف می‌شدند و این برای هر طلبه‌ای ممکن نبود. حتی من سراغ ندارم که مراجع بزرگ هم هر روز به زیارت حضرت معصومه (س) مشرف شوند.

احمد صابری

* * *

به یاد دارم پس از پایان درس نماز جمعه آیت‌الله العظمی سیدمحمدتقی خوانساری که امام و آیه‌ا... العظمی اراکی هم شرکت می‌کردند. آقای سیدمحمدتقی خوانساری اعلام کردند که: «از این پس نماز جمعه اقامه می‌کنم هرکس خواست شرکت کند» و نماز جمعه را در مسجد امام حسن عسکری (ع) اقامه کردند. نمازهای دیگر هم تعطیل شد. حضرت امام، رحمة الله علیه، از کسانی بودند که مقید بودند در این نماز شرکت کنند.

حسین بدلیا

* * *

مسئله تفحص و پرس و جوی امام مهم است. یعنی وقتی که به انسان می‌رسند، می‌پرسند: «فلان جا چه اتفاقی افتاده؟ در محیط شما امام جماعت کیست؟ جلسات دینی وجود دارد یا نه؟ در محل شما مدرس خوب کیست؟» مثلاً وقتی دو نفر بر ایشان وارد می‌شوند که آقا یکی از آنها را نمی‌شناسند، آهسته می‌پرسند: «آن آقا کیست؟» در صورتی که شاید چندین

سال شخصی به مسجد بیاید ولی ما اصلاً اسمش را هم ندانیم. اما اگر غریبه‌ای بر ایشان وارد شوند، ایشان می‌پرسند: «آن آقا که بود؟»

حسن ثقفی

* * *

امام می‌فرمودند: «در دوران رضاخان من از یکی از ائمه جماعت سؤال کردم که اگر یک وقت رضاخان لباسها را ممنوع کند و اجازه پوشیدن لباس روحانی به شما ندهد، چه کار می‌کنید؟» او گفت ما توی منزل می‌نشینیم و جایی نمی‌رویم. گفتم، «من اگر پیش نماز بودم و رضاخان لباس را ممنوع می‌کرد، همان روز با لباس تغییر یافته به مسجد می‌آمدم و به اجتماع می‌رفتم. نباید اجتماع را رها کرد و از مردم دور بود.»

حمید روحانی

* * *

در رادیو و تلویزیون، هر هفته - به ویژه در زمان جنگ - به برپایی نماز جمعه اشاره می‌شد. گاهی اوقات فیلمهایی از چگونگی برپایی نماز جمعه نیز به نمایش گذاشته می‌شد. چندی پیش از ملاقاتم با امام برای مدت یک ماه به علت کسالت به مسافرت رفته بودم و نماز جمعه را اقامه نمی‌کردم. وقتی از مسافرت بازگشتم، به همراه ائمه جمعه استان خوزستان به حضور حضرت امام خمینی (س) رسیدیم. وقتی برای خداحافظی و دست‌بوسی به خدمت ایشان رفتم، فرمودند: شما چند روزی است که در آبادان نیستید، کجا بودید؟

این هم یکی دیگر از جلوه‌های دقت ایشان است. من خدا را بسیار شکر کردم از اینکه رهبری داریم که دقت او به حدی است که با گوش دادن به اخبار تلویزیون از غیبت یک امام جمعه آگاه شده‌اند و توضیح می‌خواهند.

غلامحسین جمی

* * *

تا قبل از پانزده خرداد، هروقت اهل بازار تهران خدمت آیت‌الله العظمی بروجردی می‌آمدند و امام جماعت می‌خواستند، ایشان می‌فرمودند: «اگر حاج آقا روح‌الله امامت آن مسجد را قبول کنند، ایشان بهترین هستند.» ولی وقتی می‌آمدند خدمت حضرت امام، ایشان قبول نمی‌کردند و می‌گفتند: «من می‌خواهم طلبه باشم و درس بخوانم و درس بدهم.»

فریده مصطفوی

* * *

در نجف امام نماز ظهر را در منزلشان می‌خواندند و به مسجد نمی‌رفتند. مسجدی در نزدیک منزل امام بود که معروف به مسجد ترکها بود ولی آن طور که نقل می‌کنند، مسجدی بود که شیخ انصاری، رحمة‌الله علیه، در آن نماز می‌خواندند و درس می‌گفتند و به آن مدرسه شیخ هم می‌گفتند. در این مسجد مرحوم بحرالعلوم که یکی از علمای نجف بود، نماز می‌خواندند و چون دیگر ایشان مریض شده بودند و برای نماز به مسجد نمی‌رفتند، هرچه می‌آمدند خدمت امام که ایشان در این مسجد نماز بخوانند، اخلاق امام و

بزرگواری‌شان اجازه نمی‌داد و قبول نمی‌کردند. ایشان خودش پیک فرستاد. ما او را می‌شناختیم، مردی بزرگوار و از علمای حوزه بود. خداوند انشاءالله او را رحمت کند و ما را بیامرزد. علمای دیگر هم آمدند اما امام قبول نمی‌کردند. تا اینکه خود آن بنده خدا با آن کهولت سنشان خدمت امام آمدند. گفتند که: «اگر شما نیایید، من نماز نمی‌خوانم.» تا اینکه امام قبول کردند. بعضی از علمای آنجا می‌خواستند از امام تجلیلی شود. عده‌ای آمدند به خدمت امام که ایشان را به مسجد ببرند. این مقدمه تشریفات بود. من که خدمت امام بودم، متوجه این مسئله نشدم و نفهمیدم یعنی چه. ولی امام با آن فراست خدادادی که داشتند، دریافتند که قضیه چیست. امام فرمودند: «بروید، من خودم می‌آیم.» و قبول نکردند که دو - سه نفر از علما ملازم ایشان باشند و امام را با تشریفات ببرند، و آنها را بیرون کردند. ولی چون من در منزلشان بودم و خادمشان بودم، همراهشان رفتم.

عبدالعلی قرهی

* * *

آن روز^(۱) ما فکر کردیم که امام به نماز جماعت نمی‌روند، ولی دیدیم که امام سر وقت به نماز جماعت رفتند.

محمد رضا ناصری

* * *

۱- مقصود روز شهادت مرحوم حاج آقا مصطفی خمینی (ره) است.

حضرت امام وقتی به نجف مشرف شدند، به تقاضای طلبه‌ها و متصدیان ذی ربط برای نماز جماعت به مدرسه مرحوم آقای بروجردی تشریف می‌آوردند. در آن زمان، من از طلبه‌های آن مدرسه بودم. با آمدن امام شور و شوق عجیبی در طلبه‌های مدرسه پیدا شده بود. به حدی که قرآن آریامهر را که در آن زمان به کتابخانه مدرسه داده بودند، به زحمت از کتابخانه گرفتند و به کنسولگری ایران در کربلا برده و بازپس دادند. یادم می‌آید که به کنسول گفتند: «طلبه‌ها این قرآن را نخواستند.» کنسول با تعجب پرسیده بود: «این قرآن را نخواستند؟!» گفته بودند: «بله، این قرآن را نخواستند» کنسول جواب داده بود: «پس برای آنها تورات می‌فرستیم.» به او گفته بودند: «تورات از شماست، برای ما می‌فرستید؟» در هر صورت، در قبال این کار، طلبه‌ها مورد لطف و احترام خاص حضرت امام (ره) قرار گرفتند. با وجود اینکه طلبه‌ها این قدر خوشوقت بودند، کسی از اهل حل و عقد خدمت حضرت امام عرض کرده بود: «نماز جماعت شما در مدرسه، برای بعضی از طلبه‌ها اسباب زحمت است.» پس از صحبت این آقا، امام دیگر برای نماز به مدرسه تشریف نیاوردند، انگار که منتظر چنین صحبتی بوده باشند. از طرف دیگر، طلبه‌های مدرسه فکر کردند که شاید مانعی موقتی برای تشریف فرمایی ایشان پیدا شده است. چون آن روزها ایام مبارک ماه رمضان پیش آمد، این طور هم گفته شد که چون امام روزه می‌گیرند، ممکن است حال آمدن به مدرسه را نداشته باشند. به همین دلیل همه طلبه‌ها صبر کردند تا ماه مبارک رمضان تمام شد، اما باز هم امام تشریف نیاوردند. بالاخره طلبه‌ها خدمت ایشان رسیدند و با تحقیق معلوم شد که ماجرا از چه قرار است و اینکه حضرت امام از گفته آن شخص احتمال می‌دهند که برای یکی از ساکنان مدرسه مزاحمت ایجاد شده است. سر انجام بعد از اینکه طلبه‌ها متعهد شدند که جانماز خود را

طوری و جایی بیندازند که مقابل حجره هیچ طلبه‌ای نباشد و مانع از رفت و آمد طلبه‌ها به حجره‌هایشان نشوند، امام قبول کردند. یادم می‌آید که امام به طلبه‌ها فرمودند: من عادت به اینکه نماز جماعت بروم، ندارم. قم هم که بودم در منزل نماز جماعت می‌خواندم و حاضر نیستم که حتی برای یک نفر مزاحمت داشته باشم. ولی طلبه‌ها با اصرار زیاد گفتند: «ساکنان مدرسه کسی غیر از ما نیست. و ما از شما تقاضا داریم که به مدرسه تشریف بیاورید و در آنجا نماز جماعت بخوانید.» نزدیک غروب بود، طلبه‌ها آمده بودند که امام را برای نماز ببرند. امام هم قبول کردند، ولی گفتند: «شما بروید، من با این آقا می‌آیم.»

محمدحسن قدیری



در اولین دفعه‌ای که امام پس از تبعید به عراق، وارد کربلا شدند یکی از آقایانی که در صحن سیدالشهدا نماز می‌خواندند، جای نمازشان را به حضرت امام دادند. و این امر برای ما بسیار جالب و خوشحال کننده بود. آن یک هفته‌ای که امام در کربلا بودند^(۱)، نماز جماعت با شکوهی در صحن امام حسین (ع) برگزار می‌شد.

عمید زنجانی



۱- مقصود اولین دفعه تشریف امام به کربلا در زمان تبعید است.

در ماه رمضان در هوای پنجاه درجه گرمای نجف با آن سن و سال و ضعف مفرط، روزی هجده ساعت روزه می‌گرفتند و تا نماز مغرب و عشا را همراه با ناقله‌ها به جا نمی‌آوردند، افطار نمی‌کردند. اما امام، در غروب روزی که متوجه شدند که رژیم فاشیستی بعث عراق می‌خواهد چند نفر از مردم بی‌گناه عراق از جمله مرحوم قبانچی و بصراوی را به جوخهٔ اعدام بسپارد، نه تنها نماز جماعت را تعطیل کردند، بلکه از به جا آوردن نماز اول وقت نیز صرف نظر کردند. پس از آن فرماندار نجف و دیگر مقامهای دولتی را به حضور طلبیدند تا بتوانند جان چند نفر مسلمان را از خطر مرگ نجات دهند.

حمید روحانی

* * *

در نماز جماعت، ایشان رعایت مأمومین را می‌کردند. نمازهایشان را با تواضع و خیلی سریع می‌خواندند.

علی تیموری

* * *

زمانی که امام در منزلی در قیصریه تهران تحت نظر بودند، تازه تکلیف نمازم بود. با خانواده‌ام رفته بودیم دیدار امام در قیصریه، منزل حاج آقا روغنی، کمی دیر رسیده بودیم و آقا مشغول نماز مغرب و عشاء بودند، همه از کارگر و صاحبخانه و مهمان ایستاده بودند به نماز. هیچکس نماز جماعت آقا را از دست نمی‌داد همه با عجله خود را به نماز رساندند. من بچه بودم.

عقلم نمی‌رسید. تا وضو گرفتم و آمدم آقا سجده رکعت اول را تمام کرده بودند. من به غلط قامت بستم و به نماز ایستادم و مادرم اشاره کردند که نمازت درست نیست، ولی من کار خودم را ادامه دادم. بعد از نماز مغرب مادرم گفتند نمازت درست نبود و باید نماز مغرب را دوباره بخوانی و برای عشاء پشت سر آقا قامت ببندی. من ناراحت شدم و گریه و زاری کردم و رفتم خدمت آقا. ایشان داشتند دعای بین دو نماز را می‌خواندند. مادرم سلام و علیک کردند و گفتند ما هر چه به این بچه می‌گوییم قبول نمی‌کند که نمازش درست نبوده فکر می‌کند که شمائید که باید قبول کنید. میگه آقا منو ببیند قبول میکند، جمعیت دور و بر آقا نشسته بودند مادرم به من می‌گفتند آقا را خسته نکن بلندشو ولی امام گفتند: «من باید برای او توضیح بدهم تا متوجه بشود قضیه چیست.» شاید حدود یک ربع یا بیست دقیقه همه آقایان و افراد منتظر نماز آقا بودند و ایشان داشتند برای من توضیح می‌داند که نماز باید به چه صورت باشد و دقت بکن و غیره که من هنوز هم هر وقت به نماز جماعت می‌ایستم یادم می‌آید. امام خیلی راحت توضیح می‌دادند و گفتند: «آن من نیستم که باید قبول کنم او کس دیگری است که باید قبول کند. تو بیاد خدا باش نه من.»

مریم پسندیده



حضرت امام در طول مدتی که در نجف اشرف اقامت داشتند. سالی چندبار به مناسبت زیارت‌های مخصوصه امام حسین (ع) به کربلا مشرف می‌شدند و در منزل محقری که یکی از اهالی کویت در اختیار آن حضرت قرار

داده بود، سکونت می‌گزیدند. در کربلا، وقت غروب بیشتر در حسینیه مرحوم آیت‌ا... بروجردی و ظهرها در همان منزل نماز جماعت به امامت حضرت امام اقامه می‌شد. نماز جماعت منزل اکثراً با شرکت جمع معدودی از دوستان در اطاق بیرونی و گاهی هم که جمعیت بیشتر می‌شد در حیاط منزل برگزار می‌گردید. مساحت حیاط حدود 7×7 متر بود. فرش به اندازه کافی نبود و افراد عباهایشان را تا می‌کردند و بعنوان سجاده و زیرانداز روی آن به نماز می‌ایستادند. وقتی حضرت امام از اطاق اندرونی، از نقطه‌ای پشت به قبله برای اقامه نماز وارد حیاط می‌شدند. باید برای رسیدن به جلوی جمعیت از میان صفوف جماعت عبور کنند، تمام افراد حاضر بی‌گمان افتخار می‌کردند که عباهاشان با قدم مبارک حضرت امام متبرک شود و علی‌القاعده معظم له نیز به این نکته واقف بودند. با این حال هنگام عبور، چه از پشت صفوف که کفشها بود و چه در مسیر که عباها پهن بود. حضرت امام با حرکت زیگزاکی و برداشتن گامهای کوتاه و بلند با دقت سعی می‌کردند که به هیچ‌وجه پایشان را نه روی کفشها بگذارند و نه روی عباهای دیگران و بدینگونه عملاً رعایت دقیق حق الناس را به مقلدین خود می‌آموختند.

عبدالعلی قرهی



روزی در نجف اشرف امام خمینی برای برگزاری نماز جماعت خواستند وارد اطاق بیرونی شوند. کفش کن اطاق از کفشهای مردمی که برای شرکت در نماز جماعت آنجا گرد آمده بودند، انباشته شده بود بطوریکه جای پا گذاشتن نبود. ما و دیگر روحانیون و بسیاری از فضلا بدون توجه پا روی

کفشهای مردم می گذاشتیم و رد می شدیم و جز این چاره‌ای نبود. امام وقتی به کفش کن رسید و آن وضع را دید توقف کرد و از پا گذاشتن روی کفش مردم خودداری ورزید. دستور داد کفشها را از سر راه جمع کنند و راه را باز نمایند. تازه خیلی از ما متوجه شدیم که پا گذاشتن روی کفش مردم تصرف در مال غیر است و خالی از اشکال نیست البته ما در اینگونه موارد خود را دلخوش می کنیم که انشاءالله صاحبان این کفشها به این مقدار رضایت دارند. لیکن رهبر انقلاب دقیقتر و عمیقتر و باریک بین تر از آن است که ما فکر می کنیم چه آنکه به «عقبات» و مکافات روز جزا باور دارد.

حمید روحانی



■ نماز شب

مسافرت‌هایی با ایشان کردیم. خدا می‌داند در مسافرت مشهد، اخلاق پدران‌ای نسبت به ما مبذول داشتند که هر وقت یادمان می‌آید، شرمنده آن روزگارهاییم که در خدمتشان در ارض اقدس مشرف بودیم. در آن زمان قسمتهایی از ایران، زیر نظر دولتهای روسیه و آمریکا و انگلستان بود. وقتی از ارض اقدس برمی‌گشتیم، بین راه روسها برای بازرسی، جلوی ماشین ما را گرفتند. همگی پیاده شدیم و چون امام از اول تکلیف مراقب تهجد و نماز شب بودند، و هیچ وقت آن را ترک نکرده بودند، بعد از پیاده شدن، خواستند که نماز شب بخوانند، آنجا هم که وسط بیابان بود و آبی وجود نداشت. یک وقت نگاه کردیم، دیدیم که آبی جاری شد. ایشان آستین بالا زد و وضو گرفت. نفهمیدیم که بعد از نماز ایشان هنوز آب بود یا نه!

محمد صدوقی

* * *

در ایامی که امام در پاریس تشریف داشتند روزهای اول اقامت‌مان در آن خانه، هوا خوب بود و از این روشها در هنگام خواب نیازی به روانداز

نداشتیم. کم‌کم بعضی از برادرها از روانداز استفاده کردند و البته درها و پنجره‌ها همچنان باز بود. یک روز صبح، وقتی از خواب برخاستیم. دیدیم که پنجره‌ها بسته شده و بر روی برادرانی که روانداز نداشتند، رواندازی انداخته شده بود. کسی از علت این ماجرا خبر نداشت. وقتی از حاج احمد آقا نیز که در اتاق پستویی می‌خوابیدند، پرسیدیم، ایشان نیز اظهار بی‌اطلاعی کردند. در آن لحظه چنین به فرمان رسید که حضرت امام هنگام نیمه شب که به قصد وضو بیدار شده بودند، به علت سرد شدن هوا، پنجره‌ها و درها را بسته و بر روی برادران نیز روانداز انداخته بودند. این امر، نشانه دقت و مواظبت حضرت امام است، حتی در نیمه شبی تاریک که برای نماز شب برخاسته بودند.

محمود دعایی

* * *

در دل شب، هنگامی که برای نماز شب برمی‌خاستند، از یک چراغ قوه بسیار کوچک استفاده می‌کردند که تنها جلوی پای ایشان را روشن کند، و لامپ را روشن نمی‌کردند. با آرامی راه می‌رفتند تا اینکه دیگران بیدار نشوند، تا این اندازه مسائل اسلامی را رعایت می‌کردند.

محمود بروجردی

* * *

در اینجا صحنه‌ای از عبادت ایشان را که مشهود خودم بوده است، نقل می‌کنم (البته آقای بهاء‌الدینی هم در مدرسه بودند و شاید به یاد داشته

باشند). یک سال در قم خیلی برف آمده بود (قریب پنج - شش ذرع) که سیل نصف قم را برد. در همان موقع در همان وضعیت، ایشان نصف شب از دارالشفاء می آمد مدرسه فیضیه و به هر زحمتی بود یخ حوض را می شکست و وضو می گرفت و می رفت زیر مدرس مدرسه و در تاریکی مشغول تهجدش می شد. حالا چه حالی داشت؟ نمی توانم بازگو کنم. با حالت خوشی تا اذان صبح مشغول تهجد می شد. هنگام اذان می آمد مسجد بالاسر و پشت سر آقای حاج میرزا جواد ملکی به نماز می ایستاد و بعد برمی گشت و مشغول مباحثاتش می شد. می توانم بگویم که ایشان در امر عبادت و تهجد، اگر در بین علما بی نظیر نبود، یقیناً کم نظیر بود.

مصطفی خوانساری

* * *

در شب شانزده فروردین ۱۳۴۳ ساعت ده صبح بود که حضرت امام پس از آزادی از زندان، به قم وارد شدند. موج جمعیت و هجوم اهالی قم به طرف ایشان بیش از آن بود که بتوان وصفش کرد. تا ساعت دوازده و نیم شب ازدحام در منزل ایشان ادامه داشت. با چه وضعی مردم را قانع کردند که آنجا را ترک کنند. بعد از آنکه مردم متفرق شدند، آنهایی که شب در آنجا بودند تعریف کردند: آقا دو ساعتی استراحت کردند و بعد بلند شدند و مشغول تهجد شدند.

حمید روحانی

* * *

یکی از استادان حوزه علمیه قم نیز نقل می‌کند: «قبل از اینکه امام به زندان و تبعید کشیده شوند، شبی مهمان حاج آقا مصطفی بودم. البته او هم در منزل امام زندگی می‌کرد و خانه جداگانه‌ای نداشت. نصف شب بود که با صدای آه و ناله از خواب بیدار شدم. با نگرانی حاج آقا مصطفی را که در کنارم دراز کشیده بود، بیدار کردم و گفتم بلندشو ببین در خانه‌تان چه خبر است. مرحوم حاج آقا مصطفی بلند شد و نشست و گوش داد و پس از آن دوباره خوابید و در همان حال گفت آقا مشغول تهجد است؛ مشغول عبادت است.»

حمید روحانی



اکثر آشنایان این طور نقل می‌کنند که امام از سن جوانی نماز شب و تهجد جزو برنامه‌هایشان بود. از وقتی ایشان را شناختم، شاهد این قضیه بوده‌ام. وقتی در ظلمت و تاریکی نیمه شب آهسته وارد اتاق می‌شدم، معاشقه امام با خدا را احساس می‌کردم. با چنان خضوع و خشوعی نماز می‌خواندند و قیام و رکوع و سجود می‌کردند که حقا وصف‌ناپذیر است. اصلاً نمی‌توانم راجع به آن لحظات صحبت کنم. تنها احساس می‌کردم که در دل شب، با آن خضوع و خشوع با چشمان اشکبار، به راز و نیاز با خدا مشغولند. باید بگویم که، در آن لحظات، با معشوق حقیقی خودشان معاشقه می‌کردند. با دیدن این لحظات، با خودم فکر می‌کردم که شب امام حقیقتاً لیلۃ‌القدر است. این حالات امام نه یک شب و دو شب، بلکه یک عمر برقرار بود. چون می‌گویند که از جوانی این کار جزو برنامه‌هایشان بوده است. این را من به خصوص از رمضان سال قبل از رحلتشان، خوب به یاد دارم. بعضی وقتها، هر بار به دلیلی، به نزد ایشان می‌رفتم و سعادت پیدا می‌کردم که با ایشان نماز بخوانم.

وارد اتاق که می‌شدم، می‌دیدم که قیافه‌شان کاملاً برافروخته است و چنان اشک ریخته‌اند که دستمال کفاف اشکشان را نمی‌داد و کنار دستشان حوله می‌گذاشتند. ایشان شبها چنین حالتی داشتند و این واقعاً معاشقه بود.

فاطمه طباطبائی

* * *

احمد آقا گفتند: «شبی در ماه رمضان، من روی پشت‌بام خوابیده بودم. خانهٔ ایشان یک خانهٔ کوچک چهل و پنج متری بود. بلند شدم و دیدم که صدا می‌آید و بعد متوجه شدم که آقاست که در تاریکی در حال نماز خواندن است و دستهایش را به طرف آسمان دراز کرده و گریه می‌کند.» برنامهٔ عبادی ایشان این بود که شب تا صبح در ماه مبارک رمضان نماز و دعا می‌خواندند و بعد از نماز صبح و مقداری استراحت، صبح زود برای کارهایشان آماده بودند.

محمد رضا ناصری

* * *

در سال ۱۳۵۲ با همسر و فرزند نه ماهه‌ام به عراق رفتم. نیمه شب بود که به منزل امام رسیدیم. خودشان آمدند، در را باز کردند، چند دقیقه‌ای به احوالپرسی گذشت و بعد نماز شب را شروع کردند. این برای من خیلی تعجب‌آور بود. نماز شب واجب نبود و ایشان می‌توانستند آن را قدری دیرتر بخوانند. اما با وجود اینکه علاقهٔ زیادی به پسرشان، احمد آقا، داشتند و چند سالی بود که از ایشان دور بودند، مشغول نماز شدند. من بعدها پی بردم که

این به دلیل علاقه وافر ایشان به نماز بوده است.

فاطمه طباطبائی

* * *

حتی خویشاوندان ایشان که از پانزده سالگی با ایشان بودند، می‌گفتند: «از پانزده سالگی ایشان که ما در خمین بودیم، آقا یک چراغ موشی کوچک می‌گرفتند و می‌رفتند به یک قسمت دیگر که هیچ کس بیدار نشود، و نماز شب می‌خواندند.» خانم^(۱) می‌گویند: «تا حالا نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم.» چون چراغ را مطلقاً روشن نمی‌کردند. نه چراغ اتاق را روشن می‌کردند، نه چراغ راهرو را و نه حتی چراغ دستشویی را. برای اینکه کسی بیدار نشود، هنگام وضوی نماز شب، یک ابر زیر شیر می‌گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن کسی را بیدار نکند.

نعیمه اشراقی

* * *

در مدت آشنایی با این شخصیت عالی مقام جهان اسلام، ندیدم که ایشان یک شب نماز شب را ترک کنند. در نجف اشرف، هنگام سحر، ایشان طوری از خواب بلند می‌شدند و خود را برای ادای نماز شب آماده می‌کردند که برای اعضای خانه و من که میهمان بودم، مزاحمتی ایجاد نشود. نماز شب خیلی به انسان توفیق می‌دهد و ایمان خدا را در دل انسان زیاد می‌کند. حتی شب آخری که صبح آن بنا بود ایشان را عمل جراحی کنند، در تلویزیون نماز شب

۱- خانم خدیجه (قدس ایران) ثقفی، همسر امام(ره)

آخرین شب ایشان را دیدید. شبها چه مناجاتهای جانسوز و چه آه و ناله‌هایی داشتند.

رسولی محلاتی

* * *

امام حتی وقتی از پاریس به تهران می‌آمدند و در هواپیما نماز شب خواندند. من یادم هست قطب نمایشان را مرتب می‌گذاشتند، می‌دیدند تکان نمی‌خورد، موضوع را به خلبان گفتیم. خلبان گفت که قطب‌نما در هواپیما کار نمی‌کند. اما از ایشان پرسید که مکه کدام طرف است. نشان دادند. امام به همان طرف مشغول نماز شدند.

احمد خمینی

* * *

سه ساعتی بود که از پاریس پرواز می‌کردیم. امام از جای خود برخاستند که برای نماز به قسمت بالا بروند. چهره عزیز ایشان عجیب نورانی شده بود. من واقعاً هاله نور را در اطراف چهره امام دیدم. در آن حالت، امام با صوت و آرامشی که در اعماق جان انسان اثری ماندگار می‌گذاشت، برخاسته و طرف راست عبایشان را با دست گرفته بودند. قسم می‌خورم که من آن هاله نور را در اطراف چهره روشن ایشان دیدم. امام با آرامش و اطمینان برای نماز و استراحت به قسمت بالای هواپیما رفتند. اما همه ما در نهان، اضطراب داشتیم. خود بنده حتی نتوانستم پلکهایم را روی هم بگذارم.

مصطفی کفاح زاده

* * *

ایشان هنگامی که برای اقامه نماز شب برمی‌خیزند، مقیدند بی‌سروصدا باشند. این خیلی مهم است. مثلاً پدرم که برای نماز برمی‌خاست، سروصدا می‌کرد و همه را بیدار می‌کرد. اما آقا این طور نیستند. چرا که دیگران شاید نخواهند نماز شب بخوانند. البته افراد خانواده با نماز شب آشنایی دارند، لکن امام قید خاصی دارند که بدون سروصدا باشند. یادم است که در پاریس، دو اتاق کوچک بود و من که آنجا می‌خوابیدم، می‌دیدم آقا خیلی آهسته، واقعاً مثل یک سایه برمی‌خاستند و بدون سروصدا وضو می‌گرفتند و نماز شب را برپا می‌داشتند. در پاریس هم مقید بودند که نماز شب را بخوانند. بعضی از افراد خانواده و نزدیکان ایشان می‌گفتند که: «ما در آنجا خواستیم ببینیم ایشان کی برای نماز شب برمی‌خیزند. لکن نتوانستیم. زیرا بی‌سروصدا مشغول نماز می‌شدند.» من می‌دانم که ایشان از نوجوانی موفق به این مهم بوده‌اند. یکی از دوستان مرحوم که هم سن و سال پدرم بود می‌گفت: «درجایی با امام بودیم. در آن زمان آقای خمینی خیلی جوان بود. من تعجب می‌کردم که این جوان، قبل از اذان صبح، سر ساعت برای اقامه نماز شب از جا برمی‌خاستند. با اینکه خود من مقید به نماز شب بودم، ولی برخاستن ایشان برای نماز شب، باعث بیداری من می‌شد.» البته این توفیقی است که خداوند به ایشان عطا کرده است. با اینکه شاید سجده کردن زیاد و خم شدن و نشستن به صورت دو زانو در نماز، برای ایشان زیاد مناسب نباشد (می‌بینید که معمولاً روی صندلی می‌نشینند). لکن مقیدند که این نمازها را برپا دارند.

حسن ثقفی

در نیمه شبی خبر آوردند که قرار است کودتایی^(۱) رخ دهد. حضرت حجت الاسلام والمسلمین حاج احمد آقا شتابان خدمت امام رسیدند. امام، طبق معمول هر شب، در آن ساعت مشغول ادای نماز شب بودند. حاج احمد آقا مدتی طولانی به انتظار ایستادند. اما امام غرق در راز و نیاز با خداوند بودند. سرانجام پس از پایان یافتن نماز، حاج احمد آقا جریان را به اطلاع امام رساند. ایشان با همان متانت و آرامش همیشگی، آرام فرمودند: «مسئله‌ای نیست. شما بروید و خیالتان آسوده باشد.»

علی اکبر آشتیانی

* * *

ساعت ده شبی که صبحش می‌خواستند امام را جراحی کنند، به علت ضعف شدید امام، به ایشان خون تزریق شد. تا ساعت یازده که استراحت کردند و خوابیدند، خدمتشان بودیم. موقع نماز شب رفتم و امام را بیدار کردم. تشریف بردند، وضو گرفتند و بعد آن نماز شب مفصل را به جای آوردند که مردم، تنها یک پنجم آن را از تلویزیون مشاهده کردند. اولین شبی بود که امام نماز شب می‌خواندند و چراغ اتاق روشن بود. به دلیل همین روشن بودن چراغ بود که بحمدالله توانستیم مخفیانه فیلمی از امام تهیه کنیم که ملت عزیز ما هم لحظاتی از راز نیاز امام را با خدا مشاهده کنند.

مصطفی کفاشزاده

* * *

امام هر شب در هر حالی که بودند، نماز شب می خواندند، و هنگامی که برای نماز شب از خواب برمی خواستند، آن قدر آرام و آهسته قدم برمی داشتند که هیچ کس از خواب بیدار نشود و به ندرت اتفاق می افتاد از حرکت امام در دل شب، کسی بیدار شود. آن شب که امام را از تهران به قم برگرداندند (پس از اتمام شدن مدت حصر^(۱)) تا نیم ساعت بعد از نصف شب، در منزل امام رفت و آمد بود و پس از اینکه رفت و آمد مردم تمام شد، افراد خانواده، پروانه وار دور امام نشسته بودند. تقریباً ساعت یک و نیم بعد از نصف شب بود که چراغها را برای استراحت خاموش کردند. پس از آن همه خستگی دیدارها و ملاقاتها، شاید یک ساعت نگذشته بود که امام دوباره برای نماز شب بلند شدند. با اینکه معلوم بود صبح زود مردم برای دیدار با امام هجوم می آورند، در آن شب هم امام نماز شب را ترک نکردند.

محمود بروجردی

* * *

حضرت امام (ره) در اولین شب اقامتشان در پاریس در آپارتمان کوچکی اقامت کردند. هنگام خواب، ایشان به اتاق خود رفتند. ما هم در اتاق مقابل نشسته بودیم. ساعت دو بعد از نیمه شب که به وقت نجف چهار و به وقت تهران چهار و نیم بعد از نیمه شب بود، امام از اتاق خود بیرون آمدند، وضو گرفتند و برگشتند. هنوز حدود چهار ساعت به اذان صبح مانده بود. تعجب کردیم که چرا ایشان این قدر زود بلند شده اند. صبح معما حل شد. زیرا امام

۱- پس از سخنرانی امام در روز دوازدهم خرداد سال ۱۳۴۲، رژیم شاه امام را دستگیر کرد و مدت نه ماه ایشان ابتدا در زندان رژیم شاه و سپس در منزلی در قیطریه تهران تحت نظر بودند.

سئوال فرمودند: «اینجا چطور است؟ دیشب هر چه نشستم که صبح شود نماز بخوانم، هوا روشن نشد.» معلوم شد که امام به عادت هر شب و مطابق با افق نجف اشرف، دو ساعت به اذان صبح مانده، برای نماز شب بلند شده‌اند. خدمت ایشان عرض کردیم: «افق اینجا با نجف دو ساعت تفاوت دارد.» فرمودند: «بیایید ساعت مرا درست کنید.»

اسماعیل فردوسی‌پور

* * *

حضرت امام بدون استئنا و هر شب نماز شب را اقامه می‌کردند. برای این منظور معمولاً در ساعات پیش از اذان صبح از خواب برمی‌خاستند و اگر وقت یاری می‌کرد، نماز مستحبی را نیز برپا می‌داشتند و چنانچه تا اذان صبح وقتی باقی بود، بولتنهای خبری مختلف را مطالعه می‌کردند. حضرت امام (ره) در به دست آوردن خبر منعکس شده از رادیوهای بیگانه اهتمام داشتند و غالباً اخبار این رادیوها را گوش می‌کردند. امت مسلمان، خود از طریق سیمای جمهوری اسلامی مشاهده کردند که امام عزیز حتی در بستر بیماری نیز نماز شب را ترک نکردند و از رادیو به منظور کسب خبر استفاده می‌کردند. امت عزیز، نماز شب خوانده شده در بیمارستان را در روزهای آخر حیات پر برکت حضرت امام، از سیمای جمهوری اسلامی مشاهده کردند و وجود «مفاتیح و قرآن» را در کنار تخت ایشان حتی در آن حالات همراه با ضعف جسمانی دیدند. شما عزیزان دیدید که امام بزرگوار چگونه هنگامی که سِرْم در دست مبارکشان بود، نماز با خلوص و حضور قلب خود را اقامه می‌کردند. حضرت امام حتی در بیمارستان نیز عبادت خاص خود را ترک نگفتند. بلکه با شور و حال بیشتری به عبادت می‌پرداختند. یکی از نزدیکان

امام نقل می‌کرد: «مدتی به اذان صبح مانده بود که وارد اتاق امام در بیمارستان شدم. ایشان را در حالت عجیبی یافتم. حضرت امام آن قدر گریه کرده بودند که تمامی چهرهٔ منورشان خیس شده بود. هنوز هم اشکهای مبارکشان چون بارانی جاری بود و چنان با خدای خود راز و نیاز می‌کردند که من تحت تأثیر قرار گرفتم. وقتی متوجه من شدند، با حوله‌ای که بر شانه داشتند. صورت خود را خشک کردند.» صبح همان روزی که قرار بود امام تحت عمل جراحی قرار بگیرند، به خدمت ایشان رسیدم. ساعت پنج و نیم صبح بود. گفتند: «آقای صانعی در خدمت امامند.» من هم به ایشان ملحق شدم. سلام عرض کردم و حالشان را جویا شدم. «کلام‌الله» و «مفاتیح» در کنار تخت حضرت امام توجه مرا جلب کرد. وقتی خوب دقیق شدم، دیدم حضرت امام تا پیش از آن مشغول خواندن دعای عهد بوده‌اند. ناگهان حالم دگرگون شد، ولی با تلاش بسیار بر خودم مسلط شدم. در همان لحظه به امام لباس اتاق عمل پوشاندند و ایشان به راه افتادند. دیگر گریه‌امانم را برید و از حرکت بازماندم و نتوانستم ایشان را تا اتاق عمل همراهی کنم.

علی اکبر آشتیانی



به جرأت می‌توانم بگویم که تهجد امام به مدت شصت سال، یعنی تا آخرین لحظه‌های حیاتشان، ترک نشد. نمازشان همیشه اول وقت بود. چه در دوران جوانی و چه پس از آن، دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار می‌شدند و در این مدت قرآن قرائت می‌کردند. خلاصه؛ به دعا و انجام مستحبات، به تهجد و... خیلی اهمیت می‌دادند. قبل از این کسالت اخیرشان بود که شبها یکی از برادران پاسدار، پشت در اتاق ایشان می‌خوابند. یک وقت من از ایشان سنوآل

کردم: «شما که مدتی شبها مراقب امام بودید، خاطره‌ای از امام دارید؟» گفت: «بله، شبها، معمولاً امام دو ساعت مانده به اذان صبح بیدار بودند. یک شب متوجه شدم امام با صدای بلند گریه می‌کنند. من هم متأثر شدم و شروع کردم به گریه کردن. امام برای تجدید وضو بیرون آمدند، متوجه من شدند. فرمودند: «فلانی! تا جوان هستی قدر بدان و خدا را عبادت کن. لذت عبادت در جوانی است. آدم وقتی پیر می‌شود، دلش می‌خواهد عبادت کند؛ اما حال و توان برایش نیست.» سَراینکه امام ملاقاتهای خودشان را در ماه مبارک رمضان تعطیل می‌کردند، این بود که بیشتر به دعا و قرآن و خلاصه به خودشان برسند. می‌فرمودند: «خود ماه رمضان کاری است!» در هر کار و هر حالی به یاد خدا بودند. ذکر و دعا و مناجات و گریه‌های نیمه شبشان هرگز قطع نشد. از لحظه‌های آخر عمرشان اگر چه فیلمبرداری شده است، ولی هنوز بخشی از آن را نشان نداده‌اند. چنانچه این فیلمها به طور کامل نشان داده شوند، می‌بینید که چگونه ریش مبارکشان را روی دست گرفته‌اند و زارزار گریه می‌کنند. آخرین ماه رمضان دوران حیاتشان - به گفته ساکنان بیت - متفاوت از دیگر ماه رمضانها بود. به این صورت که امام(ره) همیشه برای خشک کردن اشک چشمشان دستمالی را همراه داشتند، ولی در آن ماه رمضان، حوله‌ای را نیز همراه برمی‌داشتند تا در هنگام نمازهای نیمه شبشان از آن هم استفاده کنند.

محمدرضا توسلی

* * *

هر شب رأس ساعت سه بیدار می‌شدند و من صدای خش‌خش کاغذ یا مناجاتشان را می‌شنیدم. حتی یک بار هم به یاد ندارم که پنج دقیقه از ساعت

سه بگذرد یا پنج دقیقه به سه مانده باشد که ایشان بیدار شوند. امیدوارم همه ما موفق به برقراری چنین نظمی در زندگی خودمان بشویم.

خانم مرضیه حدیده‌چی

* * *

شب^(۱) که قرار بود فردایش حرکت کنیم، منزلمان دیدنی بود. همگی حالتی غیرعادی داشتند، تمام حواس من متوجه امام بود. ایشان همچون شبهای قبل سر ساعت خوابیدند و چون همیشه یک ساعت و نیم مانده به صبح، برای نماز شب برخاستند.

احمد خمینی

* * *

ایشان هفتاد سال نماز شب خود را به صورت متواتر خواندند. نماز شبی که در قرآن، خداوند می‌فرماید که کسی که چنین تهجدی را داشته باشد، خداوند او را به مقام بسیار شایسته‌ای می‌رساند.^(۲)

فاضل لنکرانی

* * *

حضرت امام(ره) بعضی شبها از منزل خارج و در باغی که در نزدیکی منزلشان بود، به نماز مشغول می‌شدند. یک شب، نزدیک اذان صبح بود که

۱- شب قبل از حرکت امام از نجف به طرف مرز کشور کویت در مهرماه ۱۳۵۷.

۲- «و من اللیل فتهجد به نافلة لک عسی ان یتعک ربک مقاماً محموداً»، سوره اسراء/۷۹.

من از آنجا که محل عبورم بود، رد می‌شدم. شنیدم یک نفر گریه و ناله می‌کند. رفتم تا به کنار دیوار منزل رسیدم. دیدم آقای سر بر سجده گذاشته و با خدای خود راز و نیاز می‌کند و در همان حال، اشک پهنای صورتش را پوشانده است. خجالت کشیدم که جلوتر بروم. آمدم کنار باغ ایستادم تا هنگام رفتن آن آقا، او را ببینم و بفهمم که کیست. وقتی که بالاخره نماز آن مرد تمام شد و از جا برخاست و رفت، خوب نگاهش کردم و دیدم که حضرت امام است.

علی اکبر مسعودی

* * *

حضرت امام تا دقیقه آخر عمر شریفشان، زندگی منظم و حساب شده‌ای داشتند. ساعت دو بعد از نیمه شب، برای نماز شب از خواب بیدار می‌شدند. بعد از تلاوت قرآن، نماز صبح و تعقیبات آن را به جا می‌آوردند و پس از آن به اخبار رادیوهای بیگانه گوش می‌دادند.

رحیم میریان

* * *

بنده از یک دوست قدیمی شنیدم که می‌گفت: «امام دو خصلت داشت که در بین تمام دوستانش ممتاز بود. ۱- در مجالس، غیبت نمی‌کردند و از غیبت کردن هم شدیداً جلوگیری می‌کردند. ۲- مقید بودند به خواندن نماز شب.»

محمد رضا توسلی

* * *

خواب امام در ساعت معینی شروع می‌شد و رأس ساعت دو بعد از نیمه شب جهت اقامه نماز شب، از خواب برمی‌خواستند. در مدتی که در بیمارستان تحت مداوا و مراقبت درمانی بودند، علی‌رغم اینکه برای به خواب رفتنشان دارو به ایشان می‌دادند، اما به همان شکل رأس ساعت دو بعد از نیمه شب از خواب برمی‌خواستند و جویای وقت اقامه نماز شب می‌شدند و این نشانی از نظم و ترتیب و دقت عمل در برنامه‌ریزی‌های زندگی ایشان است.

مهدی امام‌جمارانی

* * *

مرحوم شیخ نصرالله خلخالی گفت: «من چهل سال با امام دوست بودم، هیچ‌گاه ندیدم نماز شب او ترک شود.» همیشه قبل از اذان صبح بیدار بود و در حال عبادت و مناجات به سر می‌برد. همواره در نمازهای جماعت شرکت می‌کرد و به دیگران اقتدا می‌نمود.

عباس خاتم‌یزدی

* * *

در ایامی که من با ایشان بودم و توفیق خدمتگزاری داشتم، نماز شب را ترک نکردند. آقایانی که قبل از آن با ایشان بودند، حتی هم دوره‌ها و هم حجره‌ایهای ایشان، نقل می‌کردند که از اوان جوانی که مشغول تحصیل بودند، در نماز شب جدیت داشتند.

غلامرضا رضوانی

* * *

آن شخصی که همراه امام بود، نقل می‌کند که: «من جسارت کردم، گفتم که بروم ببینم امام در چه حالی است. پله‌های هواپیما را گرفتم و رفتم طبقه بالا. وقتی رفتم، دیدم امام نشسته‌اند و مشغول نمازند. مثل سایر اوقات. اما به پهنای صورت اشک می‌ریزند و در حال نماز شب هستند.» می‌گوید: «این حالت امام برای من بسیار جالب بود.» امام حتی در شب پرواز - از پاریس به ایران - آن هم در چنان شرایطی، نماز شب و حالت نیمه شب را ترک نکردند.

مهدی امام جمارانی

* * *

حضرت امام(ره) عارف و سالکی بودند که متجاوز از شصت سال نماز شبشان ترک نشد و با معبود خود راز و نیازی داشتند و حتی ممکن بود که مناجاتهای خود را در قالب شعرهای عرفانی ریخته باشند.

جعفر سبحانی

* * *

تهجد و عبادت ایشان در بین همه اهل علم، چه فضلالی حوزه و چه طلبه‌های تازه وارد، معروف بود، یعنی همه می‌گفتند: «حاج آقاروح الله خمینی اهل تهجدند.»

احمد صابری

* * *

در پانزده سالی که ایشان در نجف تبعید بودند، حتی یک شب هم از رفتن به حرم مطهر علی(ع) و خواندن زیارت‌نامه سرباز نزدند. مگر اینکه در بستر

بیماری بوده باشند. زمانی که ایشان در کربلا بودند، هر صبح و هر شب به حرمین شریفین جدشان حضرت امام حسین(ع)، و حضرت ابوالفضل(ع)، می‌رفتند و زیارت می‌خواندند. نماز شب حضرت امام از عنفوان جوانی تا پایان، حتی برای یک شب هم ترک نشد.

محمدحسن قدیری

* * *

یک خاطره هم مربوط به وقتی است که از عراق می‌خواستیم به کویت برویم. زمانیکه مانع از رفتن ما شدند، برگشتیم. امام آن زمان ۸۰ سالشان بود، از ساعت پنج صبح برای اینکه نجف خبر نشود. بین الطلوعین حرکت کردیم به سوی کویت، در مرز کویت ما را راه ندادند، ما برگشتیم به مرز عراق، در آنجا به بدترین وجه با امام برخورد کردند، حتی یک اتاق که امام استراحت بکند به ما ندادند. سرانجام امام عبایشان را انداختند در کنار یک اتاق مخروبه که آنجا بود و دراز کشیدند. ساعت یازده - دوازده شب بود که از بغداد گفتند به بصره برگردید. ما به بصره برگشتیم، ساعت یک یا یک و نیم بعد از نیمه شب به بصره رسیدیم، یک ساعتی طول کشید تا مقدمات کار را انجام بدهیم، بالاخره ساعت دو بود که امام خوابیدند. طولی نکشید که من یک مرتبه دیدم زنگ ساعت به صدا درآمد، وقتی ساعت را نگاه کردم دیدم ساعت چهار بعد از نیمه شب است و امام برای نماز شب بلند شدند. یک پیرمرد که از پنج صبح تا ساعت دو بعد از نصف شب نخوابیده، وقتی می‌خواهد یادش باشد ساعت را کوک کند که برای نماز شب بیدار شود.

احمد خمینی

* * *

زمانی که در خمین برق نبود، شبها می‌دیدم آقا می‌رفتند به قسمت بیرونی و آنجا می‌خوابیدند و با خود یک چراغ یا کبریتی می‌بردند. یک جوی آبی بود که آنجا وضو می‌گرفتند، بعد برای نماز شب توی آن اطاق می‌رفتند و لابد در آنموقع ۲۴-۲۵ ساله بودند.

مریم پسندیده

* * *

وقتی که آقا نماز شب می‌خواندند صدای گریه‌شان بلند می‌شد. حال دیگری داشتند. در نمازهای روز هم همین جور حالشان دگرگون می‌شد شبها که با حاج آقا مصطفی نماز شب می‌خواندند، بلند، بلند گریه می‌کردند. من از روی پشت بام می‌دیدم، جانمازشان را جمع نمی‌کردند، جانمازشان همیشه پهن بود. مرتباً نماز می‌خواندند.

صغری مظفری

* * *

از مرحوم آیت‌الله حاج آقا مصطفی خمینی قدس سره شنیدم که فرمودند، دیدم آقا در اطاق خود هستند و صدای گریه ایشان بلند است از مادرم پرسیدم چه شده آقا گریه می‌کنند مادرم فرمودند ایشان در شبی که موفق به نماز شب و راز و نیاز با خدا نشود روز آن، چنین حالی را دارد.

محسن خرازی

* * *

مدت پنجاه سال است که به هیچ وجه نماز شب حضرت امام ترک نشده است حضرت امام در بیماری، در صحت، در زندان، در خلاصی، در تبعید و حتی بر روی تخت بیمارستان قلب هم نماز شب می خواندند. یک روز در قم حضرت امام بیمار شدند. به دستور اطباء می بایست به تهران منتقل شوند. هوا بسیار سرد بود و برف می بارید. یخبندان عجیبی در جاده ها وجود داشت. حضرت امام با این که چندین ساعت در آمبولانس بودند، اما به مجرد این که به بیمارستان قلب منتقل شدند، باز هم نماز شب خواندند.

محمدعلی انصاری

* * *

روز بیست و یکم بهمن سال ۱۳۵۷ همان طوری که اطلاع دارید از طرف رژیم، حکومت نظامی اعلام شد، اما مردم، با پیروی از فرمان امام، حکومت نظامی را نادیده گرفتند و به خیابانها رفتند. به این ترتیب توطئه شوم رژیم شاه در سرکوب انقلاب و دستگیری انقلابی ها با شکست روبه رو شد. در آن روز بسیاری از دوستان بر این باور بودند که رژیم دست به جنایت خواهد زد و برنامه های از پیش طرح شده ای را به اجرا خواهد گذاشت. بر همین اساس، در مدرسه رفاه حالت غیرعادی وجود داشت و اضطراب و نگرانی در چهره بعضی از دوستان موج می زد. البته نگرانی این عزیزان بیشتر برای حضرت امام، بود نه برای خود. آنان بیم داشتند که رژیم با حمله ای وحشیانه جان آن حضرت را مورد تهدید قرار دهد. هر چه به شب نزدیکتر می شدیم، اضطراب و نگرانی این دوستان بیشتر می شد.

سرانجام عده ای به نزد امام رفتند و با اصرار از ایشان خواستند که مدرسه را ترک کنند و به یک مکان امن بروند. اما امام عزیز که در نهایت

آرامش به سر می‌بردند، با این پیشنهاد مخالفت کردند و اظهار داشتند که «به هیچ وجه مدرسه را ترک نخواهند کرد.» پس از آن، حضرت امام بدون آنکه تفاوتی میان آن شب و شبهای دیگر قائل شوند، نماز شب را خواندند و در کمال آرامش شب را به صبح رساندند.

علی اکبر آشتیانی

* * *

■ مسجد و مصلی

در یکی از روستاهای نزدیک قم، یکی از دوستان من که خود از شاگردان حضرت امام نیز بود، به امر تبلیغ دینی مشغول بود و از این رو مدام به آنجا می‌رفت. مردم این روستا به یک مسجد احتیاج داشتند و هنگامی که بحث ساختن مسجد در میان مردم روستا درگرفت، دو نفر از مالکان آنجا که از نظر مالی توانایی انجام آن را داشتند، داوطلب شدند. این دو نفر که خود به دلیل خصوصیتی که از حضرت امام شنیده بودند، از مقلدان ایشان بودند، شرط خاصی را گذاشته بودند. آنها گفته بودند: «در صورتی ما این مبلغ را می‌پردازیم که حضرت امام بیایند و کلنگ مسجد را بزنند.» دوست روحانی من، مطلب را به وسیله داماد محترم حضرت امام، مرحوم آقای اشراقی، رضوان... علیه، خدمت ایشان عرض کرد. حضرت امام فرمودند: «من که اهل این کارها نیستم.» اما واقعیت این بود که در آن روستا به وجود مسجد احتیاج بود و برای ساختن آن هم هیچ راهی غیر از کمک گرفتن از همان دو نفر مالک وجود نداشت. از این رو دوست بزرگوارم دوباره با آقای اشراقی صحبت کرد که بالاخره چه باید کرد و تکلیف چیست؟ آقای اشراقی به او گفت: «آنچه را که امام در مقابل آن خاضع است، وظیفه الهی است. اگر مسئله برای ایشان توضیح داده شود و احساس بفرمایند که وظیفه‌شان است و باید بروند، حتماً

می‌روند». به این ترتیب به نزد امام رفتند و جریان روستا و احتیاج آن به مسجد و اعلام کمک مشروط آن دو مالک را به طور مفصل برای ایشان بازگو کردند. و بالاخره امام آمادهٔ رفتن شدند. برای رفتن، دو ماشین سواری تدارک دیده شد. در این سفر، من همراه حضرت امام (ره) بودم و مقصد روستایی در جاده تهران به اسم «کاج و محمدآباد» بود. در این روستا مسجد قدیمی محقری بود که قرار بود در کنار آن زمینی در نظر گرفته و به زمین مسجد افزوده شود و به این ترتیب، مسجد بزرگی ساخته شود. امام پس از ورود به روستا به همان مسجد قدیمی تشریف بردند و کلنگ مسجد را هم همان‌جا زدند. هنگامی که برای زدن کلنگ مسجد از میان جلسه‌ای که تشکیل شده بود، برخاستند تا بروند، به طرف جوانی که در کنار من نشسته بود، آمدند. اندکی مکث کردند و آهسته چیزی به او گفتند. الان به یاد ندارم که خودم صحبت امام را شنیدم یا بعد، از آن جوان پرسیدم. در هر صورت امام به آن جوان فرمودند: «این انگشتری که در دستت است، اگر انگشتر طلاست، بیرون بیاور.» این نکته، توجه امام را به مسائل و وظایف شرعی خودشان می‌رساند. توجه کنید که ایشان حاضر نمی‌شوند در مسائل مربوط به اداره و مدیریت حوزه شرکت بکنند، ولی حاضر می‌شوند برای زدن کلنگ روستایی که شاید بیش از دو یا سه هزار خانوار نداشته باشد، به آن‌جا بروند.

محمد مؤمن

* * *

در زمانی که حضرت امام در قم تشریف داشتند و ما در جلسهٔ درس ایشان حاضر می‌شدیم (زمان حیات مرحوم آیه‌الله العظمی بروجردی)، یکی

دوستان امام از کربلا آمده بودند. اظهار علاقه کردند که به دیدنشان بروند. من با پسر آن آقا هم مباحثه بودم. به واسطه او از پدرشان وقت ملاقات گرفتم. اتفاقاً روزی که قرار شد برویم، باران آمده بود و کوچه‌ها پر از گل بود. وضع شهر قم را در سالهای ۳۶ و ۳۷ به خاطر بیاورید. وسیله رفت و آمد، درشکه بود. در خدمت ایشان با درشکه تا سر کوچه رفتیم. پسر آن آقا، چون کوچه پس کوچه‌ها را می‌شناخت تصمیم گرفت از راهی برویم که نزدیک باشد تا امام کمتر در مضیقه قرار بگیرند. مسجدی آنجا بود که ایشان راهنمایی کرد و با هم وارد حیاط مسجد شدیم و از بغل مسجد، از در فرعی خارج شدیم، از کوچه سر در آوردیم. بعد از پیچ و خم کوتاهی به منزل دوست امام رسیدیم. و امام با ایشان دیدار کردند. وقتی برگشتند، باز به در آن مسجد رسیدیم و خواستیم از همان راه برگردیم که راه نزدیکتر بشود و امام اذیت نشوند. امام فرمودند: «مسجد را نباید طریق قرار داد. از کوچه برویم.» گفتیم: «آقا! گل است، اذیت می‌شوید، ناراحت می‌شوید.» گفتند: «مانعی ندارد.» راهشان را گرفتند و رفتند و اصلاً به ما هم اعتنایی نکردند. ما هم به دنبال ایشان رفتیم. این نکته‌ای بود که به دلیل برخورد عملی امام در ذهن من جای گرفته است که خیلی رعایت می‌کردند حتی یک عمل مکروه هم انجام ندهند.

محمد یزدی

* * *

یکی از روزها^(۱)، هنگام ورود امام، زیلویی به عرض یک متر سر راهشان انداخته بودند. امام کفشهای خود را در آوردند که از روی زیلو عبور نکنند.

۱- زمانی که امام(ره) در مدرسه «فیضیه» در روزهای پنج‌شنبه و جمعه درس اخلاق می‌گفتند.

در همان هنگام یکی از طلبه‌ها - که از علاقه‌مندان درس امام بود - وارد شد و از روی زیلو عبور کرد. امام به ایشان فرمودند: «با کفش وارد نشوید، این مخصوص نماز است.»

محمد رضا توسلی

* * *

درواقع به انجام شعائر دینی خیلی مقید بودند. به طور مثال درباره آداب مسجد آمده است که چنانچه کسی به مسجدی وارد شود، مستحب است که دو رکعت نماز به عنوان تحیت مسجد بخواند. من به این خصلت یا عادت امام (ره) خیلی توجه کردم. ایشان هر وقت که به مسجدی وارد می‌شدند، دو رکعت نماز تحیت می‌خواندند. مسجدی بود به نام «گذرقلعه» که آقای خوانساری^(۱) در آنجا نماز می‌خواندند و حضرت امام (ره) به عنوان مأموم و نمازگزار در این مسجد حاضر می‌شدند. همان طور که گفته شد، در غیاب آقای خوانساری، ایشان امامت می‌کردند. من هر دفعه دقت می‌کردم و متوجه می‌شدم که علاوه بر نافله‌ها، تحیت مسجد را هم می‌خواندند.

عباس ایزدی

* * *

حضرت امام همیشه فرماندهی را از دیدی مکتبی تحلیل می‌کردند. تحلیل ایشان چنین بود که فرمانده کل قوا خداست. حضرت امام فرماندهی و فرمانبری را به قدرت لایزال الهی متصل می‌کردند و همیشه هم توصیه‌شان به برادران پاسدار این بود که سپاه مثل یک مسجد است و وقتی برادران وارد

سپاه می‌شوند، باید چنین بینگارند که وارد یک مسجد شده‌اند.

محسن رضایی

* * *

یک دفعه در محضر ایشان نشستیم بودیم، عده‌ای از ایران آمده بودند و برای ایشان سهم امام آورده بودند. پول زیادی بود. در همان جلسه می‌خواستند پول را خدمت ایشان بدهند. آنها به امام گفتند: «می‌خواهیم در محل، یک مسجد بسازیم. اجازه بدهید مقداری از این پول را آنجا صرف کنیم.» ایشان با کمال صلابت و سختی گفتند: «ابدأ اجازه نمی‌دهم.» آنها التماس می‌کردند. نوعاً انسان با کسی که می‌خواهد پول بدهد، تند نمی‌شود؛ ولی امام تند شدند. بعد ایشان فرمودند: «جزء شئون اسلامی مسلمانان هر منطقه است که برای خودشان مسجد بنا کنند. این از شئون زندگی مسلمانان است. مسلمانانی که در مکانی زندگی می‌کنند، نباید مسجد داشته باشند؟ آیا مَهْری که می‌خواهی داخل جیب بگذاری و با آن نماز بخوانی، باید من بخرم؟ تو می‌خواهی نماز بخوانی، باید مَهْرش را هم خودت بخری. در یک منطقه‌ای که عده‌ای مسلمان هستند، نیاز به مسجد دارند. من نمی‌توانم از سهم امام پول بدهم و مسجد بسازند. من از سهم امام چطور اجازه بدهم که شما در شئون زندگی خودتان مصرف بکنید؟» بالاخره، امام به آنها پول ندادند. آن وقت فرمودند: «آری، اگر یک منطقه‌ای، فرض کنید بهایی‌نشین باشد، که مسجد ساختن در آنجا برای دعوت به دین است، تبلیغ دین است؛ آن حسابش جدا می‌شود. مثل راه امام زمان می‌شود.»

محمد هادی معرفت

* * *

حضرت امام، صرف سهم مبارک امام (علیه السلام) را برای ساختن مسجد اجازه نمی‌دادند، مگر به دو شرط: یکی موردنیاز بودن مسجد و دیگر آن که بودجه آن از طریق دیگری مانند وجوه بریه تبرعات تأمین نشود. لذا اگر سؤال کننده توجه به دو شرط مذکور داشت و در متن سؤال آنها را قید کرده بود، می‌فرمودند: «در فرض مذکور مجازند پرداخت کنند». و اگر توجه نداشت یا قید نکرده بود، پاسخ می‌دادند: «چنانچه موردنیاز باشد و از طریق دیگر تأمین نشود، مجازند پرداخت کنند.» آنچه ذکر شد، در مورد اصل مسجد و ساختمان آن بود. اما در مورد تزیینات و تهیه لوازم غیرضروری و درجه دوم از قبیل: سنگ، کاشی، فرش ... معمولاً به صورت مطلق اجازه صرف وجوه شرعی را نمی‌دادند. نمونه‌های بسیاری داشت از جمله این که یک نفر استجازه کرده بود که مبلغ سی هزار تومان بابت سهم مبارک امام (علیه السلام) برای فرش مسجدی در خیابان ابانر تهران پرداخت کند. فرمودند: «اجازه نمی‌دهم.»

محمدحسن رحیمیان



یک دفعه به همراه هیأت امنای مهدیه خدمت امام رسیدیم و به عرضشان رساندیم. «وضع ساختمان مهدیه مطلوب نیست و ما علاقه داریم که تجدید بنا شود و ساختمان مطلوبی داشته باشد.» امام مثل کسی که از حجم کارهای انجام شده تعجب کرده باشد، فرمودند: «علت اینکه این همه کار در اینجا انجام شده، این است که در بین مردم مستضعف تهران واقع شده و وضع ظاهری آن وضع عادی و معمولی است. و شما به فکر ساختمان و ظواهر

نباشید و بدانید این مردم با همین وضع، بهتر کار می‌کنند. الان نمی‌خواهد این کار را بکنید. تا می‌توانید با همین مسئله کار بکنید.»

محمد یزدی

* * *

امام در یکی از سفرهایشان که مصادف با ماه رمضان بود، در مسجدی دور افتاده، متروک و بسیار کوچک - که بیش از یک اتاق گلی نداشت - به اقامه نماز جماعت می‌پرداختند. این در حالی بود که عده‌ای از علما به ایشان پیشنهاد کردند که در مسجد جامع شهر اقامه جماعت کنند. اما آن بزرگوار قبول نکردند و فرمودند: «در مسجد جامع کسی هست که اقامه جماعت کند، ولی در این مسجد کسی نیست که اقامه جماعت کند. از این رو این مسجد را باید احیا کرد.»

محمد رضا توسلی

* * *

در بعضی از سالها امام در تابستان به شهر «محلات» می‌آمدند. در یک سال منزلی که برای ایشان تهیه شده بود، خارج از محلات بود و بعضیها مطلع شدند که آقا زمان افطار، نماز مغرب و عشا را در مسجدی که جنب منزلشان هست اقامه می‌کنند و هیچ کس از این جریان مطلع نبود. آن مسجد بسیار کوچک بود و بیشتر از بیست متر مساحت نداشت و هیچ وقت قابلیت آن را نداشت که نماز جماعتی در آن اقامه شود. ولی ایشان بعد از آنکه حاضر

نشدند در یکی از مساجد شهر نماز جماعت اقامه کنند، در آن مسجد دورافتاده نماز می خواندند. بعد از آن برخی از افراد از راههای دور به همان مسجد می رفتند تا در نماز ایشان شرکت کنند.

محمد سروش

* * *

یک بار از ایشان درباره مسائل و وقایعی که در ترکیه، به هنگام تبعید، شاهد آن بودند، پرسیدم. امام فرمودند: «در نزدیکی خانه ما مسجدی بود که روزهای جمعه می رفتیم آن مسجد، لااقل پنج هزار نفر در این مسجد حاضر می شدند، اما به قدر پنج کلمه، صدای بلند، کسی از این پنج هزار نفر نمی شنید. این موضوع زیاد مرا به حیرت انداخته بود و اینکه چرا ما ابهت و جلالت را حفظ نمی کنیم؟ فکر می کردم اگر یک خارجی بیاید اینجا این مسجد را ببیند و بعد هم بیاید آنجا در نجف مسجد هندی را ببیند، بعد بیاید قم مسجد اعظم را ببیند و نماز خواندن ما را، قطعاً خواهد گفت که نماز این است، نه آن که ما داریم! و ما جلالت و قدر نماز را حفظ نکرده ایم. اینها اگر یک وقتی کسی بود که درست نایستاده بود، رفیقش می خواست به او حالی کند، با انگشت به او حالی می کرد که عقب بیاید و انگشتانش را مقابل انگشتان دیگران قرار بدهد تا صف را مستقیم بایستند؛ به طوری که اگر نگاه می کردی، تمام سرانگشتان آنها مقابل هم بود. دیگر به زبان نمی گفت که عقب بایستد تا با صف مقابل شود و از این چیزها...» بعد اضافه کردند: «این امور را که می دیدم، متأثر می شدم.»

عباس مهری

* * *

در نجف، در بیرونی منزل حضرت امام، یعنی اتاقی که شبها آقا به آنجا تشریف می‌بردند، به اندازه کافی قالی نبود. زیلوهایی بود که از ایران آورده بودند و زیاد مناسب نبود. چون گاهی نماز جماعت برگزار می‌شد و جا تنگ بود و فرش نبود؛ من می‌خواستم از امام اجازه بگیرم که جهت فرش کردن بیرونی منزل چیزی بخرم. خدمت امام عرض کردم که: «اجازه بدهید که یک فرش برای اینجا تهیه شود.» فرمودند: «آن طرف هست.» یعنی توی اندرونی هست. عرض کردم: «آنجا گلیم است. با اینجا جور در نمی‌آید.» فرمودند: «مگر منزل صدراعظم است؟» عرض کردم که: «فوق صدراعظم است، منزل امام زمان است.» فرمودند: «امام زمان، خودش هم معلوم نیست در منزلش چی افتاده است.»

عبدالعلی قرهی

* * *

در مدرسه «آقای بروجردی» در نجف (که امام آنجا نماز مغرب و عشا می‌خواندند) پنکه‌هایی بود که با هم روشن و خاموش می‌شدند. یعنی درجه نداشتند که کم و زیاد شوند. یکی از این پنکه‌ها پشت سر آقا بود و خیلی تند کار می‌کرد. آقا در تابستان وقتی به مدرسه تشریف می‌آوردند، عرق می‌کردند و قدری برای ایشان مضر بود. بعضی از رفقا کلیدی برای این پنکه درست کرده بودند که درجه داشته باشد. مرحوم حاج آقا مصطفی^(۱) به من فرمودند که: «کلیدی که این رفقا درست کرده‌اند، مثل اینکه دو - سه دیناری خرجش شده.» من دیگر حساب آن در دستم بود. اگر یک وقت مرحوم حاج آقا

۱- مرحوم آیه‌الله حاج آقا مصطفی خمینی فرزند امام که در سال ۱۳۵۶ در نجف اشرف رحلت فرمود.

مصطفی به من ادر می‌کردند، من خدمت امام عرض می‌کردم و اگر اجازه می‌دادند، می‌پرداختم. حاج آقا مصطفی هم خودشان می‌دانستند که من اهل تخلف نبودم. در این قضیه هم امام از نماز ظهر مسجد شیخ تشریف می‌آوردند. نزدیک منزل که رسیدند، این را عرض کردم. مثل اینکه من درست عرض نکردم و شاید این طور به گوش مبارک امام رسید که من پول را بدون اجازه داده‌ام. جمله‌ای گفتند که چون امام فرمودند، علی‌رغم میل آن را نقل می‌کنم. امام با خشونت فرمودند: «مگر من خودم مرده‌ام.» من دیگر جرأت نکردم حرف بزنم و صبر کردم تا شب که با امام به مدرسه می‌رفتیم، عرض کردم: «آقا! من آن پول را نداده بودم.» لبخندی زدند و تبسمی فرمودند. در نجف هوا گرم بود. به امام گفتند که لازم است که برای خانه یک پنکه خریده شود. امام فرمودند: «نه» گفتند: «چون هوا گرم است، کسانی که می‌آیند اینجا نماز بخوانند، گرمشان می‌شود.» امام فرمودند: «بروند یک جای دیگر نماز بخوانند.»

محمد سجادی

* * *

وقتی قرار شد امام به جماران تشریف بیاورند، نگذاشتند که تغییری به منظور تجمل و زیبایی در آنجا ایجاد شود. حتی آقای جمارانی خواستند آنجا را سفیدکاری کنند، امام فرمودند: «اگر می‌خواهید من اینجا بمانم، تزیینات نکنید.» یک وقت امام متوجه شدند که می‌خواهند کاشی‌کاری کنند، عصبانی شدند، فرمودند: «من از اینجا می‌روم.» به خاطر این، حسینیه تا به آخر، به همین صورت باقی ماند. یادم است در چهلم امام دو کشیش فرانسوی آمدند، جماران وقتی حسینیه ساده جماران را که محل دیدارهای امام بود دیدند،

خیلی شگفت زده شدند. به من گفتند: «بگذارید اینجا به همین سادگی بماند، تا دنیا بداند که یک انسان روحانی با این مقام، کجا زندگی می‌کرده و جای پذیرایی از میهمانانش کجا بوده است.»

محمد رضا توسلی

* * *

هنگامی که حضرت امام به جماران تشریف فرما شدند، آقای جمارانی علاقه داشتند که حسینیه به لحاظ ساختمانی و فرم عمومی‌اش تغییر یابد و به اصطلاح، محلی تمیز و مدرن شود. روزی حضرت امام از طریق حاج سید احمد آقا پیغام دادند که از انجام این کار (تغییر ساختمان حسینیه) صرف‌نظر شود. آقای جمارانی بار نخست احساس کردند که حاج احمد آقا در ادای پیغام حضرت امام چندان مصر نیستند، از این رو به کار تعمیر حسینیه ادامه دادند. امام که از این کار عصبانی شده بودند، پیغام دادند: «اگر می‌خواهید حسینیه را تعمیر کنید، بگذارید برای وقتی که من از دنیا رفتم.»

علی اکبر آشتیانی

* * *

قبل از تبعید حضرت امام، صاحب یکی از کارخانجات بزرگ تهران، مسجدی ساخته بود و از حضرت امام درخواست کرده بود تا برای آن مسجد، امام جماعتی را تعیین کنند. حضرت امام با اکراه موضوع را پذیرفتند و بعد از تعیین یک روحانی به عنوان امام جماعت آن مسجد، به او فرمودند:

«شما علاوه بر تبلیغ و ارشاد، دو موضوع را نباید از یاد ببرید: اول این که در این مسجد نامی از من برده نشود. و بعد، برخورد شما بابانی مسجد به گونه‌ای باشد که خیال نکند چشم به ثروت او داریم.»

محمدعلی انصاری

* * *

■ سفرش به فرزندان

وقتی بچه بودم، یک بار که امام مشغول نماز خواندن بودند، من هم رفتم و پشت ایشان ایستادم و همان کارهایی را که ایشان می‌کردند، تکرار کردم. امام چند جلد کتاب کودکان که همان دوروبر بود، برداشتند و به من دادند. بعدها هر موقع من به اتاق امام می‌رفتم، یا ایشان قدم می‌زدند و من ایشان را می‌دیدم، اول از من سؤال می‌کردند: «نماز را خوانده‌ای یا نه؟» اگر نمازم را خوانده بودم، می‌گفتند: «آفرین» و اگر هنوز نخوانده بودم، می‌گفتند: «بخوان» و نصیحتم می‌کردند و می‌گفتند: «نماز را اول وقت بخوان.»

نوه امام

* * *

آن زمان که در مراسم نماز جمعه بمب‌گذاری کرده بودند، من هم در مراسم نماز شرکت کرده بودم. مادرم و بقیه فامیل در خانه آقا بودند. چون خبری از من نشده بود، همه نگران شده بودند. وقتی وارد خانه شدم، دیدم مادرم معترضانه گفت: «تو چرا رفتی؟ تو که باردار بودی چرا رفتی؟ به خاطر بچه‌ات هم که شده نباید می‌رفتی.» این را هم بگویم که از قبل شایع شده بود که آن مراسم نماز را صدامیان یا بمباران می‌کنند و یا در آن بمب‌گذاری. نگرانی

مادرم هم از این بابت بود. ولی آقا که سرمیز ناهار نشسته بودند، با خنده‌ای به من گفتند: «سالمی؟» و من تشکر کردم. ایشان آهسته در گوشم گفتند: «خیلی کار خوبی کردی که رفتی. خیلی ازت خوشم آمد که به چنین نمازی رفتی.»

زهرا اشراقی

* * *

احمد آقا^(۱) می فرمودند: «امام هیچ وقت به ما نگفتند نماز بخوانید، اما ما هم هیچ وقت نمازمان را ترک نکردیم.» حالا این چه جور حرکت و رفتاری است که در زندگی چنین تأثیری را می‌گذارد، نمی‌دانم. احمد آقا می فرمودند: «یک روز نماز ظهر و عصر را نخوانده بودم و از منزل بیرون آمدم، نه اینکه می‌خواستم نخوانم، نخیر! ولی بیرون آمدم. از قضا در همان لحظه در داخل کوچه با امام که از درس می‌آمدند، برخورد کردم. هنوز کمی به غروب آفتاب مانده بود. تا امام به من رسیدند، خیال کردم که به من می‌گویند که چرا نمازت را نخواندی؟ برگشتم و نمازم را خواندم.»

یوسف صانعی

* * *

امام خواندن نماز و اول وقت بودن نماز را خیلی به ما توصیه می‌کردند و می‌گفتند: «همیشه برای فقرا و تهیدستان دعا کنید و از خدا بخواهید که آن مردم را یاری کند.»

محمدتقی اشراقی

* * *

امام عقیده داشتند که پیش از رسیدن سن تکلیف باید کارهای خوب و بد و مسائل شرعی را به بچه‌ها گفت. گاهی که پسر هشت ساله‌ام را می‌دیدند، می‌گفتند: «نماز را خوانده‌ای؟» من می‌گفتم: «آقا! او هنوز به سن تکلیف نرسیده است.» آقا می‌گفتند: «بچه‌ها قبل از سن تکلیف باید رو به نماز بایستند تا عادت کنند.» اما بعد از سن تکلیف، مگر کسی جرأت می‌کرد بیدار باشد و نمازش را نخواند؟! امام نمی‌توانستند تحمل کنند که مکلف نمازش را قضا کند. البته برای بچه‌ها پیش نیامده بود. هر وقت که بچه‌ها را می‌دیدند، می‌پرسیدند: «نماز را خوانده‌ای؟» اگر نخوانده بودند، جا نمازشان را می‌دادند و می‌گفتند: «برو و وضویت را بگیر و بیا نماز را بخوان.» بعد از نماز نصیحت می‌کردند که: «بین که اگر همین نماز را سر موقع می‌خواندی، چقدر بهتر بود. خدا هم خوشش می‌آید.»

فاطمه طباطبائی

* * *

یک روز امام داشتند توی حیاط راه می‌رفتند که من آمدم از کنارشان رد شوم. به من گفتند: «بیا اینجا». من رفتم پیش ایشان. به من گفتند: «نماز ظهر و عصر را خوانده‌ای؟» گفتم: «نه» گفتند: «زود برو نماز را بخوان که از ثوابش کم نشود. چون نماز اول وقت خواندن خیلی ثواب دارد.»

محمدتقی اشراقی

* * *

چند ماه پیش از ارتحالشان، ظاهراً به خانواده ما فرموده بودند: «ممکن است شما فرصت این را نداشته باشید که در آن لحظه اول وقت نماز بخوانید،

یا وضعی داشته باشید که اول وقت نتوانید به نماز بایستید. اما همین که دلتان برای نماز اول وقت تپید، ثواب آن نصیبتان می‌شود.» این که گاهی اوقات دوستان و نزدیکان حضرت امام عنوان می‌کنند که ایشان در مورد مستحبات حساس بودند، همین است. چرا که استحباب نماز اول وقت، سبب گشایش روزی می‌شود و راه بهشت را برای انسان باز می‌کند.

محمود بروجردی

* * *

امام به جز در مسائل شرعی، در بقیه مسائل خیلی سختگیری نمی‌کردند. ایشان همیشه مقید بودند که ما دستورات خدا را انجام دهیم تا بتوانیم از گناهان دور باشیم. کارهای دینی به ما دیکته نمی‌شد. در خانواده وقتی ما رفتار امام را می‌دیدیم، خود به خود به ما تأثیر می‌گذاشت و همیشه سعی می‌کردیم که مثل ایشان باشیم، ولو اینکه مثل ایشان نمی‌شدیم. از نظر تربیتی، خود ایشان برای ما یک الگو بودند. وقتی کاری را به ما می‌گفتند انجام ندهید و ما می‌دیدیم ایشان در عمرشان آن کار را نمی‌کنند، قهراً ما هم انجام نمی‌دادیم. مثلاً به ما می‌گفتند: «باید نماز بخوانید.» خودشان از نیم ساعت به ظهر وضو می‌گرفتند و مشغول نماز خواندن می‌شدند و ما هم داخل حیات مشغول بازی کردن بودیم. یک مرتبه هم نیامدند صدا کنند که: «دخترها! بایستید برای نماز. بیایید، من ایستاده‌ام، پشت سر من یا خودتان نماز بخوانید.» ایشان تمام سال، اول اذان نماز می‌خواندند ولی یک بار هم به ما نگفتند که: «الان دست از کارت‌ان بردارید، موقع اذان است، دست از بازی‌تان بردارید و بایستید برای نماز.» ولی می‌گفتند: «شما باید در طول این ساعت نماز بخوانید، وای به حال کسی که در طول این ساعت نماز را نخواند،

آن وقت اگر آن نماز را نخواند. باید از خانه بیرون برود.» یعنی اصلاً اولاد آقا نباشد. این گونه با او برخورد می‌شد. صبح هم کسی را از خواب بیدار نمی‌کردند و می‌گفتند: «خودتان اگر بیدار می‌شوید، بلند شوید نماز بخوانید، اگر بیدار نشدید، مقید باشید که ظهر، قبل از نماز ظهر و عصرتان نماز صبحتان را قضا بکنید.» زمستان هم که بلند می‌شدیم، می‌رفتیم سر حوض وضو بگیریم، اگر مثلاً کمی آب گرم داشتند، می‌گفتند: «بیایید با این آب گرم وضو بگیرید.» و اگر نبود که هیچ. در مورد نماز با ما هیچ سختگیری نکردند. از این جهت هم الحمدالله اثر مطلوبی در فرزندانمان باقی گذاشتند. خاطره‌ای به یادم است. تازه مکلف شده و شب خوابیده بودم که آقا با اخوی^(۱) وارد شدند. خیلی سرحال و خوشحال بودند. از من پرسیدند: «آیا نماز خوانده‌ای؟» من فکر کردم چون الان آقا سرحالند، دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله‌ای نیست. گفتم: «نه» ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی سراسر وجودشان را فرا گرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با حرف و عمل مجلس به آن شادی را تلخ کردم.

فریده مصطفوی



امام ما را کم نصیحت می‌کردند. از هفت سالگی در تربیت دینی دقت داشتند. یعنی می‌گفتند: «بچه‌ها از هفت سالگی نماز بخوانند. بچه‌ها را وادار به نماز کن، تا وقتی نه ساله شدند، عادت کرده باشند.» من به ایشان می‌گفتم: «تربیت‌های دیگرشان با من، نمازشان با شما. شما بگو. من که می‌گویم، گوش

نمی‌کنند.» خودشان مقید بودند و می‌پرسیدند. اما همین بچه‌ها می‌گفتند: «خواندم» قبول می‌کردند و کنجاوی نمی‌کردند. به طور کلی بچه‌های من اخلاق و ایمان را از امام دارند، اما سلیم بودن و سازگار بودن در زندگی با همسرانشان را از من دارند.

خدیجه ثقفی

* * *

همان اوایل ازدواج به خانم فرموده بودند: «من از تو می‌خواهم که واجبات را انجام دهی و سعی کنی که محرمات را انجام ندهی، ولی در مورد عرفیات مسئله‌ای نیست و آزاد هستی.»

صدیقه مصطفوی

* * *

امام بیشتر راجع به نماز و قرآن توصیه می‌کردند و می‌گفتند که: «بچه‌ها نماز خودشان را اول وقت بخوانند تا خداوند آنها را بیشتر دوست داشته باشد.» امام همیشه نمازشان را اول وقت می‌خواندند و هیچ موقع نمازشان را از اول وقت عقب نمی‌انداختند.

نوه امام

* * *

فصل دوم

بیانات

■ اهمیت نماز

■ آداب نماز

- مقدمات

- اجزاء نماز

- وسوس شیطانی

■ نماز جمعه و جماعت

- اهمیت نماز جمعه و جماعت

- محتوای خطبه‌ها

- وظایف و صفات ائمه جمعه و جماعت

- اثرات نماز جمعه و جماعت

- نماز جمعه در اعصار گذشته

- نماز جمعه در عصر انقلاب

■ مساجد

- اهمیت مساجد

- وظیفه مسلمین در قبال مساجد

- مقابله دشمنان با مساجد

■ اهمیت نماز

در اسلام از نماز هیچ فریضه‌ای بالاتر نیست. چطور نماز را اینقدر سستی می‌کنید در آن؟ از نماز همه این مسائل پیدا می‌شود. شما پرونده‌هایی که در دادگستری‌ها در جاهای دیگر، دادگاه‌ها هست بروید ببینید. از نمازخوان‌ها ببینید پرونده هست آنجا؟ از بی‌نمازها پرونده هست. هر چه پرونده پیدا کنید، پرونده بی‌نمازها هست. نماز پشتوانه ملت است. سیدالشهدا در همان ظهر عاشورا که جنگ بود و آن جنگ بزرگ بود و همه در معرض خطر بودند، وقتی یکی از اصحاب گفت که ظهر شده است، فرمود که: «یاد من آورید نماز را و خدا تو را از نمازگزاران حساب کند». و ایستاد در همان جا نماز خواند. نگفت که ما می‌خواهیم جنگ بکنیم. خیر، جنگ را برای نماز کردند. امیرالمؤمنین وقتی که یک مساله‌ای یک چیزی از او پرسیدند در همان بحبوحه جنگ ایستاد و جواب داد، «حالا... من شمشیر برای این می‌زنم». جنگ در اسلام یک چیزی نیست که خودش یک مطلبی باشد، یک چیزی باشد، طرحی باشد. جنگ برای این است که آن زباله‌هایی که هستند، آنهایی که مانع از پیاده شدن اسلام هستند، آنهایی که مانع از ترقی مسلمین هستند، آنها را از بین راه بردارند، مقصد این است که اسلام را پیاده کنند و با اسلام انسان درست کنند. نماز یک کارخانه انسان‌سازی است. فحشا و منکر را نماز، نماز خوب فحشا و منکر را از یک امتی بیرون می‌کند. اینهایی که در این مراکز فساد

می‌گفتند: کشانده شده‌اند اینها این بی‌نمازها هستند. نمازخوان‌ها در مساجد هستند و مهیا هستند برای خدمت. مسجدها را خالی نکنید، تکلیف است امروز. امروز، یک روزی است استثنایی، ما در یک مقطعی از عصر واقع شده‌ایم که استثنایی است. ما با ذکر خدا، با اسم خدا پیش بردیم و نماز بالاترین ذکر خداست. ۱

* * *

شیطان‌ها از نماز می‌ترسند از مسجد می‌ترسند. ۲

* * *

در اخبار اهل بیت عصمت، علیهم‌السلام، سفارش درباره حفظ اوقات صلوات و اتیان آنها در اوقات فضیلت آنها بسیار وارد است، بلکه گاهی شود که تاخیر آنها از اوقات فضیلت بدون عذر موجب تزییع و باعث تهاون شود خصوصاً اگر مداومت بر آن انسان بکند. ۳

* * *

نماز زوال که مورد سفارش رسول اکرم، صلی‌الله‌علیه‌وآله، است مراد از آن نوافل نماز ظهر است چنانچه در روایات دیگر تصریح به آن شده^(۱)، و اهتمام بخصوص این نوافل، یا برای آنست که در خود آنها خصوصیت و

۱- احادیث ۱-۳، ۱۶ از وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۴۲-۴۴، «کتاب الصلاة»، باب ۱۴ «از ابواب اعداد الفرائض»

اهمیتی است؛ و یا برای آنکه از متعلقات صلاة وسطی هستند و موجب اتمام و قبول آن می‌باشند. و شاید که در این حدیث مراد خود نماز ظهر باشد که آن نماز وسطی است، به اعتبار آنکه در وسط نمازهای یومیه واقع است، و حق تعالی امر به حفظ آن و قیام به آن بالخصوص نموده در آیه شریفه «حَافِظُوا عَلَی الصَّلَاةِ وَ الصَّلَاةِ الْوُسْطٰی وَ قَوْمًا لَّهِ قَاتِنِینَ»^(۱) و مشهور بین فقهاء - رضوان الله علیهم - و اظهر آنست که صلاة وسطی، همان صلاة ظهر است و مزید اختصاص در بین نمازها دارد.

و اول نمازی است که حق تعالی بر آدم ابی البشر (علی نبینا و آله و علیه السلام)، فرو فرستاده توسط جبرئیل (ع) ۴.



مقصود رسول اکرم - صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ - از پنجاه رکعت نماز که می‌فرماید مطابق سنت من است نمازهای واجبی و نوافل آنهاست به استثنای دو رکعت بعد از عشاء که در حال نشسته خوانده می‌شود و یک رکعت محسوب می‌شود، که با آن نمازهای فریضه و نافله پنجاه و یک رکعت می‌شود. و شاید ترک ذکر رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، این رکعت را، برای این باشد که این پنجاه رکعت سنت مؤکده بوده. چنانچه دلالت کند بر این معنی روایت ابن ابی عمیر، قال: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْهِ السَّلَام، عَنْ أَفْضَلِ مَا جَزَتْ بِهِ السُّنَّةُ مِنَ الصَّلَاةِ، قَالَ: تَمَامُ الْحَتَمِینِ»^(۲). و از بعض روایات استفاده شود که سیره

۱- «نمازها و نماز میانه را نگاه دارید و با فروتنی برای خدا بپاییزید.» (بقره / ۲۳۸).

۲- «از ابو عبدالله (ع) درباره نیکوترین آیین نماز گزاردن در سنت پیامبر پرسیدم. فرمود: «آنکه هر پنجاه

رسول خدا، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، بر همین پنجاه رکعت جاری بوده^(۱)، گرچه از بعضی دیگر استفاده شود که حضرت، «عتمه» را بجا می‌آوردند^(۲)، و شاید عدم ذکر آن و جریان سنت بر پنجاه رکعت، برای آن باشد که عتمه عوض نماز وتر است و خود استقلال ندارد. چنانچه روایت فضیل بن یسار دلالت بر آن دارد^(۳)، و در روایت شریفه آنرا «وَتْر» تسمیه کردند^(۴). و در بعضی روایات است که کسی که آن را بجا آورد و مرد، مرده است در صورتی که وِتْر را بجا آورده است^(۵). پس در حقیقت این دو رکعت نماز وتر است که برای خوف حادثه موت پیش از وقت خود باید بجا آورد، ولی وقتی وقت وتر رسید این کفایت از آن نکند. و در بعضی روایات است که این دو رکعت جزء نمازهای پنجاه گانه نبود، آن را زیاد نمودند برای تکمیل عدد و دو مقابل شدن نافله از فریضه^(۶). و این احادیث با هم اختلاف مدلول ندارند، بلکه ممکن است

رکعت بگذارد.» فروع کافی، ج ۳، ص ۴۴۳، «کتاب الصلاة»، «باب صلاة النوافل»، حدیث ۴.

۱- در وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۳۱-۳۲، روایت معاویه بن عمار از امام صادق(ع)، حدیث ۱، و روایت فضیل و فضل و بکیر از امام صادق، باب ۱۲، از «ابواب اعداد الفرائض و نوافلها»، حدیث ۴.

۲- مراد از «عتمه» نافله عشاء است. و روایت حماد بن عثمان از امام صادق(ع) بر آن دلالت دارد. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۲۵، باب ۱۲، از «ابواب اعداد الفرائض و نوافلها»، حدیث ۱۵.

۳- منبع پیشین، ص ۳۱، حدیث ۲

۴- روایت زراره از امام باقر(ع)، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷۰، «کتاب الصلوة»، «ابواب اعداد الفرائض و نوافلها»، «باب ۲۹» حدیث ۱، و همچنین احادیث ۲، ۴، ۵، ۷

۵- روایت ابوبصیر از امام صادق(ع)، وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷۱، «کتاب الصلاة» باب ۲۹ از «ابواب اعداد الفرائض و نوافلها»، حدیث ۸.

۶- در حدیثی از امام رضا(ع) این مطلب نقل شده است. وسائل الشیعه، ج ۳، ص ۷۰، «کتاب الصلاة»، «ابواب اعداد الفرائض و نوافلها»، «باب ۲۹»، حدیث ۳.

افضل چیزی که سنت بر آن جاری است پنجاه رکعت باشد، و این دو رکعت سنت غیرمؤکده باشد و برای احتیاط حادثه موت و تتمیم عدد، جعل شده باشد. در هر صورت از برای نوافل یومیه فضیلت بسیار است. بلکه در بعضی روایات ترک آنرا معصیت شمرده^(۱)، و در بعضی دیگر در این مقام فرموده: خداوند عذاب می‌کند بر ترک سنت^(۲). و در بعضی روایات تعبیر به وجوب فرموده^(۳)، و این از برای تأکید در اتیان آنهاست و زجر از ترک آنها. و سزاوار اینست که انسان حتی الامکان آنها را ترک نکند. زیرا که بحسب روایات شریفه نکته جعل آنها برای اتمام فرایض و قبولی آنهاست^(۴)، و در بعضی روایت می‌فرماید: «شیعیان ما [اهل] پنجاه و یک رکعت نماز هستند^(۵)». و از آن حدیث ظاهر می‌شود که اصحاب اتیان آن هستند نه عقیده به آن، مقابل اهل

۱- تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۱۱، کتاب الصلوة باب ۱، حدیث ۲۳.

۲- روایت حنان از امام صادق (ع) وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۳۳، «کتاب الصلاة»، باب ۱۳ از «ابواب اعداد الفرائض»، حدیث ۶.

۳- مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۵۰، کتاب الصلوة، باب ۱۲، حدیث ۴ و ۵.

۴- مانند روایت محمد بن مسلم از امام باقر (ع) و هشام بن سالم از امام صادق (ع). وسائل الشیعة، ج ۳، ص

۵۲، «کتاب الصلاة»، باب ۱۷، از «ابواب اعداد الفرائض». حدیث ۲-۴.

۵- عَنْ أَبِي بصير قَالَ، قَالَ الصَّادِقُ (ع): سَمِعْنَا أَهْلَ الْوَرَعِ وَالْإِحْتِجَادِ، وَأَهْلَ الْوَفَاءِ وَالْأَمَانَةِ، وَأَهْلَ الرَّهْبِ وَالْإِبَادَةِ، وَأَصْحَابَ الْإِحْدَى وَخَمْسِينَ رَكْعَةً فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ، الْفَائِضُونَ بِاللَّيْلِ، الصَّائِمُونَ بِالنَّهَارِ، يُرْكُونَ أَمْوَالَهُمْ وَيَحْجُونَ النَّبِيَّاتِ وَيَجْتَنِبُونَ كُلَّ مُحَرَّمٍ. (امام صادق (ع) به نقل از ابوبصیر فرمودند: شیعیان ما اهل پرهیزکاری و کوشش در عبادت و وفا و امانتداری و زهد و عبادت‌اند؛ در شبانه روز پنجاه و یک رکعت نماز می‌گذارند، شب بیدارند و روز را به روزه می‌گذرانند، زکات مالهایشان را می‌پردازند. و به زیارت خانه خدا می‌روند و از هر حرامی دوری می‌کنند.) صفات الشیعة، حدیث اول، وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۱، «کتاب الصلاة»، باب ۱۳ از «ابواب اعداد الفرائض»،

سنت. چنانچه از حدیث «علائم مؤمن»^(۱) نیز همین ظاهر شود. ۵.

* * *

عبادات، هر چه مشقت داشته باشد، مرغوب است و «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَحْمَرُهَا»^(۲). مثلاً در زمستان سرد، شب از خواب ناز گذشتن و به عبادت حق تعالی قیام کردن، روح را بر قوای بدن چیره می‌کند و اراده را قوی می‌کند. و این در اول امر، اگر قدری مشکل و ناگوار باشد، کم‌کم پس از اقدام، زحمت کم می‌شود، و اطاعت بدن از نفس زیاد می‌شود. چنانچه می‌بینیم اهل آن بدون تکلف و زحمت قیام می‌کنند، و این که ما تنبلی می‌کنیم و بر ما مشکل و شاق است، برای آنست که اقدام نمی‌کنیم؛ و اگر چند مرتبه اقدام کنیم، کم‌کم زحمت مبدل به راحت می‌شود. بلکه اهل آن، التذاز از آن می‌برند بیشتر از آن التذازی که ما از مشتهیات دنیایی می‌بریم. پس به اقدام نفس عادی می‌شود «الْحَيْرِ غَاذَةٌ» و این عبادت چندین ثمره دارد. یکی آن که خود صورت عمل در آن عالم به قدری زیبا و جمیل است که نظیر آن در این عالم نیست، و از تصور آن عاجزیم. و دیگر آن که نفس، صاحب عزم و اقتدار می‌شود و این نتایج کثیره دارد که یکی از آنها را شنیدید. و دیگر آن که انسان را کم‌کم مأنوس با ذکر و فکر و عبادت می‌کند. شاید مجاز به حقیقت نزدیک کند انسان را، و توجه قلبی به مالک الملوک شود و محبت به جمال محبوب حقیقتی پیدا شود، و محبت قلب و تعلق آن از دنیا و آخرت کم گردد. شاید اگر جذبۀ ربوبی پیدا شود و

۱- حدیث امام عسکری (ع) مدرک سابق، ص ۴۲، حدیث ۲۹.

۲- «برترین کارها سخت‌ترین آنهاست.» بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۱۹۱. «کتاب الایمان و الکفر» باب ۵۲ ذیل

حالتی دست دهد، نکته حقیقی عبادت و سرّ واقعی تذکر و تفکر حاصل آید، و هر دو عالم از نظر افتد و جلوۀ دوست، غبار دویینی را از دل بزداید، و جز خدا کسی نمی داند که با همچو بنده‌یی خدا چه کرامت کند، و چنانچه در ریاضات شرعیه و عبادات و مناسک و ترک مشتهیات، عزم، قوّت گیرد، و انسان صاحب عزم و اراده شود، در معاصی طبیعت غلبه کند و عزم و اراده انسان ناقص شود. ۶



■ آداب نماز

مقدمات نماز

بدان که مسواک نمودن، که در این حدیث شریف جناب رسول اکرم، صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وصیت به آن فرمودند، یکی از آداب مستحبه شرعیه است مطلقاً، و در مواقع خاصه مؤکد است؛ مثل قبل از وضو و نماز، و در وقت قرائت قرآن، و وقت سحر، و وقت برخاستن از خواب. و در اخبار شریفه سفارش بلیغ و تأکید تام درباره آن شده است، و از برای آن خواص و آثار بسیار ذکر شده است؛ و ما به ذکر بعضی از آن این اوراق را متبرک می‌کنیم.

کافی به سناده عن أبي عبد الله، عليه السلام، قال: في السواك اثنتا عشرة خصلَةً: هُؤِمِنَ السُّنَّةُ، وَ مَطَهَّرَتِ اللَّفْمَ، وَ مَجَلَّأَتِ لِلْبَصَرِ، وَ يُرْضِي الرَّبَّ، وَ يَذْهَبُ بِالتَّلْمَمِ، وَ يَزِيدُ فِي الحِفْظِ، وَ يَبَيِّضُ الأَسْنَانَ، وَ يُضَاعِفُ الحَسَنَاتِ، وَ يَذْهَبُ بِالحَقْرِ، وَ يَشُدُّ اللُّثَّةَ، وَ يَشْهِي الطَّعَامَ، وَ يَفْرَحُ بِهِ المَلَائِكَةُ. (۱) فرمود: «در مسواک دوازده خصلت است: از سنت رسول خداست؛ (چنانچه در اخبار کثیره است که مسواک از سنن پیغمبران است) (۲) و پاکیزه کننده دهان است؛ و روشنی چشم را زیاد کند؛ و خدای تعالی را راضی

۱- فروع کافی، ج ۶ ص ۳۹۵-۳۹۶، «کتاب الزی و التجميل»، «باب السواک»، حدیث ۶

۲- خصال، ج ۲، ص ۳۳۹، باب ۱۰، حدیث ۵۱

می‌کند؛ و بلغم را می‌برد؛ و حافظه را زیاد می‌کند؛ و دندانها را سفید می‌نماید؛ و حسنات را مضاعف می‌کند؛ و بثورات و جوشهایی که در پی دندان است زائل می‌کند؛ و لثه‌ها را محکم می‌کند؛ و اشتهای به طعام [را] زیاد می‌کند؛ و ملائکه را خشنود و فرحناک می‌کند. و در حدیث دیگر نیز قریب به این مضمون وارد است. و این بثورات و قرحه‌ها، که در این حدیث شریف وارد است، عبارت است از جوشها و قرحه‌های کوچکی که در بن دندانها پیدا شود، و چرکی سفید و متعفن در آن تولید می‌گردد که در وقت جویدن غذا آن بثورات منفجر شده و از آن چرکها مخلوط به غذا شده اسباب کثیری از امراض، از قبیل سوءهضم و غیره، گردد. و اطباء حاضر آن را «پیوره» گویند؛ و به آن خیلی اهمیت می‌دهند، حتی آنکه برای معالجه آن محتاج به کشیدن دندانها شوند. پس، انسان با قطع نظر از جهات غیبیه باطنیه، که اعظم آنها رضایت حق است، برای حفظ صحت و تنظیف نیز باشد، خوب است به آن مواظبت کند و به این سنت مستمره انبیا قیام کند. و در حدیث است که رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، فرمود: «این قدر جبرئیل به من سفارش مسواک نمود که من بر دندانهای خود ترسیدم.»^(۱) و فرمود: «اگر بواسطه مشقت نبود، من بر امت خود واجب می‌کردم مسواک را قبل از وضو و هر نمازی.»^(۲) و جناب رسول اکرم، صلی الله علیه و آله، آب وضو و مسواک خود را [زیر] بالین سر مبارک می‌گذاشتند در شبها، و سر ظرف آب وضو را با چیزی

۱- عن أبي عبدالله (ع) قال قال رسول الله، صلى الله عليه وآله: أوصاني جبرئيلُ، عليه السلامُ، بالسُّواكِ حتى غُفْتُ على

أسناني، فروع كافي، ج ۶، ص ۴۹۶، «كتاب الزی و التجميل»، «باب السواك»، حدیث ۸.

۲- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): لَوْلَا أَنِّي أَشَقُّ عَلَى أُمَّتِي، لَأَمَرْتُهُمْ بِالسُّواكِ مَعَ كُلِّ صَلَاةٍ. وسائل الشيعة، ج ۱، ص ۳۵۵، «كتاب

الطهارة»، باب ۵ از «أبواب السواك»، حدیث ۳.

می‌پوشاندند؛ و وقتی از خواب ناز بیدار می‌شدند، مسواک می‌کردند و وضو می‌گرفتند و چهار رکعت نماز می‌خواندند و می‌خوابیدند؛ و پس از آن بیدار می‌شدند و مسواک می‌کردند وضو می‌گرفتند و نماز می‌خواندند. جناب صادق، علیه‌السلام، پس از ذکر این حدیث فرمود: «شما نیز تأسی نیکو کنید به رسول خدا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ»^(۱) و در حدیث است که دو رکعت نماز با مسواک افضل است از هفتاد رکعت بدون مسواک حتی آنکه مستحب است اگر انسان فراموش نمود مسواک را قبل از وضو بعد از آن به جا آورد و پس از آن سه مرتبه مضمضه کند^(۲). و اخبار در این باب بسیار است؛ هر کس طالب است به کتب اصحاب مراجعه کند^(۳).

* * *

در اخبار متواتره از طریق اهل بیت عصمت، علیهم‌السلام، وارد است کیفیت وضوی رسول خدا، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، که با یک غسله بوده^(۴). و از

۱- عن أبي عبدالله (ع) قال: إن رسول الله، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كان إذا صَلَّى العشاء الآخرة، أَمَرَ بوضوئه وسواكه، فيوضغ عند رأسه مخمراً؛ فبیر قُدماً شاء الله؛ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ، ثُمَّ يَرْقُدُ؛ ثُمَّ يَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي. ثُمَّ قَالَ: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ. وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۲۵۶، «كتاب الطهارة»، باب ۶ از «ابواب السواك»، حدیث ۱.

۲- عن أبي عبدالله، عَنِ ابْنِهِ (ع) قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): رَكَعَتَانِ بِسِوَاكِ أَفْضَلُ مِنْ سِتِّعِينَ زَكَاةً يَغْتَبِرُ بِسِوَاكِ. عن مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنِ السِّوَاكِ بَعْدَ الْوُضُوءِ. فَقَالَ الْإِسْتِثْنَاءُ قَبْلَ أَنْ يَتَوَضَّأَ. قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ نَسِيَ حَتَّى يَتَوَضَّأَ قَالَ: يَسْتَاكُ، ثُمَّ يَتَمَضَّمُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۱۲۲-۱۲۳، «كتاب الاداب و السنن»، «باب السواك و الحث عليه»، حدیث ۳۲، ۳۴.

۳- وسائل الشيعه، ج ۱، ص ۲۵۳، ۲۵۵-۲۵۶، «كتاب الطهارة»، باب ۳، ۵-۶.

۴- امام صادق (ع) فرمود: وَاللَّهِ مَا كَانَ وَضُوءُ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا مَرَّةً مَرَّةً. (به خدا سوگند، وضوی پیامبر جز آن نبود

ضروریات فقه است اجزاء یک غرفه از برای وجه، و یک غرفه برای غسل دست راست، و یکی برای دست چپ. و اما با دو غرفه یا دو غسله محل خلاف است^(۱)؛ حتی از صاحب وسائل استفاده شود فتوای به عدم جواز، یا تأمل در عدم جواز^(۲). و از بعضی دیگر نقل خلاف شده است^(۳). گرچه جواز دو غسله نیز محل تأمل نیست، و شهرت عظیمه^(۴) و اخبار کثیره^(۵) دلالت بر استحباب آن دارد، لیکن بعید نیست افضلیت یک غسله، منتها غسله‌ای که شاداب کند محل را (ولیکن) با سه غسله یعنی سه دفعه شستن، به طوری که در هر دفعه موضع غسل را آب فرا گیرد، بلا اشکال بدعت و حرام و مبطل وضو است اگر بافضل آن مسح کند. و در اخبار اهل بیت، علیهم السلام، وارد است که غسل سوم بدعت است، و هر بدعتی در آتش است (ع). ۸.

که بر هر عضوی یک بار آب می‌ریخت. و مسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۸، «کتاب الطهارة»، باب ۳۱ از ابواب «وضو» حدیث ۱۰ همچنین حدیث ۱۱ و ۱۲.

۱- در «غسله» دوم سه قول هست؛ اکثر فقها حکم به استحباب آن کرده‌اند، و از برخی حکم به جواز و از برخی دیگر حکم به عدم جواز نقل شده است.

۲- چنانچه در عنوان باب می‌فرماید: باب اجزاء الغرفة الواحدة فی الوضوء و حکم الثانیة و الثالثة. و مسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۶، «کتاب الطهارة»، باب ۳۱.

۳- ابن ادریس حلی قائل به عدم جواز شده است. مختلف الشیعة، ج ۱، ص ۲۸۲.

۴- جواهر، ج ۲، ص ۲۶۶.

۵- و مسائل الشیعة، ج ۱، ص ۲۷۳، «کتاب الطهارة»، باب ۱۵ از ابواب «وضوء»، حدیث ۳. و نیز همان کتاب، ج ۱، ص ۳۱۰، «کتاب الطهارة»، باب ۳۱ از ابواب «وضوء»، حدیث ۲۸-۲۹.

۶- امام صادق (ع) فرمود: الوضوء واحدة فَرَضَ، واثنتان لا یُوجِبُ، و الثالث بدعة. (یک بار شستن واجب، و دو بار شستن کاری است بی‌پاداش، و سه بار شستن بدعت است.) و مسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۰۷، «کتاب الطهارة»، باب ۳۱ از «ابواب وضوء» حدیث ۳، امام صادق (ع) از پیامبر نقل فرمود: کل بدعة ضلالة، و کل ضلالة فی النار. (هر

اجزاء نماز

- تکبیرة الاحرام

اینکه در حدیث شریف وارد است که «بر تو باد به بلند کردن دستها در نماز و برگرداندن و تقلیب نمودن آن» ظاهر آن است که رفع دست در وقت تکبیرات باشد. و مقصود از «تقلیب» آن محتمل است باطن کفها را به سوی قبله متوجه کردن باشد؛ چنانچه یکی از مستحبات، رفع دست است در وقت تکبیر، و شاید از رفع ید در این حدیث مقصود رفع در وقت قنوت باشد؛ و مقصود از تقلیب آن باشد که باطن کفها را به سوی آسمان قرار دهد؛ چنانچه فقها، رضوان الله علیهم، فتوا به استحباب آن دادند و در دلیل آن مناقشه کردند. گرچه بعد از سیره قطعیه متشرعه، به طوری که از قنوت گویی جز این ترتیب چیز دیگر نمی فهمند و به رفع یدین مطلقاً هر طور اتفاق افتد کفایت نکنند، احتیاج به دلیل دیگر نیست. بالجمله، اظهر در این روایت شریفه احتمال اول است. و بدان که مشهور بین فقها، رضوان الله علیهم، استحباب رفع دستهاست در تکبیرات. و بعضی قائل به وجوب شدند بواسطه ظاهر بعضی اوامر و اخباری که در تفسیر آیه شریفه «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ» وارد شده، که این «نحر»ی که خدای تعالی امر به آن فرموده رفع دست است در وقت تکبیرات.^(۱) ولی شواهد کثیره در اخبار است که دلالت بر استحباب آن می کند؛ مثل تعلیلاتی که وارد است در آنها، خصوصاً روایت فضل بن شاذان از حضرت رضا،^(۲) سلام الله علیه؛

بدعتی کمراهی است و هر کمراهی در آتش جای دارد. اصول کافی، ج ۱، ص ۷۲، «کتاب فضل علم»، «باب بدعتها و رای و قیاسها»، حدیث ۱۲.

۱- تفسیر نورالثقلین، ج ۵، ص ۶۸۲-۶۸۴، تفسیر سوره «کوثر» حدیث ۱۷-۱۹.

۲- عن الرضا (ع) قال: إِنَّمَا تُرْفَعُ أَيْدِيَانِ بِالتَّكْبِيرِ لِأَنَّ رَفْعَ الْيَدَيْنِ ضَرْبٌ مِنَ الْإِيْتِهَالِ وَ التَّجَبُّلِ وَ التَّضَرُّعِ، فَأَحَبُّ إِلَهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ

علاوه بر آنکه صحیحۀ علی بن جعفر^(۱) نص است در عدم وجوب، و این اخبار با قطع نظر از قرائن صارفه ظاهرند در وجوب، و طریق جمع، حمل بر استحباب است تحکیماً لِلنَّصِّ عَلَى الظَّاهِر. و آن روایت گرچه رفع ید را از غیر امام برداشته و ممکن است دعوی کرد که ظاهر آن است که متعرض حال امام و ماموم است و از فرادئی ساکت است و منافات ندارد که رفع واجب باشد بر همه، و لکن رفع ید امام کفایت می‌کند از مأمومین؛ چنانچه قرائت امام مجزی است از قرائت آنان. و بنابراین احتمال، که اظهر احتمالات است در روایت، خدشه بعضی محققین متأخرین نیز وارد نشود که مستلزم حمل مطلق بر مقید شود؛ ولی مع‌ذلک، عدم قول به این تفصیل، و زهاب مشهور قدیم و جدیداً، و قرائن خارجی و داخلی، مجالی برای بحث باقی نگذارد. و تا این اندازه از وظیفۀ این اوراق نیز خارج بود؛ ولی مع‌ذلک، که این رفع ید یکی از آداب مستحبه است، سزاوار نیست که انسان حتی المقدور آن را ترک کند؛ خصوصاً در مثل چنین مستحباتی که در میان علما قول به وجوب هم دارد، که بنابراین احتیاط در دین هم اقتضا می‌کند که انسان آن را ترک نکند. ۹.



يَكُونُ التَّبَدُّ فِي وَقْتِ ذِكْرِهِ لَهُ مُتَّبِعًا مُتَّصِرًا مُبْتَهَلًا. وَ لَأَنَّ فِي رَفْعِ الْيَدَيْنِ إِخْضَارَ النَّبِيِّ وَ إِقْبَالَ الْقَلْبِ. وَ سَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۴، ص ۷۲۷، «كتاب الصلاة»، باب ۹، از «أبواب تكبيرة الاحرام»، حديث ۱۱.

۱- عن علي بن جعفر، عن أخيه، موسى بن جعفر، عليه السلام، قال قال: عَلِيُّ الإِمَامِ أَنْ يَرْفَعَ يَدَهُ فِي الصَّلَاةِ؛ لَيْسَ عَلَيَّ غَيْرُهُ أَنْ يَرْفَعَ يَدَهُ فِي الصَّلَاةِ. (علی بن جعفر از برادرش، موسی بن جعفر (علیهما السلام)، روایت کند که فرمود: «بر امام لازم است که دستش را در نماز بالا آورد؛ و غیر امام لازم نیست چنین کند.» و سَائِلُ الشَّيْخَةِ، ج ۴، ص ۷۲۶، «كتاب الصلاة»، باب ۹.

شما ملاحظه بفرمائید که نماز که در راس همه عبادات واقع است. وضع نماز چطور است. با تکبیر شروع می‌شود و بعد هم با سه دفعه تکبیر به آخر می‌رسد و محتوای نماز هم تکبیر است و تسبیح است و تحمید. ۱۰

- سجده

سجده کردن شیعه به تربت حسینی سجده برای خداست همانطور که تمام مسلمین سجده بر خاک می‌کنند بی‌کم و کاست منتهی آنکه اینها ثواب سجده به تربت را بیشتر می‌دانند. ۱۱

- تشهد

اگر احترام به رسول خدا شرک است، پس اول مشرک خود پیغمبر اکرم است و اول مشرک خدای تبارک و تعالی است که احترام پیغمبر را تا آنجا بالا برده است که در نمازها اسم او هست و اگر نباشد در بعضی جاهایش، باطل می‌شود نماز. اگر بعد از شهادت یا فوت حضرت رسول صلی الله علیه و آله، اگر بعد از فوت ایشان به نظر این آخوند^(۱) و دوستان نادان این آخوند وابسته به دربار احترام پیغمبر شرک است، پس در نماز که بعد از فوت رسول اکرم همه مسلمین می‌خوانند و سلام به رسول اکرم می‌دهند، همه مسلمین، حتی خود آخوند هم مشرک است اگر نماز بخواند. ۱۲



وساوس شیطانی

از اینها بدتر و فزیحتر و سوسه‌ بعضی است در نیت نماز و «تکبیرة الاحرام»؛ زیرا که در آن مرتکب چندین محرّم می‌شوند و خود را از مقدسین محسوب می‌دارند و با این عمل برای خود مزیت قائل می‌شوند! در این نیت که تمام اعمال اختیاریه را بدون آن نمی‌توان اتیان کرد، و یکی از اموری است که لازمة اعمال اختیاریه است و انسان نمی‌تواند یکی از اعمال عبادیه یا غیر عبادیه را بدون آن اتیان کند، با این وصف، به اختلاف شیطنت آنها و تسلط شیطان بر آنها، از یک ساعت تا چند ساعت گاهی گرفتار حصول این امر ضروری الوجود هستند و آخر الامر حاصل نمی‌شود! آیا این امر را باید از خطرات شیطنیه و اعمال ابلیس لعین دانست که این بیچاره را افسار کرده و امر ضروری را بر آن مختفی نموده و او را مبتلا به محرّمات کثیره، از قبیل قطع صلاة و ترک آن و گذشتن وقت آن، نموده، یا از طهارت باطن و قدس و تقوا باید محسوب داشت؟ و از شئون و سوسه یکی اقتدا نکردن به کسانی است که به حکم نص و فتوا محکوم به عدالت هستند و ظاهر آنها صالح و به اعمال شرعیه مواظب هستند و باطن آنها را خداوند عالم است و تقفیش از آن لازم نیست، بلکه جایز نیست، با این وصف، شخص و سواسی را شیطان مهار می‌کند و در گوشه مسجد از جماعت مسلمین کناره گرفته فرادئی نماز می‌خواند! و معطل می‌کند عمل خود را به اینکه شبیه می‌کنم، به دلم نمی‌چسبد! ولی در عین حال از امامت مضایقه ندارد! با آنکه کار امامت سخت‌تر و جای شبیه در آن بیشتر است، ولی چون موافق هوای نفس است در آن شبیه نمی‌کند! و از شئون و سوسه، که ابتلای به آن زیاده‌تر است، و سوسه در قرائت است که به واسطه تکرار آن و تغلیظ در ادای حروف آن گاهی از قواعد تجویدیه خارج می‌شود؛ بلکه صورت کلمه بکلی تغییر می‌کند!

مثلاً «ضالین» را به طوری ادا می‌کند که به قاف شبیه می‌شود! و حاء «رحمن و رحیم» و غیر آنها را به طوری در حلق می‌پیچد که تولید صوت عجیبی می‌کند! و بین حروف یک کلمه را منفصل می‌نماید به طوری که هیئت و ماده کلمه بکلی به هم می‌خورد و از صورت اصلی خود منسلخ می‌شود. بالاخره نمازی که معراج مؤمنین و مقرب متقین و عمود دین است از جمیع شئون معنویه و اسرار الهیه آن غفلت شده و به تجوید کلمات آن پرداخته، و در عین حال از تجوید کلمات سر به فساد آنها در آورده به طوری که به حسب ظاهر شرع نیز مُجزی نخواهد بود. آیا با این وصف اینها از وساوس شیطان است، یا از فیوضات رحمن که شامل حال وسواسی مقدس نما شده است؟ این همه اخبار درباره حضور قلب عملاً و عملاً فهمیده است همان وسوسه در نیت و کشیدن مدّ «وَلَا الضَّالِّينَ» را بیش از اندازه مقرر و کج نمودن چشم و دهان و غیر آن را در وقت ادای کلمات [است]! ۱۳

* * *

■ نماز جمعه و جماعت

اهمیت نماز جمعه و جماعت

بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت‌کننده
در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

قبلاً باید تشکر کنم از آقایانی که از راه‌های دور برای این مقصد شریف به کشور خودشان، به کشور تحت ستم در طول تاریخ و به کشوری که برای پیشبرد مقاصد اسلامی متحمل رنج و شهادت شدند تشریف آوردند، تشکر کنم و از خدای تبارک و تعالی توفیق همه را برای آرمان‌های بزرگ اسلامی هرچه بیشتر عنایت بفرماید. در این اجتماعاتی که از آقایان محترم ائمه جمعه و جماعات کشورهای مختلف در ایران شده است مسائل لابد تا حد وافی راجع به گرفتاری‌های مسلمین و راه‌های علاجی که باید اتخاذ بشود، گفته شده است و دیگر جای گفتن نمانده است. من به یک نکته‌ای آقایان را توجه

می‌دهم و آن سیره رسول اکرم (ص) و ائمه مسلمین است. رسول اکرم (ص) در آن وقتی که تنها بود و هیچ کس با او نبود، الا یک نفر، دو نفر، در آنوقت با وحی الهی مردم را دعوت کرد منتظر نشد که عده و عده زیاد پیدا کند، منتظر نشد که جمعیت‌ها همراه او باشند. از همان اول شروع به دعوت کرد و شروع به دعوت مردم برای گرویدن به اسلام و برای پیدا کردن راه حق فرمود. آنوقت هم که به مدینه تشریف آوردند و تشکیل حکومت دادند باز هم منتظر این نشدند که قدرت زیاد پیدا بکنند. دعوت خودشان را به طور گسترده‌تری بجا آوردند مردم را به وظایف شخصی و اجتماعی، سیاسی دعوت کردند. دعوت‌های قرآن هم در مکه مکرمه و هم در مدینه مشرفه دعوت‌های شخصی بین فرد و خدای تبارک و تعالی نبود. می‌شود گفت که بی‌استثنا دعوت‌های خدا حتی در آن چیزهایی که وظایف شخصی افراد است، روابط شخصی افراد است بین خود و خدا از معنای اجتماعی و سیاسی برخوردار است. بعد از رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، ما ملاحظه می‌کنیم که در زمان‌هایی که ائمه مسلمین علیهم‌السلام در فشار سخت بنی‌امیه و بنی‌عباس بودند مطالب خودشان را آنطور که ممکن بود به مردم می‌رساندند، حتی در ادعیه آنها. شما اگر ادعیه امام سجاد و سایر ائمه را ملاحظه بفرمائید مشحون است از اینکه مردم را بسازند برای یک امر بالاتر از آن چیزی که مردم عادی تصور می‌کنند. دعوت به توحید، دعوت به تهذیب نفس، دعوت به اعراض از دنیا، دعوت به خلوت با خدای تبارک و تعالی، معنی‌اش این نبوده است که مردم توی خانه‌هایشان بنشینند و از مصالح مسلمین غفلت کنند و مشغول ذکر و دعا باشند. چنانچه خود آنها که ملاحظه می‌کنید، اینطور نبودند. پیغمبر اکرم در عین حالی که وظایف شخصی خودش را بجا می‌آورد و خلوت‌ها با خدای تبارک و تعالی داشت، تشکیل حکومت داد و به انحاء عالم

برای دعوت آدم فرستاد و مردم را دعوت کرد به دیانت و دعوت کردند به اجتماع، اینطور نبود که بنای او این باشد که بنشینند توی خانه و ذکر بگویند. ذکر می‌گفت، لکن همان ذکر هم خودسازی بود. دعا می‌کرد، ولی همان دعا هم، هم خودسازی و هم مردم‌سازی بود و مردم را تجهیز می‌کرد برای مقاومت. تمام ادعیه‌ای که در لسان او و ائمه مسلمین واقع شده است، تمام این ادعیه در عین حالی که دعوت به معنویات است، از راه دعوت معنویات تمام مسائل مسلمین اصلاح می‌شود مع‌الاسف اعوجاج واقع شد یا واقع کردند و شاید در صدر اسلام هم بنی‌العباس بیشتر این کار را کردند، اعوجاج واقع شد در مصالح اسلامی و در مطالب اسلامی، این قرآن کریم که در بین ید مسلمین هست و از صدر اول تا حالا یک کلمه، یک حرف در او زیاد و کم نشده است، این قرآن را وقتی که به عین تدبیر مشاهده بکنید می‌بینید که مسأله، مسأله این نیست. دعوت برای این بوده است که مردم توی خانه بنشینند و ذکر بگویند و با خدا خلوت کنند؟ آن بوده است، لکن انحصار نبوده است. مسأله، مسأله دعوت به اجتماع، دعوت به سیاست، دعوت به مملکت‌داری و در عین حال که همه اینها عبادات است، عبادت جدای از سیاست و مصالح اجتماعی نبوده است. در اسلام تمام کارهایی که دعوت به آن شده است جنبه عبادی دارد. حتی در کارخانه‌ها کار کردن در کشاورزی، کشاورزی کردن و در مدارس تعلیم و تربیت کردن، همه‌شان مصالح اسلامی است و جنبه عبادی دارد ... [اما] از صدر اسلام، مصالح اسلام را همانطوری که قرآن شریف فرموده است پیاده کنند، [نکردند] چون می‌دیدند که با قدرت‌های خودشان مخالف است. از آن اول آنچه را از قرآن می‌دیدند با مصالح خودشان مخالف است چون نمی‌توانستند از قرآن بردارند، تعبیر می‌کردند، کج معنا می‌کردند. به روحانیونی که وابسته به خودشان بود و ادار می‌کردند که اینها را کج معنا

کنند، منحرف کنند قرآن را از آن چیزی که هست. ولی بحمدالله قرآن ماند بین مسلمین و نتوانستند قرآن را تحریف کنند و بردارند، اگر می توانستند، می کردند. لکن یکی از آنهایی که می خواست یک حرف را از قرآن بردارد یک عربی شمشیر را کشید گفت: با این شمشیر ما جواب می دهیم. نگذاشتند قرآن شریف دست بخورد و همانطوری که در زمان رسول الله وارد شد الان هم همان است، به غیر او نیست. بنابراین ما یک همچو کتابی داریم که مصالح شخصی، مصالح اجتماعی، مصالح سیاسی، کشورداری و همه چیزها در آن هست. البته با آن تفسیرهایی که از اهل تفسیر وارد شده است و ما به رأی خودمان نمی توانیم قرآن را تأویل کنیم. ... «إِنَّمَا يَعْرِفُ الْقُرْآنَ مَنْ خُوِّطَ بِهِ»^(۱) ما از طریق وحی و از طریق وابستگان به وحی قرآن را اخذ می کنیم و بحمدالله از آن راه هم غنی هستیم. لکن انحرافات که از قدرتمندان در اول تا حالا واقع شده است و حالا ما مبتلای به آن هستیم این انحرافات است که آقایان ملاحظه می کنند که برخلاف قرآن مجید، دعوت به تفرقه، دعوت به جدائی، قرآن مجید می فرماید که: «وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»^(۲) آنها دعوت به تفرقه می کنند.

ما از آمریکا و شوروی همچو توقعی نداریم که خلاف قرآن عمل نکند، آنها بنایشان بر این است که قرآن را بکوبند، آنها بنایشان بر این است که اسلام را بکوبند. آنها ایران را که می کوبند نه از باب اینکه ایران است، از باب اینکه اسلام را ایران خواسته است. مبلغین آنها و رادیوهای آنها و مطبوعات آنها که ایران را اینطور مشوه دارند در بین دنیا می کنند، برای ایران نیست. ایران اگر یک قدم طرف آمریکا برود یا یک قدم طرف شوروی برود همه مداح او

۱- بحار الانوار ج ۴۶، ص ۳۴۹ و تاریخ الامام محمدالباقر، در باب ۲۰ حدیث ۲

۲- آل عمران / ۹۹

خواهند شد، چون برخلاف آنهاست. تمام رسانه‌های گروهی تقریباً بر ضد ایران گاهی تصریح به اینکه اسلام در ایران خطرناک است، چنانچه می‌بینید که تصریح به این هم می‌کنند. عمال آنها که نمی‌توانند تصریح به این معنا بکنند که اسلام مخالف است، ایران را می‌گویند مخالف اسلام است. شما آقایانی که از اطراف آمده‌اید، از اطراف دنیا آمده‌اید، علما هستید باید متشبث به آن سیره‌ای بشوید که پیغمبر اکرم و ائمه اسلام بین ما گذاشته است که حتی آن روزی که دست‌هایشان بسته بود و نمی‌توانستند یک کلمه برخلاف سیاست دولت وقت بگویند، با ادعیه‌شان مردم را دعوت می‌کردند دعا می‌کردند، با دعا مردم را دعوت می‌کردند و هر روزی که فرصت می‌کردند، در هر فرصتی دعوت را تصریحاً می‌کردند، ما باید به آنها تشبث پیدا بکنیم، به قرآن کریم تشبث پیدا بکنیم. قرآن کریم دعوت به وحدت می‌کند، دعوت به این می‌کند که مخالف با هم نباشید که فشل^(۱) بشوید. و مع‌الاسف بعضی از روحانیون وابسته به دولت‌های اسلامی دعوت به فشل می‌کنند، می‌خواهند فشل ایجاد کنند. در یک مرکز اسلامی به اسلام نمی‌توانند حمله کنند به ایران که می‌خواهد اسلام را پیاده کند حمله می‌کنند. آن قاضی‌ای که در حجاز یا در مصر یا در سایر جاها برخلاف قرآن کریم دعوت می‌کند، لکن لایه طوری که صریح باشد، ضمناً برخلاف قرآن کریم دارد دعوت می‌کند و مسلمین را از هم جدا می‌کند، آن قاضی، قاضی جوراست و شما باید آنها را سر جای خودشان بنشانید. شما که بر می‌گردید به ممالک خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه، در ادعیه‌ای که می‌خوانید خطبه‌های شما همانطور که در صدر اسلام خطبه‌ها یک جنبه سیاسی داشته است، نماز جمعه یک اجتماع سیاسی است. نماز جمعه یک عبادت سرتاپا سیاسی است و مع‌الاسف در جاهایی انسان

۱- فشل: به معنی سستی و سرافکنگی.

می بیند که در نماز جمعه ابدأً مربوط به چیزهایی که ملت‌ها به آن احتیاج دارند، چیزهایی که مسلمین، اجتماع مسلمین بر آن احتیاج دارد، خبری نیست. نماز جمعه‌ها را همانطوری که در صدر اسلام مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می‌انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجائی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح‌ریزی می‌شد. از مسجد، مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود، مع‌الاسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد و با دست ما آن طرح‌هایی که برای ما ریخته بودند با دست خود ما پیاده شد و ما دیدیم آنچه که، مسلمین دیدند آنچه که باید ببینند و امروز باید بیدار بشوند مسلمین. می‌توانند به صراحت وقتی که می‌بینند حکومت‌شان بر خلاف اسلام عمل می‌کند، بگویند. نمی‌توانند، با دعا، با خطبه و به طور کلی با ظالمین، به طور کلی با متجاوزین، با مخالفین اسلام معارضه کنند. خطبه‌ها را نگذارند یک چند تا دعا باشد و یک چند تا ذکر باشد و این چیزها، همانطوری که تا حالا بوده است، خطبه‌ها را محتوایش را قوی کنید. شما قوی هستید، - شما - مردم همراه شما هستند، مردم همراه حکومت‌های جور نیستند، مردم همراه با علما هستند، شما قوی هستید، شما هر کدام در محل خودتان همان قدرتی دارید که روحانیون ایران در اینجا دارند. آنها عمل کردند در مقابل یک قدرتی که در منطقه نظیر نداشت، در مقابل یک قدرتی که هیچ یک از قدرت‌های منطقه شبیه به او نبودند. همین مردم کوچه و بازار ما و همین کشاورزان و کارگران ما به واسطه تعلیمات اسلامی که علمای اسلامی به آنها داده بودند و دادند بیدار شدند و هجمه^(۱) کردند بر یک همچو قدرتی و

۱- هَجْمَة: به معنی هجوم و حمله.

او را شکستند و او را بیرون کردند، شما هم می‌توانید. ننشینید که برای شما حکومت‌هایتان کار کنند، آنها برای خودشان کار می‌کنند، شما اسلام را باید تقویت بکنید. شما باید در کشورهای خودتان، در خطبه‌های نماز جمعه خودتان که برای همین مقصد نماز جمعه بپا شده است، در ادعیه خودتان، در زیارات خودتان، در هر چه رفت و آمد دارید مصالح اسلامی را طرح بکنید، مصالح اجتماعی مردم را طرح بکنید، مصالح اجتماعی مردم را طرح بکنید. مسائل خصوصی نگوئید، مسائل اجتماعی را بگوئید. بگذارید اگر شما این را گفتید نمازتان را تعطیل کنند، مردم عکس‌العمل نشان می‌دهند. اگر دولتی به واسطه خطبه‌های نماز جمعه، نماز جمعه شما را تعطیل کنند، با عکس‌العمل مردم مواجه می‌شود و همانی است که ما می‌خواهیم. منتظر نشوید که یک لشکری پیدا بکنید - نمی‌دانم - یک اسلحه‌ای پیدا بکنید، جنگ نمی‌خواهید بکنید، شما مصالح مسلمین را می‌خواهید بگوئید. شما انتظار نکشید که اول قدرت پیدا بکنید بعد بگوئید، شما بگوئید تا قدرت پیدا بکنید. ایران همین کار را کرد، ایران گفت تا قدرت پیدا کرد، نه اینکه نشست تا قدرت پیدا بکند، اگر نشسته بود تا ابد هم نمی‌شد. در مقابل آن قدرتی که محمدرضا داشت و آن پشتیبانی‌ای که همه از او می‌کردند، علمای ایران ننشستند تا اینکه اول اجتماع پیدا کنند، بعد قیام کنند. علمای اسلامی اول دعوت کردند مردم را و در هر فرصتی نترسیدند و در منبر و پائین و مسجد مردم را دعوت کردند تا قدرت پیدا کردند، شما هم همین کار را بکنید. می‌توانید، اگر خیال کنید نمی‌توانید، بدانید که نخواهید توانست. به خودتان تزریق کنید که می‌توانید و بدانید که خواهید توانست. هر عملی اولش فکر است. هر کاری اولش تفکر و تأمل در اطراف کار است. اگر ما در روحمان ضعف باشد، نمی‌توانیم کاری بکنیم، روح را قوی کنید، قلب خودتان را قوی کنید، به خدا منقطع بشوید. اینهمه

ادعیه‌ای که وارد شده است و همه را دعوت کرده است باینکه اتکال به خدا بکنید برای اینکه او مرکز قدرت است. اینهمه دعوت شده است که به کس دیگری غیر خدا متشبث نشوید، برای اینکه به شما تزریق کنند قوت را، که شما یک پشتوانه عظیم دارید و او خداست. کسی که خدا را دارد، از چه باید بترسد؟ شمایی که برای خدا بخواهید کار بکنید از چه قدرتی می‌ترسید؟ می‌ترسید که شهید بشوید؟ شهادت ترس دارد؟ می‌ترسید حبس بشوید؟ حبس در راه خدا ترس دارد؟ می‌ترسید شکنجه بشوید؟ شکنجه در راه خدا اشکال دارد؟ ایران در راه خدا همه چیز دیده معذک دست برداشت، و این روحانیون بودند که مردم را بسیج کردند و مردم متحول شدند و امروز از آن بچه کوچولوئی که تازه زبان باز کرده است تا آن پیرمردی که چند جوان از دستش رفته، یکصدا بر ضد قدرت‌های بزرگ صحبت می‌کنند و قیام کردند. نتوانید، نگوئید. هیچ وقت فکر نکنید که نمی‌توانید، همیشه فکر کنید که می‌توانید، همیشه فکر کنید که خدا با شماست، همیشه فکر کنید که اسلام شرف شماست و این اسلام باید به دست شما تقویت بشود. اگر سست بیائید، قدرت‌های بزرگ اسلام را می‌خواهند از بین ببرند، برای اینکه در ایران فهمیدند که اگر اسلام در منطقه بیاید، آنها راهی ندارند، ولی مع‌الاسف بعضی علمای منطقه نفهمیدند و حکام منطقه هم که نخواهند فهمید. دائماً دعوت به این می‌کنند که چه خطر بزرگی است ایران، ایران اگر قدرت پیدا کند خطر بزرگی است، بله خطر بزرگی است اما برای امریکا و شوروی، نه برای مسلمین، برای مسلمین رحمت است. شما ملاحظه می‌کنید الان آنطوری که در خارج به شما گفته بودند که در رسانه‌های گروهی همه جا در مطبوعاتشان گفته بودند که ایران امنیت اصلش نیست، توی خیابان‌ها مردم را می‌کشند، بچه‌های کوچک را می‌کشند توی خیابان‌ها، زن‌های آبستن را

می‌کشند، شما آمدید اینجا حبس‌ها را دیدید، اگر در جبهه‌ها رفتید جبهه‌ها را هم لابد دیدید، دیدید که جبهه‌های ما مسجد است الآن جبهه‌های ما از مسجد بیشتر الان ذکر خدا گفته می‌شود. جنگ با مثل صدام یک عبادت الهی است. شما اوضاع ایران را به خارج بگوئید، دعوت کنید مردم را به اینکه نظیر ایران قیام کنند، بگوئید ایران چه وضعی است. آنها می‌گویند که در حبس‌ها شکنجه‌های قرون وسطائی، نمی‌دانم چه، خوب البته امریکا باید این را بگوید. امریکائی که دنیا را دارد شکنجه می‌کند، امریکائی که به همان شکنجه‌های بدتر از قرون وسطائی دارد دنیا را از بین می‌برد و همین‌طور شوروی، آنوقت می‌گویند که در ایران حد الهی جاری می‌کنند، کارهای قرون وسطائی می‌کنند، اینها اسلام را قرون وسطائی می‌دانند. مسلمین که حفظ کنند اسلام را و ننشینند تا دیگران برایشان حفظ کنند، دیگران حفظ نمی‌کنند. ابرقدرت‌ها بر ضد اسلام الان کمر بسته‌اند و قدرت‌های پوشالی دیگری هم همین‌طور. اینکه دولت مصر دعوت می‌کند اعراب را به اینکه مجتمع بشوید برخلاف ایران، ایران را مقصودش هست؟ ایران خطر است؟ ایران برای آنها خطر است یا اسلام؟ اینکه دعوت می‌کند اعراب را مجتمع بشوید یعنی دعوت می‌کند که همه اجتماع کنند برخلاف اسلام، برای اینکه اسلام را آنها بر ضد منافع خودشان می‌دانند. آقایان ائمه جمعه! آقایان ائمه جماعات! علمای اسلام در سرتاسر عالم! توجه کنید که امروز همه قدرت‌ها بر ضد اسلام قیام کرده‌اند، نه بر ضد ایران. توجه کنید که تکلیف همه ما زیاد است در این زمان. اگر فرصت پیدا بکنند و شما توجه‌تان کم بشود اسلام را امروز ریشه‌کن خواهند کرد. امروز غیر از دیروز است. دیروز نفهمیده بودند قدرت اسلام را، امروز فهمیده‌اند که در یک جای کوچکی مثل کشور ایران وقتی که صدای اسلام بلند شد، حتی در آمریکا هم این صدا بلند شد، این را فهمیده‌اند. امروز منافعشان

هم در خطر است، ماشکی نداریم. برای اینکه آنها می‌خواهند بیایند خلیج فارس را هم بگیرند، نفت‌های همه را ببرند، اسلام مانع از این است. امریکا می‌خواهد قدرتش را بر همه دنیا تحمیل کند. از آن ور هم شوروی، خدا می‌داند که اگر مقابل امریکا شوروی نبود به سر دنیا چه می‌آورد و اگر مقابل شوروی آمریکا نبود به سر دنیا چه می‌آوردند. اینهایی که حالا می‌صحبت می‌کنند از حقوق بشر و صحبت می‌کنند از صلح و صفا و اینها، که می‌دانید، همه شما می‌دانید خودشان هم می‌دانند که دروغ می‌گویند، اینها برای این است که جلب توجه مردم را به خیال خودشان به طرف خودشان بکنند در مقابل شوروی، آن هم در مقابل امریکا. والا نه آنها صلح مردم را می‌خواهند، نه آنها مصالح مردم را، همه مصالح خودشان را می‌خواهند. آن که مصالح مردم را می‌خواهد، آن اسلام است. آن که خط بطلان کشیده است بر اختلاف نژادی، آن اسلام است. آن که مابین هیچ نژادی فرق نمی‌گذارد و همه را می‌گوید که باید تقوا داشته باشید و آن چیزی که میزان است تقواست، نه رنگ است و نه نژاد است و نه کشور است و نه هیچ چیز، آن اسلام است. و اینها می‌خواهند این نباشد. اینها می‌خواهند که نژادهای دیگر را زیر بار خودشان ببرند و اسلام مخالف است. آنها می‌خواهند که مصالح اسلام را مصالح مسلمین را خودشان تشخیص بدهند و عمل کنند یعنی مصالح خودشان را، اسلام مخالفش است. البته ما به صراحت می‌گوئیم که ایران و اسلام مخالف است با مصالح امریکا و شوروی، آن مصالحی که خیال می‌کنند که ایران هم باید تبع او بشود. ما استقلال خودمان را حفظ می‌کنیم، آزادی خودمان را حفظ می‌کنیم و ما امیدواریم که پرتو این استقلال و آزادی به همه دنیا بیفتد و مستضعفین جهان از زیر بار مستکبرین بیرون بروند و این یک چیزی است که به عهده‌ی علمای اسلام است. من از خدای تبارک و تعالی سعادت و

سلامت برای همه مسلمین جهان مسئلت می‌کنم و حتی سعادت مستضعفین، ولو اینکه از اسلام نیستند، آن هم خارج شدنشان از زیر بار مستکبرین از خدای تبارک و تعالی مسئلت می‌کنم و امیدوارم که خدای تبارک و تعالی شما علمای اسلام را تأیید کند که به مصالح اسلامی فکر کنید و از کسی نترسید از غیر خدای تبارک و تعالی و کسی را ذو قدرت ندانید، همه قدرت از اوست و همه چیز از اوست و ما هیچ و همه هیچ هستیم. ۱۴. والسلام علیکم ورحمة الله

* * *

تحقیقاً احیای نماز جمعه در ایران از مسائل بسیار مهم است. نماز جمعه موجب می‌شود تا مسائل فراموش شده در اسلام به بهترین وجه برای مردم گفته شود. در قدیم اگر یک روحانی راجع به امور سیاسی مردم صحبت می‌کرد، می‌گفتند رهایش کنید او سیاسی است، که این نوع فکر بلاشکال از شیاطین داخل و خارج بوده است. آنها به ما باورانده بودند که روحانی باید عبادت را سر بکشد و فقط برود مسجد نماز معمولی‌اش را بخواند. روحانی حق دخالت در هیچ امری را نداشت. ولی واقعیت این است که ما تابع حضرت رسول و ائمه علیهم السلام هستیم که همه امور دست آنها بود، حکومت تشکیل دادند مردم را هدایت نمودند. بحمدالله امروز وارد مسائل سیاسی شدن دیگر عیبی ندارد، ولی باید توجه کنید که همه متوجه شما هستند، لذا زنی اهل علم خودتان را حفظ کنید. درست مانند علمای گذشته ساده زندگی کنید. در گذشته چه طلبه و چه عالم بزرگ شهر زندگی‌شان از سطح معمولی مردم پائین‌تر بود و یا مثل آنها بود. امروز سعی کنید زندگی‌تان از زنی آخوندی تغییر نکند. اگر روزی از نظر زندگی از مردم عادی بالاتر رفتید بدانید که دیر یا زود مطرود می‌شوید. برای اینکه مردم می‌گویند ببینید آنوقت نداشتند که

مثل مردم زندگی می‌کردند، امروز که دارند و دست‌شان می‌رسد از مردم فاصله گرفتند. باید وضع مثل سابق باشد. باید طوری زندگی کنیم که نگویند طاغوتی هستیم. مسأله دیگر خطبه‌های نماز جمعه است. باید مردم را امر به تقوا کنید. امر به تقوا در خطبه اول واجب است و در خطبه دوم بنا بر احتیاط واجب است. مسائل اخلاقی را به مردم بگویید و آنها را به داشتن اخلاق اسلامی ترغیب کنید. مطالب روز را برای مردم بگویید. آنچه در طول یک هفته در کشور اتفاق می‌افتد، آنها را برای مردم بگویید. مردم را در صحنه نگه دارید که آنچه انقلاب و ایران را حفظ کرده حضور مردم در صحنه است. در تمام دنیا مردمی به خوبی ایران پیدا نمی‌شود. امروز مردم پشتیبان انقلاب اسلامی و دولت هستند. پشتیبانی مردم از دولت به خاطر این است که دولت را اسلامی می‌دانند و می‌دانند که طرفداری از دولت، طرفداری از اسلام است. تنها به این خاطر است که از دولت پشتیبانی می‌کنند. این پشتیبانی را باید حفظ کنید، ائمه جمعه در سراسر ایران بالاترین اجتماع را دارند. از این اجتماعات استفاده کنید و جهات شرعی و سیاسی را به مردم تذکر دهید. آنان را در مقابل شیاطین مجهز کنید. ۱۵

* * *

نماز جماعت، اجتماع مردم در یک محلی، این برای این است که اینها مطلع بشوند از حال مملکت خودشان، مطلع بشوند از حال برادرهای خودشان، گرفتاری‌هایشان را اطلاع پیدا بکنند و رفع بکنند. ۱۶

* * *

نماز جمعه یک عبادت سیاسی و اجتماعی است که در هر هفته مردم اجتماعات زیاد بکنند و مسائلشان را حل بکنند در آنجا. ۱۷.

* * *

این نماز جمعه یک نماز جمعه سیاسی است. یک اجتماعی سیاسی است که مع الاسف در سال‌های طولانی از دست ما رفته بود و مورد طعن دیگران هم شده بود. ۱۸.

* * *

نماز جماعت را انسان خیال می‌کند خوب یک عبادتی است که با هم جمع می‌شوند یک نمازی را می‌خوانند لکن در این نماز جماعت‌ها مسائل سیاسی باید طرح بشود. ۱۹.

* * *

مسجد مرکز اجتماع سیاسی است و از این قدری وسعتش زیادت، می‌شود نماز جمعه. در هر هفته همه مجتمع بشوند در یک جایی، به حسب اختلافات، این شهر کوچکی است به اندازه وسعت خودش، یک شهر بزرگی است مثل تهران به این ترتیبی که هست، این یک اجتماع بزرگتر در هر هفته، آن اجتماع کوچک در هر روز چند دفعه، این یک اجتماع بزرگ در هر هفته یک دفعه، با خطبه‌ها و با روشنگری‌ها. ۲۰.

* * *

نماز جمعه عبادت است لکن عبادتی که مدغم در سیاست است، سیاست،
در عبادت مدغم است. ۲۱

* * *

ملت عظیم و عزیز با شرکت خود باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیم‌تر
و بلندپایه‌تر حفظ نمایند تا به برکت آن توطئه‌های خائنانه و دسیسه‌های
مفسدان خنثی شود. ۲۲

* * *

امام جماعتش هم معتبر است که عادل باشد، امام جمعه‌اش هم باید
عادل باشد. ۲۳

* * *

اگر در نماز کوتاهی بشود و هر کس بگوید خوب من خودم تنهایی می‌روم
در خانه‌ام می‌خوانم، خیر نماز را در جماعت بخوانید اجتماع باید باشد.
مساجد را پر کنید، اینها از مساجد می‌ترسند. اینها بیخ گوش شما می‌گویند که
این آخوند که از او کاری نمی‌آید، مسجد می‌روید چه کنید خودمان می‌رویم و
فلان جا نماز می‌خوانیم. نماز نمی‌خواهند بخوانند، می‌خواهند نماز را
بشکنند نماز می‌خوانند، با این نمازهایی که در مسجدها می‌روند و
نمی‌گذارند که مسلمان‌ها نماز درست خودشان را بخوانند، با این نمازها
می‌خواهند نماز را بشکنند. ۲۴

* * *

در هر روز اجتماعات در تمام مساجد کشورهای اسلامی از شهرستان‌ها گرفته است تا دهات و قراء و قصبات، روزی چند مرتبه اجتماع برای جماعت و برای اینکه مسلمین در هر بلدی، در هر قصبه‌ای از احوال خودشان مطلع بشوند، از احوال مستضعفین اطلاع پیدا کنند. ۲۵

* * *

محتوای خطبه‌ها

انشاءالله تعالی ضمن اقامه نماز، اهالی محترم منطقه را در خطبه به وظایف حساس و خطیری که در این برهه از زمان دارند آشنا و آگاه سازید. ۲۶

* * *

باید سعی شود خطبه‌ها پر محتوا باشد. در خطبه‌ها هم باید امر به تقوا و اینگونه مسائل رعایت شود و هم مردم را به وحدت و حضور در صحنه دعوت نمایند. ۲۷

* * *

نماز جمعه یک اجتماع سیاسی در عین حالی که عبادت است، در خطبه نماز جمعه باید مسائل سیاسی روز طرح بشود، گرفتاری‌های مسلمانان‌ها طرح بشود. ۲۸

* * *

باتوجه به وضع زمان و احتیاج مسلمانان به آشنائی با مسائل روز و اطلاع از وضع همدیگر و اجتماعات با شکوهتر لازم است جنابعالی^(۱) در کویت اقامه نماز جمعه نموده و بدین وسیله جنابعالی به اقامه این فریضه الهی منصوب می‌شوید. ۲۹

* * *

ضمن انجام این فریضه، مردم را در خطبه‌های نماز به وظایف خطیری که دارند آشنا سازید و از توطئه‌های دشمنان اسلام و مملکت آگاه کنید و به اتحاد و وحدت کلمه دعوت نمایید. ۳۰

* * *

تمام علما و ائمه جمعه و جماعاتی که در تمام کشور هستند و یا امام جمعه هستند یا مبلغ هستند و مشغول به خدمت هستند، مردم را دعوت کنید به تقوا، در نماز جمعه در خطبه اول واجب است دعوت به تقوا. با همین عنوان عربی‌اش را بگوئید، فارسی‌اش را بگوئید و مردم را دعوت کنید که متقی باشند و در خطبه دوم هم احتیاط لازم است که مردم را دعوت کنند به تقوا و این دلیل بر این است که این عنایت حق تعالی به تقوا در درجه بالای از سایر عنایتهاست. ۳۱

* * *

اینکه می بینید که در نماز جمعه که بزرگترین اجتماعات است (در اسلام قاعده‌اش بود باشد) و بحمدالله امروز در ایران بزرگترین اجتماعات است، در خطبه امر شده است به اینکه دعوت به تقوا بکنید، این برای اهمیتی است که تقوا دارد. دنبال اینکه توحید را تذکر می‌دهید و صلوات و سلام را بر پیغمبر اکرم «ص» و اولیانش می‌فرستید و از آنها نام می‌برید، در قبال او، امر به تقوا کنید و سرسری از امر به تقوا نگذرند ائمه جمعه، این را یکی از مسائل مهم بدانند. ملت اگر متقی شد می‌تواند که حفظ کند خودش را از همه آفاتی که در دنیا پیش می‌آید. و ائمه جمعه انشاءالله بیشتر توجه بکنند که مردم را دعوت کنند به تقوا. باید مردم را آشنا کرد با آن چیزی که انبیا برای آن آمدند. برای مکارم اخلاق همه انبیا آمدند، «بُعِثْتُ لَأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^(۱) برای تقوا و آدم‌سازی آمدند و حالا که این ائمه جمعه شغل انبیا را که نماز جمعه بوده است و نماز بوده است، در سایر جاها این شغل شریف را متکفل شدند، همت کنند به اینکه مردم را آموزش تقوا بدهند، دعوت به تقوا بکنند. ذکر تقوا و تاریخ تقوا گفتن، این در خطبه جمعه کافی نیست. باید دعوت کنند مردم را به تقوا، وادار کنند مردم را به تقوا، اهمیت بدهند به این خاصه الهی که انبیا برای آن آمدند. ۳۲

* * *

در روز جمعه که اجتماعات می‌شود، دو سوره انتخاب شده است و امام را دعوت کرده‌اند که آن دو سوره را بخواند، در رکعت اول سوره جمعه و در

رکعت دوم سوره منافقین. در سوره جمعه راجع به بعثت رسول اکرم و سَرِّ بعثت رسول اکرم ذکر می‌فرماید که پیغمبر اکرم مبعوث شده‌اند از برای اینکه: «وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»^(۱) بعثت برای این است که مردم را تزکیه کنند. مقدم بر تعلیم حکمت و تعلیم کتاب، تزکیه را ذکر فرموده است که آیات را بر آنها بخواند تا آنکه آنها تزکیه بشوند و تعلیم بکند کتاب را بر آنها و حکمت را بر آنها عرضه بدارد و تعلیم کند آنها را. در سوره جمعه سَرِّ بعثت رسول اکرم را ذکر می‌فرماید. سَرِّ بعثت رسول اکرم تزکیه امت است و تعلیم و تربیت است، آن هم تعلیم تمام قشرهای تعلیم که کتاب و حکمت تمام قشرهای تعلیمات را واجد است. بعد از آنکه تعلیم و تربیت را ذکر کرده است، ذکر علماء سوء را می‌فرماید، آنهایی که علم را آموخته‌اند لکن عمل به آن علم نمی‌کنند و با بدترین وجه از آنها اسم برده است: «مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْبَةَ ثُمَّ لَمْ يُحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْجَارِ يَتَحَمَّلُ لُحْمًا أُغْفِرًا»^(۲) مَثَل آنها که عالم شده‌اند، لکن علم در آنها اثر خودش را نگذاشته است مثل الاغی می‌ماند که بارش کتاب باشد. وقتی که علم در انسان تأثیر نکند و انسان را انسان نکند این حمل کتاب، چه در سینه‌ها باشد و چه در پشت باشد مثل اینها، مثل آن اشخاص است، مثل حیوانی هست، مثل الاغی هست که کتاب به دوش او باشد. همانطور که کتاب برای آن حیوان هیچ فایده ندارد، این علمی که دنبالش تعهد نباشد، دنبالش عمل نباشد، دنبالش رشد فکری نباشد، دنبالش هدایت مردم نباشد، این نظیر همان است که به دوشش کتاب باشد بلکه به دوش یک حیوان، یک الاغ کتاب باشد. در اینجا این را ذکر می‌فرماید برای تذکر به مردم به اینکه عالم سوء را از عالم

۱-سوره جمعه / ۳.

۲-سوره جمعه / ۵.

غیر سوء تمیز بدهند و برای تذکر به عالم که تکلیف خودش را بفهمد. ۳۳

* * *

در هر هفته یک اجتماع بزرگ از همه در یک محل و نماز جمعه که مشتمل دو خطبه است که در آن خطبتین باید مسائل روز، احتیاجات کشور، احتیاجات منطقه و جهات سیاسی، جهات اجتماعی، جهات اقتصادی طرح بشود و مردم مطلع بشوند بر این مسائل. ۳۴

* * *

نماز جمعه که نمایشی از قدرت سیاسی و اجتماعی اسلام است باید هر چه شکوهمندتر و پرمحتواتر اقامه شود. ملت ماگمان نکنند که نماز جمعه یک نماز عادی است. ۳۵

* * *

آن کسی که هفته‌ای یک دفعه منبر می‌رود و نماز جمعه می‌خواند و خطبه می‌خواند باید مسائل سیاسی مسلمین را در آنجا طرح بکند و بگوید و آن چیزهایی که، مثلاً اشتباهاتی که از دولت‌ها واقع می‌شود، در آنجا طرح بشود و مردم را هدایت کند هم به زندگیشان و هم مبدأشان و هم معادشان و هم چیزهایی که در زندگی لازم دارند. ۳۶

* * *

در خطبه نماز جمعه باید مسائل سیاسی روز طرح بشود، گرفتاری‌های مسلمان‌ها طرح بشود، در نماز جماعت هم اینطور است. ۳۷.

* * *

وقتی جماعت برود و اشخاص مؤثر بروند، مردم بروند همه بروند آنجا مجتمع بشوند و در آنجا خطیب برایشان مسائل روز را بگوید و مسائلی که، مشکلاتی که دارند بگوید، این حل می‌کند مطالب را. ۳۸.

* * *

در خطبه نماز جمعه مقدرات مملکت باید بیان بشود، مسائل سیاسی که در مملکت جریان باید پیدا کند، مسائل اجتماعی که در مملکت باید جریان پیدا کند، گرفتاری‌های مسلمان‌ها، اختلافات مسلمان‌ها در آن خطبه‌ها باید طرح بشود و رفع بشود. جنایات امثال محمدرضا خان باید در این خطبه‌های جمعه گفته بشود و انتقاد بشود. راه‌هایی که ممکن است با آن راه‌ها این جانی‌ها را از بین برد، در نماز جمعه باید گفته بشود. ۳۹.

* * *

در خطبه‌ی روز جمعه اینطور نبود که فقط یک سوره و دعائی بخوانند و چند کلمه‌ای بگویند. با خطبه‌های جمعه بسیج سپاه می‌شد و از مسجد به میدان جنگ می‌رفتند، و هر کسی که از مسجد به میدان جنگ برود فقط از خدا

می‌ترسد و بس، و از کشته شدن و فقر و آوارگی نمی‌ترسد، و چنین سپاهی سپاه فاتح و پیروز است. هرگاه خطبه‌هایی را که راجع به جمعه است و خطبه‌های حضرت امیر (ع) را ملاحظه کنید می‌بینید که بنابراین بوده که مردم را براه بیندازند و به حرکت در آورند و به مبارزه برانگیزند، برای اسلام، فدائی و مجاهد بسازند و گرفتاری‌های مردم دنیا را برطرف کنند. ۴۰

* * *

وظایف و صفات ائمه جمعه

مردم را متحول کنید. علاج این است که مردم را آگاه کنید و متحول کنید، دعوت کنید به تقوا، دعوت کنید به ارزش‌های انسانی. ارزش‌های انسانی در طاغوت عبارت از این است که چند تا سگ دارد و چند تا اتومبیل دارد و چند تا پارک دارد و چند تا نوکر دارد. تمام ارزش‌های انسانی را زیر پا گذاشتند. و شما مردم را آگاه کنید، در این سمینارها راه را پیدا کنید و مردم کشورهای خودتان را از مسائل، از مسائل سیاسی بالخصوص. نترسید از این چهار تا درباری که می‌گویند آخوند نباید در سیاست دخالت کند. ایران بحمدالله الان اکثریت قاطع اهل علمش در سیاست دخالت می‌کنند، در امور اجتماعی دخالت می‌کنند و آن چندتائی که آن‌ته مانده، از دربار ماندند، آنها هم دیگر از شان کاری نمی‌آید. شما باید ملت را اینطور کنید. ۴۱

* * *

این ائمه جمعه هستند که در بلاد باید این مسائل را به مسلمین بفهمانند و

گمان نکنند که اگر اینها در مجمع عمومی مسلمین این مسائل را طرح بکنند حکومت‌های آنها دیگر بتواند به آنها آزاری بدهد. امروز اگر ائمه جمعه که از همه بلاد اطراف آمده‌اند وقتی که رفتند در بلاد خودشان در همان جمعه اول گرفتاری‌های مسلمین را و اینکه راه گرفتاری چی است گرفتاری چه بوده است، علل گرفتاری چه بوده و راه حل آن چی است و راه نجات چی است به مردم بفهمانند، اگر همه با هم این مسائل را طرح کنند، مطمئن باشید که حکومت‌ها نمی‌توانند شما را آزار بدهند. ۴۲

* * *

ضمن انجام این فریضه الهی مردم را به وظائف خطیری که بخصوص در این برهه از زمان دارند، آشنا سازید. ۴۳

* * *

باید تمام قدرتمان را جمع کنیم که بازیگرها دوباره پیدا نشوند و آقایان ائمه جمعه علاوه بر اینکه با هم سمینار دارند، با سایر علمای بلاد تهران و قم در ارتباط باشند که انتخابات خوب باشد. و این مسأله، مسأله شخصی نیست بلکه برای اسلام و از امور مهمه است و امروز عمده مسئولیت‌ها به عهده شماست و کسی نباید کنار برود و شانه خالی کند. با دولت همکاری و همراهی کنید و استاندارها را تقویت نمائید، منافقین هر چه می‌خواهند بگویند. ۴۴

* * *

تکلیف همه روحانیون، چه خطبائی که منبر تشریف می‌برند، با ائمه جمعه و جماعت و هر کس که با مردم سر و کار دارد و با آنها صحبت می‌کند، این است که وضعیت قیام حضرت سیدالشهدا را به مردم درست بفهمانند که قیام برای چی بود، چه بود و با چه عده‌ای قیام شد و با تحمل چه مصایبی آن قیام به آخر رسید، که به آخر نخواهد رسید. ۴۵

* * *

باید سعی شود بین ائمه جمعه و سپاه پاسداران تفاهم باشد. اختلاف بین امام جمعه و سپاه امری عادی نیست، بلکه دستی در کار است و عده‌ای این کار را می‌کنند تا هم سپاه هم، روحانیت را تضعیف نمایند، و با روش خاصی وارد شده‌اند. باید اشخاصی را مأمور کنید تا اگر در شهری اختلافی بین روحانیت و سپاه است برطرف کنند. ۴۶

* * *

اگر امروز جامعه روحانیت در سرتاسر کشور ما، چه روحانیتی که اشتغال به یک عملی داشته باشند از اعمالی که در جمهوری اسلامی لازم است و چه آنهایی که اشتغال ندارند، چه ائمه جمعه و چه ائمه جماعات و چه علمایی که در غیر این دو شغل هستند و در بین مردم برای ارشاد هستند و چه وعاظ محترم، اینها الان اسلام سپرده به اینهاست. پیغمبر اکرم توجه به این ملت دارد، تمام ذرات کارهای ما تحت نظر خدای تبارک و تعالی است و نامه اعمال ما به حسب روایات عرضه می‌شود به امام وقت، امام زمان سلام‌الله

علیه مراقب ما هستند، مراقب روحانیت هستند که چه می‌کنند اینها. امروز که اسلام به دست آنها سپرده شده است و تمام عذرهای منقطع شده است، نمی‌توانند بگویند نمی‌توانستیم، نمی‌توانند بگویند نمی‌دانستیم، نمی‌توانند بگویند که رژیم شاهنشاهی ما را نمی‌گذاشت کاری انجام بدهیم. همه اینها مرتفع شده است و اسلام به دست شما افتاده است، به دست روحانیون در سرتاسر کشور و تحت مراقبت شدید هستید، مراقبت خدای تبارک و تعالی و مراقبت فرشتگانی که مأمور این کار هستند. «اللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ حَیْطٌ»^(۱) ماه رمضان می‌آید و می‌رود و ماه‌ها یکی پس از دیگری می‌روند و عمرها هم می‌رود، آنچه که باقی می‌ماند آن صفحات اعمال شماست که در قلب شما ثبت است و شاید نامه عمل هم همان باشد، قلب شما نسبت به دنیا چه بوده است، دنیا با قلب شما چه کرده است و شما توجه‌تان به دنیا چه اندازه بوده است. آن روزی که دست‌تان نمی‌رسید زاهد و عابد بودید، آن روزی که دست رسید خدای نخواستہ عکس او بود؟ مراقبت در کار است امروز مسئولیت روحانیت و کسانی که در این لباس مقدس هستند، مسئولیتی است که در طول تاریخ بر عهده روحانیت نبوده است. در طول تاریخ از صدر اسلام تاکنون جمعیت‌های روحانیت اینطور حجتی که بر آنها امروز تمام است، حجت بر آنها تمام نبوده است. در طول تاریخ یک همچو فرصتی برای هیچ کشوری پیدا نشده است و اسلام به دست شما سپرده شده است و از شما می‌خواهند حفظش را، به دست این ملت سپرده شده است و از این ملت می‌خواهند حفظش را. ۴۷.

* * *

امروز غیر از زمان سابق است که روحانیت نمی‌توانست کاری بکند، بلکه روحانیت مسؤل است، نمی‌تواند کنار بنشیند و به دعا و ذکر مشغول گردد. احتیاجات ما زیاد است. احتیاج به تبلیغ و احتیاج به قضاوت و در عین حال که شورای عالی قضائی زحمت کشیده است ولی کمبود قاضی وجود دارد. حوزه‌ها و علما باید همت کنند که درس قضا بگویند و قضات را از فنونی که در سابق مانند زمان حضرت امیر علیه السلام استفاده می‌شد آگاه کنند که مسأله قضاوت تنها یک مسأله علمی نیست بلکه یک مسأله فنی هم هست که گاهی از همین طریق قاضی به اطمینان می‌رسد که در باب قضا حجت است. خلاصه، این مسائل به عدهٔ علما و خصوصاً ائمه جمعه است که همه دست در دست یکدیگر بدهند تا انقلاب محفوظ بماند و مثل زمان مشروطیت نشود که آنها که اهل کار بودند مأیوس بشوند و کنار بروند، که در زمان مشروطیت همین کار را کردند و مستبدین آمدند و مشروطه خواه شدند و مشروطه خواهان را کنار زدند، و عده‌ای که با اسلام سر و کار ندارند به نام اسلام و پیروی از آداب اسلامی روی کار بیایند. ۴۸

* * *

من ان شاء الله امیدوارم که شما، خود آقایان و روحانیون محترمی که سروکار با آقایان دارند، در این اموری که پیش می‌آید هدایت کنند که مبادا خدای نخواستہ یک جوانی توجه به مسائل نداشته باشد و یک کاری انجام بدهد که با جمهوری اسلامی مناسب نیست. باید روحانیون آنها را تذکر بدهند. و یک تذکر هم به روحانیون هست، به ائمه جمعه و جماعات و روحانیون دیگری که با مردم سروکار دارند. آنها هم باید توجه بکنند به اینکه

این جمهوری اسلامی ربطش به آنها بیشتر از دیگران است و این جمهوری اسلامی اگر از (خدای نخواستہ) یک نفر روحانی صدمه ببیند، بیشتر از دیگران مؤاخذہ دارد. باید آقایان توجه بکنند، در رفتارشان در کردارشان، در گفتارشان، چیزهائی که مضر به حال جمهوری اسلامی است، نزنند، مسائلی که با جمهوری اسلامی مخالف است و آنها گمان می‌کنند که نباید هر مسأله‌ای را گفت، نگویند. و باید ما مسائل اسلامی را با طریق اسلامی و شکایات را به طریق اسلامی رسیدگی کنیم یعنی قضات رسیدگی کنند و علمای اعلام هم در همه جا که هستند و خصوصاً ائمه جمعه‌ها که با گروه‌های زیادی سروکار دارند، باید توجه بکنند که در گفتارشان، در رفتارشان همه چیز اسلامی باشد و خدای نخواستہ یک مطلبی که فرض کنید که یک استاندار را در محل خودش تضعیف می‌کند، یک قوه قضائیه را در محل خودش تضعیف می‌کند، از اینها احتراز کنند که ما الان محتاج به این هستیم که در کشورمان آرامش باشد. ۴۹

* * *

وقتی که آقایان خودشان را تهذیب کردند، خصوصاً ائمه جمعه که سروکارشان با توده‌های عظیم مردم است، ائمه جماعت هم هست، اما ائمه جمعه بیشتر الان مورد توجه هستند، آنها باید انشاءالله به مقام عالی تهذیب برسند و مردم را هم دعوت به این مطلب بکنند. تمام آن مسائلی که در اسلام است، حتی مسائل سیاسی‌اش، مسائل تهذیبی است، برای درست کردن آدم است. ما نباید همه مسائل را حالا دنبال مسائل سیاسی قرار بدهیم، باید همه مسائل را دنبال مسائل اسلامی و خصوصاً این وجه

تهذیب مردم [قرار بدهیم]. ۵۰

* * *

بر شما ائمه جمعه و جماعت و بر همه ائمه جمعه‌ها و جماعت‌ها در همه
 قطرهای اسلامی، در همه ممالک اسلامی این مطلب لازم است بلکه فرض است
 که مردم را بیدار کنید و به مردم بفهمانید این معنا را که این نغمه‌ای که در همه
 ممالک اسلامی بلند است که علما نباید دخالت در سیاست بکنند، این یک
 نقشه‌ای است مال ابرقدرت‌ها، مجریش اینها هستند که در داخل کشورها
 هستند. به حرف اینها گوش ندهید و بخوانید به گوش ملت که ملت بهفهمد این
 معنا را که این نغمه، نغمه‌ای است که می‌خواهند علما را از سیاست کنار بزنند
 و آن بکنند که در زمان‌های سابق بر ما گذشته است. بیدار باشیم و همه توجه
 به این معنا داشته باشیم و نسل‌های آینده هم توجه به این معنا داشته باشند
 که راهشان را یک وقت، این راهی که الان مسلمین خودشان این راه را پیدا
 کرده‌اند، این راه را گم نکنند آنها. ۵۱

* * *

آن چیزی که بسیار مورد توجه آقایان باید باشد، این است که مردم را
 ارشاد کنید، مردم را اطمینان بدهید که پیروز هستند و خدای تبارک و تعالی
 وعده‌اش تخلف ندارد. وعده پیروزی داده به کسی که برای خدا قیام می‌کند و
 نصرت می‌کند اسلام و دین خدا را. و جوان‌ها را از اینکه خدای نخواستہ یک
 وقتی به دام این ارادل بیفتند، باید خیلی تحذیر کنید. جوان‌ها و بچه‌ها هم زود

انفعال پیدا می‌کنند از یک صحبتی و نمی‌گذارند آنها هم مسائل ایران به آنها برسد، آنها را نمی‌گذارند گوش کنند به این مسائل، شما در نمازهای جمعه، در جماعات، سایر آقایان در جماعاتشان، در جمعه‌هایشان مردم را اطمینان بدهند که پیروزی هست برای شما. مردم به بحمدالله حاضرند در صحنه و مادامی که اینطور انسجام هست بین مردم و گروه‌های مختلف بین ارتش و مردم، بین روحانیون و ارتش، تا این محفوظ باشد، ایران محفوظ است، هیچ نمی‌شود که کاریش کرد و من امیدوارم که آقایان جدیت کنند مردم را دعوت به تقوا، دعوت به آرامش، دعوت به توجه به مسائل کنند. ۵۲

* * *

از اموری که بسیار اهمیت دارد قضیه این است که علماء بلاد هدایت کنند مردم را همفکری کنند با دولت و ارشاد کنند مردم را و نگه دارند مردم را در این حال نهضتی که هستند و الان در حال انقلابند، مردم را در صحنه نگه دارند و مردم را از اینکه یک اختلافی خدای نخواستہ بخواهند درش ایجاد کنند و در جاهائی ایجاد کنند، مردم را تنبه بدهند به اینکه دست‌های خبیثی هست که می‌خواهند نگذارند این انقلاب به ثمر برسد. از این جهت یکی از امور مهمی که به عهدهٔ علمای بلاد و خصوصاً ائمه جمعه هست همین است که در خطبه‌هایشان که یک فرصتی است که مردم مجتمعند و مطالب را می‌شود گفت و تنبه بدهند مردم را که غفلت نکنند از این دست‌هائی که به خیانت می‌خواهند این انقلاب را متلاشی کنند. ۵۳

* * *

باید خطیب یک آدم روشن‌روشنگر باشد و مردم را به وظائف سیاسی خودشان، به وظائف اجتماعی، به وظائف فرهنگی خودشان آشنا بکند. ۵۴

* * *

علمای اعلام و ائمه جماعات و خطباء محترم بر حجم ارشاد و رهنمودهای خود بیفزایند و قشرهای میلیونی مردم را متوجه طرق نگرهبانی از اسلام و احکام مقدسه آن و حراست از جمهوری اسلامی نمایند و به توده‌های متعهد میلیونی اسلامی لزوم تشریک مساعی در تمام امور کشوری و لشگری و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را گوشزد نمایند و به آنان توصیه کنند که برای کمک به اقتصادی کشور که امروز از اهم مسائل است، از اسراف، تبذیر و استعمال امور تشریفاتی و تجملی اجتناب نمایند و از سپردن پول‌های خود اگر چه اندک باشد به بانک‌های دولتی برای به راه افتادن چرخ‌های اقتصاد و کمک به دولت اسلامی دریغ ننمایند و از کمک کردن به جنگ و جنگزدگان غفلت ننمایند و از شرکت در بسیج مستضعفان و تعلیم و تربیت دیدن برای حراست از اسلام عزیز کوشا باشند. ۵۵

* * *

من از ائمه جمعه در همه بلاد می‌خواهم و علمائی که هم در آن بلاد هستند همراهی کنند و گروهائی را تعیین کنند برای رسیدگی به این امور، رسیدگی به حال این افرادی که می‌خواهند آشوب درست کنند، رسیدگی به حال دادگاه‌ها و احکامی که از دادگاه‌ها صادر می‌شود، چه بسا اشخاصی هستند

که اطلاع قضائی ندارند و خودشان را به طور قاچاق وارد کردند در قضا. قضا شرط دارد و باید نصب بشود از طرف علمایی که بزرگ هستند، اینطور نیست که هر کس هر جا برود قضا را متکفل بشود و حکم بدهد و حکم قتل بدهد و حکم چه بدهد. اینها باید شما آقایانی که در بلاد هستید، خودتان رسیدگی کنید افرادی که از این جناح‌های منحرف وارد شدند در این ارگان‌ها، در قضا، در تقسیم اراضی، در جهاد سازندگی، در همه اینها، افرادی را متعهد، مطلع، بیطرف، این افراد را تعیین کنید تا اینکه اینها بروند رسیدگی بکنند و به شما گزارش بدهند و در صدد تصحیحش برآیید. ۵۶

* * *

ائمه جمعه، ائمه جماعت، روحانیون محترم، اینها باید توجه به این معنا داشته باشند که اینها پدر هستند از برای ملت، اینها با مردم باید سمت پدری داشته باشند، اینها با مردم باید رفتارشان رفتار پدران باشد. بین خودشان برادر باشند، رفتار، رفتار برادری باشد. اجتماع داشته باشند، در هر شهری با هم در هر هفته یک روز، دو روز با هم مجتمع باشند، مسائل خودشان را بگویند. اگر یک خیالی دارند، اگر یک کاری دارند او را بگویند، حل کنند بین خودشان و هیچ وقت یک مسأله‌ای را به خطبه‌های نماز جمعه نکشانند، چه اشکال داشته باشند به فلان استاندار، فلان حاکم یا فلان وزارتخانه و چه اشکال داشته باشند به فلان آدم یا فلان شخص، این جای خطبه نماز جمعه، جای دعوت به حق است و دعوت به تقوا و مصالح مسلمین را در او گفتن، و تعرض به این خرده‌ریزی‌ها، اینها از شأن ائمه جمعه خارج است. پرهیز کنند از این معنا. ۵۷

* * *

امروز مسئولیت بزرگی به دوش همه ماهاست، همه ائمه جمعه، همه ائمه جماعت، همه علمای بلاد. امروز خدا دیگر از ما هیچ عذری را نمی‌پذیرد. اگر ما در چند سال پیش از این عذر داشتیم که ما با سرنیزه نمی‌توانیم مقابله کنیم و اگر یک کلمه بگوئیم حبس است، امروز دیگر تمام این عذرها منقطع شده و خدا حجت را بر ماها تمام کرده است. الان همه شما توانائی دارید که هر کدام محیط خودتان را با تفاهم با مردم و مسئولین امور اصلاح کنید. ۵۸

* * *

ائمه جمعه و جماعات ایدهم الله تعالی در خطبه‌ها و مناظر و سایر گویندگان کوشش فرمایند که آرامش در کشور برقرار باشد و از هر سخنی که موجب نگرانی مردم و تفرقه شود خودداری نمایند و مردم را در پشتیبانی از ملت و تمام ارگان‌های جمهوری اسلامی و نهادهای انقلابی و قوای مسلح و مردمی تشویق فرمایند. ۵۹

* * *

ما برای حفظ اسلام مکلف و مسؤولیم و امروز حفظ اسلام در تفاهم است، تفاهم بین همه اقشار، بین مردم با روحانیون، با استاندارها، استانداران با مردم و روحانیون و این تکلیفی است الهی که باید جواب آن را بدهیم. ۶۰

* * *

اما آن چیزی که لازم است این است که به مردم، به دستجات مختلف، به همه ائمه جمعه، ائمه جماعات، روحانیون سراسر کشور و سایر قشرها این معنا توصیه بشود که در سر یک چیزهایی که مربوط به نفسانیت است نزاع نکنند و این طور نیست که بعضی نزاع‌های نفسانی مربوط به اسلام باشد، به خدا باشد. برای خدا انسان نمی‌شود اهانت کند به مؤمن، برای خدا انسان نمی‌شود که کشف ستر مؤمن بکند، اینها همه برای این است که نفسیت انسان این جور است. ۶۱.

* * *

من از همه آقایان که همه از خودمان هستند می‌خواهم درخواست کنم که هر جا که تشریف دارید، هم با مردم و هم با کسانی که از طرف دولت می‌آیند آنجا، با هم همفکری کنید و کارها را با معاونت هم، با فکر هم پیش ببرید. خدای نخواستہ یک وقت - فرض کنید - یک خطائی از یک اجزای دولتی حاصل می‌شود نصیحتش کنند، یا اگر نصیحت را قبول نکرد به مرکز اطلاع بدهند که این آدم چطور است. ۶۲.

* * *

ائمه جمعه و جماعت باید به مردم بفهمانند که کاری که کرده‌اند زحمت دار است و کسی که بخواهد به جنت و لقاءالله برسد باید زحمت را تحمل کند و دلسرد نشود. امروز حفظ این دولت یک واجب شرعی است. من امیدوارم موفق باشید و همه موفق شوید به این جمهوری اسلامی خدمت کنید و در

تایید همه مقامات و تحکیم وحدت بین خودمان و آشنا کردن مردم به وظایف
خطیرشان کوشا باشیم و من هم امیدوارم به وظیفه خود که دعاگوئی است،
موفق باشم. ۶۳

* * *

شما مردم را ارشاد کنید. اگر در منطقه شما خلاقی پیش آمد به دولت و
مراجع قانونی ارجاع دهید. شما آقایان باید تبلیغاتی را که دشمنان علیه ما
می‌کنند، در نماز جمعه و جماعت جبران کنید و به مردم اطمینان دهید که
امروز دولت و کسانی که در رأس امور هستند کوشش می‌کنند امور را
اصلاح نمایند و مسائل اقتصادی را حل کنند. ۶۴

* * *

مردم را هدایت کنید، مشکلات را طوری کنید که مردم خیال نکنند که ما
الان مشکلاتی داریم که دیگر قابل حل نیست. نه، مشکلاتی هست، البته هست
اما دنبالش هستند و قابل حل است، انشاءالله حل می‌شود همه. ۶۵

* * *

از عموم علمای عظیم الشان و ائمه جمعه و جماعات تقاضا دارم که با
دیده رحمت و عطوفت به جمهوری اسلامی و متصدیان امور نظاره
کنند و با ارشاد و موعظه حسنه، خطاکاران را تربیت کنند و کجی‌ها را

راست فرمایند. ۶۶.

* * *

ائمه جماعت، محکم مساجد را و ارشاد ملت را حفظ کنند و خطبای ملت هم باید منابر خودشان را و موعظه‌های خودشان را و ارشاد خودشان را حفظ کنند و در عین حال مراقب اوضاع مملکت خودشان باشند، چنانچه اهل بازار باید بازار خودشان را حفظ کنند لکن مراقب باشند، اینطور نباشد که ما یک وقت خدای نخواستہ از آن اصلی که اساس حفظ اسلام است رو برگردان بشویم. ۶۷.

* * *

انشاءالله مسؤولین هم با شماها موافقت می‌کنند، شما هم با مسؤولین موافقت می‌کنید در ساختن مملکت و در ساختن مردم. ۶۸.

ای ائمه جمعه بلاد اسلامی و کشورهای اسلامی! باید چه کرد؟ چرا ما به این روز نشانده شدیم که امریکا از آن ور دنیا بیاید و مقدرات کشورهای ما را تعیین کند و مقدرات علمای اسلامی را تعیین کند ولو با دست دیگران و به صراحت بگوید که من منفعت دارم در منطقه و دخالت آشکار در منطقه بکند و مسلمین نشستہ باشند و ناظر باشند؟ ای ائمه جمعه همه بلاد اسلامی! مردم را آگاه کنید، این «چرا» را بین مردم بگوئید، این «چرا» هم به غرب وارد است و هم به شرق وارد است. و چرا شوروی در ممالک اسلامی دخالت می‌کند دخالت نظامی، آمریکا هم همه جور دخالت می‌کند در همه کشورهای که تحت سلطه او هستند یا می‌خواهد تحت سلطه ببرد، هم دخالت نظامی می‌کند،

هم دخالت سیاسی می‌کند و همه جور دخالت. خوب، این چرا ندارد در دنیا؟ این یک میلیارد جمعیت نباید بگویند چرا؟ از این یک میلیارد جمعیت اگر نصف‌شان فریاد بزنند که چرا؟ امریکا کنار می‌رود. آمریکا با دست خود دولت‌های وابسته، با دست خود نویسندگان خبیث و گویندگان فاسد مقاصد خودش را پیش می‌برد و مسلمین نشسته‌اند و این نویسندگان می‌نویسند و این گویندگان می‌گویند و این درباریها و روحانیون درباری کمک می‌کنند به این قدرت‌های بزرگ و مردم نشسته‌اند و گوش می‌دهند و می‌بینند. تکلیف نیست؟ مسلمین دیگر در این عصر تکلیفی ندارند؟ مسلمین تنها هستند؟ ما نباید از تاریخ رسول الله عبرت بگیریم؟ یک نفر آدم پا شد و همچو کارهایی کرد، ما نباید از تاریخ عالم عبرت بگیریم که یک نفر موسی پا شد و با فرعون چه کرد؟ ما باید عبرت بگیریم. آقا آن روز پیغمبر اکرم عده‌ای همراهش نبود، خودش بود و خودش با همه دشمن‌ها، حتی عشیره خودش دشمنش بودند، لکن اتکال به خدا، توجه به او، فنای در او کار را پیش برد. نمی‌شود که انسان هم خود پرست باشد و هم خداپرست، نمی‌شود که انسان هم خودش را ملاحظه کند و هم منافع اسلام را باید یکی از این دو تا باشد، یا باید الهی باشد یا شیطانی، این دو راه است. شما علاج بکنید مردم را به اینکه از این هواهای نفسانی بیرون بروند. اگر حکومت‌هایی که در اسلام به طور غیر قانونی دارند حکومت می‌کنند، از این هواهای نفسانی بیرون بروند و توجه بکنند به عزت اسلام، به ارزش‌های اسلام و برای یک پارک و یک - نمی‌دانم - باغ و یک ملک و یک چه، اسلام را زیر پا نگذارند، مسائل اسلام حل است. ۶۸

ائمه جمعه باید توجه داشته باشند که یکی از مؤثرترین قشرهای جامعه به حساب می‌آیند و باید توجه داشته باشند که مردم گوششان به اینهاست و در اجتماع سعی می‌کنند ببینند امام جمعه چه می‌گوید. ۶۹

* * *

منصب امامت جمعه یعنی منصب تماس روحانیت با ملت و روحانیت با مجلس و دولت و این از اموری است که با دست توانای ائمه جمعه انجام می‌گیرد که امید است هر روز بیشتر و بهتر انجام شود و جمعیت‌ها بیشتر بیایند و این سنت حسنه‌ای باشد که برای مردم و آیندگان محفوظ بماند. ۷۰

* * *

امروز که این اختناق برداشته شده است باید ائمه جماعات و ائمه جمعه‌ها همه‌شان توجه کنند به اینکه تکلیفشان این است که مسائل را به ملت بگویند. توجه بدهند مردم را به مسائل سیاسی، به مسائل اجتماعی. ۷۱

* * *

ائمه جمعه کوشش کنند مردم را به تقوا دعوت کنند، مردم را متقی کنند، مردم را از دنیا و از آمال دنیایی پرهیز بدهند و اگر این معنا را موفق بشوند، موفق می‌شوند که برخلاف آنهایی که بر مصالح اسلام سلطه دارند تجهیز خواهند شد. ۷۲

* * *

اثرات نماز جمعه و جماعت

هر روز اجتماعات در تمام مساجد کشورهای اسلامی از شهرستانها گرفته است تا دهات و قریات، روزی چند مرتبه اجتماع برای جماعت و برای اینکه مسلمین در هر بلدی، در هر قضیه‌ای از احوال خودشان مطلع بشوند، از احوال مستضعفین اطلاع پیدا کنند. ۷۳

* * *

نماز جمعه با شکوهمندی که دارد برای نهضت کوتاه عمر ما یک پشتوانه محکم و در پیشبرد انقلاب اسلامی ما عامل مؤثر و بزرگی است. ۷۴

* * *

اگر هر روز جمعه مجتمع می‌شدند و مشکلات عمومی مسلمانان را بیاد می‌آوردند و رفع می‌کردند یا تصمیم به رفع آن می‌گرفتند کار به اینجا نمی‌کشید. امروز باید با جدیت این اجتماعات را ترتیب دهیم و از آن برای تبلیغات و تعلیمات استفاده کنیم. باین ترتیب، نهضت اعتقادی و سیاسی اسلام وسعت پیدا می‌کند و اوج می‌گیرد. ۷۵

* * *

بحمدالله امروز در سرتاسر کشور نماز جمعه‌ها بسیار خوب است و مردم هم باید بیشتر باز توجه کنند، مردم خودشان را غنی ندانند راجع به

مسائل، این مسائل، مسائلی است که باید بروند و گوش کنند و عمل کند. ۷۶

* * *

امید است مؤمنین محترم نیز از این فرصت استفاده کرده و با اجتماع بیشتر و هرچه باشکوهتر از همکاری در برگزاری و شرکت در مراسم نماز جمعه دریغ ننمایند از خداوند تعالی موفقیت همگان را خواستارم. ۷۷

* * *

اجتماع کنید، نمازهای جمعه را با شکوه بجا بیاورید و نمازهای غیر جمعه را هم. که شیطانها از نماز می ترسند، از مسجد می ترسند. ۷۸

* * *

ملت عظیم و عزیز با شرکت خود، باید این سنگر اسلامی را هرچه عظیمتر و بلند پایه تر حفظ نمایند تا به برکت آن توطئه های خائنانه و دسیسه های مفسدان خنثی شود. ۷۹

* * *

نماز را در جماعت بخوانید، اجتماع باید باشد. ۸۰

* * *

در صدر اسلام هم، نماز جمعه و مساجد چنین وضعی داشتند که اجتماعات وسیله‌ای بودند برای رفع گرفتاری‌های مسلمین و تصمیم‌گیری در مقابله با دشمنان اسلام و شما اگر خطبه‌های آن زمان را مطالعه کنید، می‌بینید که چقدر آنها پرمحتوا بودند. ۸۱

* * *

در صدر اسلام مسائل سیاسی در مسجد به وسیله آنهایی که امام جمعه بودند حل و فصل می‌شد و نقشه‌های جنگ در آنجا کشیده می‌شد. ۸۲

* * *

مسجد مسلمین در زمان رسول خدا (ص) و در زمان خلفایی که بودند ... مرکز سیاست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سیاسی، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سیاست مدن، اینها همه در مسجد درست می‌شده است. شالوده‌اش در مسجد ریخته می‌شده است در زمان رسول خدا و در زمان دیگران و در زمان حضرت امیر سلام الله علیه. ۸۳

* * *

نماز جمعه در اعصار گذشته

مع الاسف ما را رساندند به آنجا که در خطبه‌های جمعه جز چند کلمه موعظه و تحذیر از اینکه نبادا در امور دخالت کنید چیزی نبوده است. یا نماز

جمعه نبود یا اگر بود، محتوا نداشت. ۸۴.

* * *

علماء اعلام، خطباء محترم و ائمه جماعت به عنوان اعتراض و استنکار، در صورت مقتضی اعتصاب نمایند و تا مدت محدودی از رفتن به مساجد و منابر خودداری ورزند و مطمئن باشند که اعتراض دسته جمعی و اعتصاب عمومی نتیجه دارد و دستگاه جبار را عقب می‌راند و لازم است که مردم مسلمان در صورت اعتصاب علماء اسلام که برای حفظ احکام قرآن است از آنان پشتیبانی کنند و در اعتصاب تبعیت نمایند. ۸۵.

* * *

اهتمام بر امر مسلمین این نیست که - این - من بروم نماز بخوانم و او اقتدا کند. این که امر مسلمین نیست، این امر خداست. امور مسلمین عبارت - است - از امور سیاسی و اجتماعی مسلمین. ۸۶.

* * *

شما ملاحظه کنید همین نماز جمعه‌ای که در زمان طاغوت نمی‌شد درست بجا بیاورند، گاهی آهسته در داخل یک مسجدی نماز را می‌خواندند، در صورتی که وضع نماز جمعه این نبود. ۸۷.

* * *

باید ائمه جمعه به مردم القا کنند، قدرت نداشتند، نمی توانستند راجع به فساد حکومت یک کلمه بگویند، نمی توانستند راجع به گرفتاری های عمومی ملت، اجتماعی ملت یک کلمه صحبت کنند. خطبای ما و ائمه جماعت و جمعه ما تماسی که با مردم داشتند یک تماس بسیار محدود و در یک مسائل محدود، و مهمات مسائل اسلام در طاق نسیان گذاشته شده بود از باب اینکه امکان نداشت برای این طوایف نظرهایی که دارند ابراز کنند. ۸۸

* * *

ما در سابق، جماعت و جمعه، جماعت داشتیم، جمعه هم کمی داشتیم، بین برادرهای اهل سنت ما رایج تر بود، لکن نه آنها و نه ما نمی توانستیم مسائل روز را در خطبه های جمعه بیان کنیم، مسائل سیاسی را بیان کنیم از باب اینکه اختناق بود. ۸۹

* * *

مع الاسف قبل از پیروزی انقلاب [نماز جمعه] در بین علمای شیعه بسیار کم جلوه [بود] و برادران اهل سنت هم که اقامه می کردند، خطبه هایشان محدود به حدودی خاص بود. نماز جمعه آنطوری که آقای رئیس جمهور^(۱) سلمه الله فرمودند، از باب اینکه به حسب فتوای فقهی واجب تخییری بود توجه به اینکه این قسم از لنگه تخییر چه اهمیتی دارد، نداشتند و اگر نماز جمعه ای هم در بعضی از بلاد انجام می گرفت، آن چیزی که باید ائمه جمعه به

مردم القا کنند، قدرت نداشتند، نمی توانستند راجع به فساد حکومت یک کلمه بگویند، نمی توانستند راجع به گرفتاری های عمومی ملت، اجتماعی ملت یک کلمه صحبت کنند. خطبای ما و ائمه جماعت و جمعه ما تماسی که با مردم داشتند یک تماس بسیار محدود و در یک مسائل محدود و مهمات مسائل اسلام در طاق نسیان گذاشته شده بود از باب اینکه امکان نداشت برای این طوایف نظرهایی که دارند ابراز کنند. ۹۰

* * *

متأسفانه دست های خائنین به تدریج به کار افتاد و طایفه ای از مسلمانان اصلاً اقامه جمعه را کنار گذاشتند و طوایف دیگری هم که اقامه می کردند بسیار محدود و بی محتوا و تقریباً مسائل آنان به چند جمله نصیحت ختم می شد. ۹۱

* * *

متأسفانه بعضی فریضه نماز جمعه را به یک صورت خشک، مقصور کرده و تجاوز از این حد را ضداسلام می دانند. ۹۲

* * *

نماز جمعه در عصر انقلاب

یکی از مهمترین چیزهایی که در این انقلاب حاصل شد قضیه نماز جمعه

است که در زمان سابق در بین ما مطرود و در بین اهل سنت به طور دلخواه نبود و غالباً تحت نفوذ قدرت‌ها انجام می‌گرفت، که بحمدالله در این نهضت نماز جمعه با محتوای حقیقی آن تحقق یافت و آقایان باید با سفارش به مردم و نسل‌های آینده به این مسأله اهمیت بدهند که نماز جمعه در رأس همهٔ امور است و مردم را مجتمع کنند که در این امر خلیی وارد نشود. ۹۳

* * *

من وقتی نماز جمعه بعضی از شهرهای خوزستان را مثل آبادان و اهواز و دزفول می‌بینم پیش خود مباحثات می‌کنم که بحمدالله اسلام چنین مناطقی را داراست، مناطقی که هر آن احتمال بمباران دارد، جماعتش با آن قدرت تشکیل می‌گردد و امام جماعتش با آن قدرت صحبت می‌کند. جمعه‌های شهرهای جنگی غیر از جمعه‌های تهران و قم و سایر بلاد است، جمعه‌های این شهرها به ایران روحیه می‌دهد. ۹۴

* * *

یکی از برکات این نهضت و انقلاب، همین اقامه نماز جمعه‌هاست. ۹۵

* * *

برپائی نماز جمعه یکی از برکات بسیار عظیم اسلام بود امروز از برکت نماز جمعه است که ملت از خانه‌هایشان بیرون ریخته و در مراکز نماز جمعه

اجتماع و با یکدیگر تفاهم می‌کنند و به مسائل سیاسی و دینی گوش می‌دهند، که این مسأله بسیار ارزشمند است. ۹۶

* * *

شما آقایان به این نماز جمعه اهمیت دهید. این هم از برکات جمهوری اسلامی است که این سنت سیاسی - الهی ترویج شود به طوری که تمام خارجی‌ها متوجه آن شده‌اند که امیدواریم انشاء الله باقی بماند. ۹۷

* * *

این نماز جمعه‌ای که در همه جا هست شما ببینید چه برکتی است این نماز جمعه، واقعاً انسان اگر بگوید که اگر نبود این نماز جمعه (تقریباً مردم را مهیا می‌کند مردم را بیدار می‌کند این نماز جمعه) و اگر نبود این برای ما خیلی کار شده بود. ۹۸

* * *

تحقیقاً احیای نماز جمعه در ایران از مسائل بسیار مهم است. ۹۹

* * *

■ مساجد

اهمیت مساجد

مسجد النبی مرکز سیاست اسلام بوده است و ثقل قدرت اسلامی. ۱۰۰

* * *

همانطوری که پیغمبر توی مسجد زندگی می‌کرد، توی همان مسجد با مردم معاشرت می‌کرد و از همان مسجد هم تجهیز می‌کرد جیوش را برای کوبیدن قدرت‌ها. ۱۰۱

* * *

مسجد پیغمبر اکرم هم مثل این مسجدهای شما نبوده است مسجد اعظم، یک جای کوچکی، یک سقفی با این چیزهای خرما، یک چیزی درست کرده بودند، یک دیوار اینقدری هم برای اینکه مثلاً حیوانات وارد نشوند با یک چیزی گلی یا از همین‌ها درست کرده بودند. اما سرنوشت اسلام را در یک همچو مسجدی درست می‌کردند مسجد بود، همچو نبود که قبه و بارگاه

باشد و میان تهی، از آن تأسیسات خالی، لکن از همان جا روم و ایران را شکست دادند. ۱۰۲

* * *

ایشان وقتی مسجد را درست کرد، آن هم نه یک مسجدهای مجلل، یک مسجد خیلی محقر درست کرد، روی صفّه^(۱) آن مسجد یک صفّه‌ای بود که هیچی هم نداشت آنجا، بسیاری از اصحاب حضرت از آنها که یاران او بودند، آنجا می‌خوابیدند چون منزل نداشتند. ۱۰۳

* * *

خودش هم یک منزل و یک اطاقی با ساقه خرما چند تا اتاق برای خودش و مسجدش هم آنطور و اصحاب حضرت هم یک دسته‌شان که اصحاب صفّه بودند آنهایی بودند که منزل هم نداشتند و می‌آمدند روی سکوئی در آنجا می‌خوابیدند و زندگیشان همین بود. ۱۰۴

* * *

اصحاب صفّه که معروف است اینها یک عده‌ای بودند که توی مسجد از باب اینکه منزل نداشتند توی مسجد می‌آمدند روی صفّه‌ای، یک سکوئی آنجا می‌خوابیدند. ۱۰۵

* * *

در صدر اسلام همان مسجدی که عالم در آن بود، همان مسجد هم ارتشی بود و سردارهای سپاه هم همانجا بودند و با هم نماز می خواندند و با هم اطاعت می کردند و با هم، هم جنگ می کردند یک همچنین وضعی داشت. ۱۰۶

* * *

در صدر اسلام مساجد، محافل و نمازها جنبه سیاسی داشته است، از مسجد راه می انداختند لشکر را به جنگی که باید بکنند و به آنجائی که باید بفرستند. از مسجد مسائل سیاسی طرح ریزی می شد. مسجد محل این بود که مسائل سیاسی در آن طرح بشود، معالاسف مساجد را ما کاری کردیم که بکلی از مصالح مسلمین دور باشد و با دست ما آن طرح هائی که برای ما ریخته بودند با دست خود ما پیاده شد. ۱۰۷

* * *

در صدر اسلام، هر وقت مسلمین می خواستند به جنگ عزیمت کنند، از مساجد تجهیز می شدند و هر وقت که کار مهمی داشتند در مساجد آن را مطرح ساخته و درباره مسائل سیاسی به بحث و گفتگو می نشستند. ۱۰۸

* * *

ارتش اسلام هر جا رفته است و سردارهای اسلام هر جا پا گذاشتند همانجائی که پا گذاشتند اول مسجد درست کردند، وقتی به قاهره رسیدند

اول خط کشیدند برای مسجد و هر جا اینطور بود، مسجد مد رح بود، معبد مطرح بود و ارتش اسلام برای آباد کردن مساجد و محراب‌ها کوشش می‌کردند. ۱۰۹

* * *

مسجد و منبر در صدر اسلام مرکز فعالیت‌های سیاسی بوده است. جنگ‌هایی که در اسلام شده است بسیاری از آن از مسجد طرحش ریخته می‌شد. حضرت امیرسلام الله علیه به حسب خطبه‌هایی که در نهج‌البلاغه جمع شده است - بعضی - خطیب بزرگ و فخر خطباست و با آن خطبه‌های بزرگ مردم را تجهیز می‌کردند برای دفاع از اسلام و همین طور دستورهای عقیدتی و همه چیز در این کتاب مقدس هست. مسجد جائی بوده است که از آنجا شروع می‌شده است به فعالیت‌های سیاسی، منبر هم جائی بوده است که محل خطبه‌ها بوده است، خطبه‌های سازنده و سیاسی. ۱۱۰

* * *

مسجدها در صدر اسلام به این صورتی که بعدش به توسط اشخاص منحرف به این صورت‌های مبتذل درآمد، در صدر اسلام اینطور نبوده است، مسجدها محلی بوده است که از همان مسجد ارتش راه می‌افتاد برای جنگ با کفار و با قلدرها، از همان توی مسجد آنجا خطبه خوانده می‌شد، دعوت می‌شدند مردم به اینکه فلان مثلاً آدم متعدی در فلان جا قیام کرده بر ضد مسلمین یا مال مردم را چپاول می‌کند، قلدری می‌کند، انحرافات دارد و از همان مسجد راه می‌افتادند و می‌رفتند طرف دشمن، از همان جا قراردادها

حاصل می‌شد. ۱۱۱

* * *

این مساجد است که این بساط را درست کرد این مساجد است که نهضت را درست کرد در عهد رسول الله هم و بعد از آن هم تا مدت‌ها مسجد مرکز اجتماع سیاسی بود مرکز تجهیز جیوش^(۱) بود. محراب یعنی مکان حرب، مکان جنگ هم جنگ با شیطان و هم جنگ با طاغوت، از محراب‌ها باید جنگ پیدا بشود چنانچه پیشتر از محراب و از مسجدها پیدا می‌شد. ۱۱۲

* * *

این مسجد الحرام و مساجد در زمان رسول اکرم (ص) مرکز جنگ‌ها و مرکز سیاست‌ها و مرکز امور اجتماعی و سیاسی بوده. اینطور نبوده است که در مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله همان مسائل عبادی نماز و روزه باشد، مسائل سیاسی‌اش بیشتر بوده هر وقت می‌خواستند به جنگ بفرستند اشخاص را و بسیج کنند مردم را برای جنگ‌ها، از مسجد شروع می‌کردند این امور را. ۱۱۳

* * *

اسلام مساجد را سنگر قرار داد. وسیله از باب اینکه از همین مساجد، از

۱- جیوش: جمع جیش به معنی لشکر.

همین جمعیت‌ها، از همین جماعات، از همین جمعه‌ها و جماعات، همه اموری که اسلام را به پیش می‌برد و قیام را به پیش می‌برد مهیا باشد. ۱۱۴

* * *

مسیحیون خیال نکنند که اسلام هم، مسجد هم، مثل کلیساست. مسجد وقتی در آن نماز برپا می‌شده است تکلیف معین می‌کرده‌اند، جنگ‌ها از آن شالوده‌اش ریخته می‌شده است، تدبیر ممالک از مسجد شالوده‌اش ریخته می‌شده است. مسجد مثل کلیسا نیست، کلیسا یک رابطه فردی مابین افراد و خدای تبارک و تعالی (علی زعمهم) است. ۱۱۵

* * *

مساجد بهترین سنگرها و جمعه و جماعات مناسب‌ترین میدان تشکل و بیان مصالح مسلمین می‌باشند. امروز دولت‌ها و سرسپردگان ابرقدرت‌ها اگرچه به جنگ جدی با مسلمانان برخاسته‌اند و همچون دولت هند مسلمانان بی‌گناه و بی‌پناه و آزاده را قتل عام می‌کنند ولی هرگز جرأت و قدرت تعطیل مساجد و معابد مسلمین را برای همیشه ندارند و نور عشق و معرفت میلیون‌ها مسلمان را نمی‌توانند خاموش کنند. در عین حال اگر آنان مساجد و محافل مذهبی و سیاسی علمای اسلام را به تعطیلی بکشانند و حتی علمای اسلام را در ملاء عام به دار کشند، خود دلیل مظلومیت اسلام و موجب توجه بیشتر مسلمانان به روحانیت و پیروی از آن می‌شود. ۱۱۶

* * *

(در ایران) محراب‌ها همانطوری که محراب‌های صدر اسلام بوده است متحول شدند، منبرها همانطور. ۱۱۷

* * *

جوان‌های عزیز رزمنده سنگرها را به مسجد و معبد تبدیل کردند. ۱۱۸

* * *

با حفظ جهات شرعی در مورد زمین مذکور با پیشنهاد حجت الاسلام آقایان خامنه‌ای و هاشمی موافقت می‌شود. انشاءالله در کنار ساختن مصلاهی تهران، در ساختن بینش کفر ستیزی مسلمانان موفق باشید. ضمناً سادگی مصلی باید یادآور سادگی محل عبادت مسلمانان در صدر اسلام باشد و شدیداً از زرق و برق ساختمانهای مساجد اسلام آمریکایی جلوگیری شود خداوند تمامی دست‌اندرکاران برپاکننده مساجد الله را تایید فرماید. (۱) ۱۱۹

* * *

پیامبر اسلام نیازی به مساجد اشرافی و مناره‌های تزییناتی ندارد. پیامبر اسلام دنبال مجد و عظمت پیروان خود بوده است. ۱۲۰

* * *

۱- پاسخ امام خمینی (ره) به نامه مقام معظم رهبری و ریاست محترم جمهوری در مورد ساختن مصلاهی بزرگ تهران.

وظیفه مسلمین در قبال مساجد

مردم در هر روز مجتمع بشوند در مساجد، نه همان مجتمع بشوند این پیرمردها و از کار افتاده‌ها، نه مساجد باید مجتمع بشود از جوان‌ها، اگر ما بفهمیم که این اجتماعات چه فوایدی دارد و اگر بفهمیم که اجتماعاتی که اسلام برای ما دستور داده و فراهم کرده است، چه مسائل سیاسی را حل می‌کند، چه گرفتاری‌ها را حل می‌کند، اینطور بی‌حال نبودیم که مساجدمان مرکز بشود برای چند نفر پیرزن و پیرمرد. وقتی جماعت برود و اشخاص مؤثر بروند مردم بروند همه بروند آنجا مجتمع بشوند و در آنجا خطیب برایشان مسائل روز را بگوید و مسائلی و مشکلاتی که دارند بگوید، این حل می‌کند مطالب را. ۱۲۱.

* * *

در این موقع حساس که بیش از هر وقت دیگر احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، لازم است ملت مسلمان ما در تمام بلاد به مساجد روی آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلامند، زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی نهضت را پیش برند. ۱۲۲.

* * *

[دشمنان فهمیدند] مسجدها مردم را وادار کرد، پس باید مسجدها را ما شروع کنیم بشکنیم، اینکه می‌آیند مسجدها را می‌خواهند خلوت کنند و بیچاره جوان‌ها و متدینین ما هم اشتبهاً به خطا می‌روند، این است که

مسجدها کم کم امسال یک قدری ماه رمضان کم تر باشد، سال دیگر یک خرده کمتر، بعد از ده سال، پانزده سال دیگر چه بشود. آنها عجله ندارند، به تدریج هر چه شد. شما باید هشیار باشید که مسجدهایتان و محراب‌هایتان و منبرهایتان را حفظ کنید و بیشتر از سابق، شمائی که این معجزه را از مسجد دیدید، حالا باید بروید دنبال این مرکز معجزه، نه رها کنید او را. من امروز باید بگویم که تکلیف است برای مسلمان‌ها، حفظ مساجد امروز جزء اموری است که اسلام به او بسته است ماه مبارک رمضان و بعد از ماه مبارک رمضان. هم مسجدها را آباد کنید من در مکه که مشرف بودم یک روز می‌خواستم یک کتابی بخرم که برای آن کتابفروش هم فایده داشت ایستاده بودم اذان گفتند یک دفعه رها کرد گفت که «سنة الحنفیه»^(۱) دیگر با من حرف نزد رفت سراغ نماز، در مدینه بازار را که من دیدم بسته بود، یعنی باز بود لکن هیچ کس نبود، می‌رفتند سراغ نماز، چرا شما نمی‌روید سراغ نماز، چرا ظهر که می‌شود بازار را رها نمی‌کنید که بروید سراغ نماز؟ اگر بروید سراغ نماز، احیاء کنید این سنت سیاسی اسلام را، همانطوری که در روز جمعه حالا بحمدالله می‌روید، روز غیر جمعه هم بروید مساجد را پر کنید، اگر این مسجد و مرکز ستاد اسلام قوی باشد ترس از فانتوم‌ها نداشته باشید، ترس از آمریکا و شوروی و اینها نداشته باشید، آن روز باید ترس داشته باشید که شما پشت بکنید به اسلام، پشت کنید به مساجد. ۱۲۳

* * *

از مسجد باید امور اداره بشود این مساجد بود که این پیروزی را برای

ملت ما درست کرد. این مراکز حساسی است که ملت باید به آن توجه داشته باشند، اینطور نباشد که خیال کنند که حالا دیگر ما پیروز شدیم دیگر مسجد می‌خواهیم چه کنیم، پیروزی ما برای اداره مسجد است ما اگر نماز نباشد و آداب اسلامی نباشد، چه داعی داریم که بیائیم خودمان را به مهلکه بیندازیم و وارد این امور بشویم؟ ما برای اسلام این کارها را می‌کنیم و شما، شما ملت برای اسلام قیام کردید و برای اسلام اینهمه زحمت کشیدید و دارید می‌کشید. مراکزی که مراکز بسط حقیقت اسلام است بسط فقه اسلام است و آن مساجد است اینها را خالی نگذارید. این یک توطئه است که می‌خواهند مساجد را کم‌کم خالی کنند. ۱۲۴

* * *

من تکلیفم را باید ادا کنم به شما بگویم شما دانشگاهی‌ها! شما دانشجوها! همه‌تان مساجد را بروید پر کنید، سنگر هست اینجا، سنگرها را باید پر کرد، محراب به آن می‌گویند یعنی آنجائی که حرب از آنجا شروع می‌شود، محل حرب. ۱۲۵

* * *

ما باید این محتوای عظیم را باز گردانیم و اهتمام به امور مسلمین داشته باشیم و اهتمام به امور مسلمین، تنها مسأله‌گوئی نیست، علاوه بر آنها، امور سیاسی و اجتماعی و سایر گرفتاری‌های مسلمین است که هر کس به آنها اهتمام نکند مسلمان نیست، و شما باید بر تمام امور مسلمین نظارت

داشته باشید و سعی کنید که مساجد ما به حال مساجد صدر اسلام برگردد و توجه داشته باشید که عزلت و کناره‌گیری در اسلام نیست و این امر در یکی از طوایف غیرمسلمین بوده است که متأسفانه در بعضی از جوامع اسلامی رسوخ کرده. ۱۲۶.

* * *

این بازار است که باید درست توجه بکند و قشرهای مختلفی که دارد توجه بکند و مساجد را آباد بکنند و مساجد را پر بکنند از جمعیت‌های خودشان، در ممالک اهل سنت آنکه من دیدم در حجاز وقتی که اذان گفته می‌شود بازارها بسته می‌شود یا باز است و شُرْطَه^(۱) آنها را حفظ می‌کند و می‌روند مسجد الحرام برای نماز یا مسجد النبی برای نماز. ۱۲۷.

* * *

این مساجد باید مرکز تربیت صحیح باشد و مساجد بحمدالله اکثراً اینطوری است اشخاصی که در مسجد می‌روند باید تربیت بشوند به تربیت‌های اسلامی، مساجد را خالی نگذارید آنهایی که می‌خواهند نقشه بکشند و شما را دور کنند از مساجد دور کنند از مراکز تعلیم و تربیت آنها دشمن‌های شما هستند، ماه مبارک نزدیک است در ماه مبارک باید به قدر چندین ماه تربیت بشود «لیلة القدر خیر من الف شهر»^(۲) باید در ماه مبارک تربیت

۱- پلیس

۲- سوره قدر / ۳.

و تعلیم به تمام معنا در همه بُعده‌هایش در مساجد باشد در محافل دیگر باشد، مساجد را خالی نگذارید این‌هائی که صحبت این را می‌کنند که حالا ما انقلاب کردیم برویم سراغ کارهای دیگر، خیر انقلاب از مساجد پیدا می‌شود، از مساجد اینطور امور تحقق پیدا می‌کند، هم دانشگاه‌ها را حفظ کنید هم مساجد را حفظ کنید مناقات با هم ندارند دانشگاهی باشید مسجد هم بروید مساجد را هم تعمیر کنید مساجد را هم آباد کنید از رفتن خودتان ۱۲۸.

* * *

مسجدها را خالی نکنید، تکلیف است امروز، امروز، یک روزی است استثنایی ما در یک مقطعی از عصر واقع شده‌ایم که استثنایی است. ۱۲۹.

* * *

در هر صورت سنگرها را حتی الامکان نباید از دست داد و قیام به وظایف به مقدار امکان لازم است و اگر کوتاهی در آن نکنیم باک نیست. فرضاً با شکست ظاهری مواجه شویم، لکن رضای خدای تعالی را اگر موفق شویم جلب کنیم امور دیگر سهل است. ۱۳۰.

* * *

ای ملت! مسجدهای خودتان را حفظ کنید. ای روشنفکران! مسجدها را حفظ کنید، روشنفکر غربی نباشید روشنفکر وارداتی نباشید ای حقوقدان‌ها!

مسجدها را حفظ کنید. بروید به مسجد، این مسجدها را حفظ کنید تا این نهضت به ثمر برسد، تا مملکت شما نجات پیدا کند، خداوند انشاءالله این مسجدها را برای ما حفظ کند. خداوند انشاءالله روحانیون را برای ما حفظ کند خداوند انشاءالله مخالفین را هدایت کند خداوند انشاءالله ملت ما را سعادت‌مند کند. ۱۳۱

* * *

در این موقع حساس که بیش از هر وقت دیگر احتیاج به اجتماعات اسلامی داریم، لازم است ملت مسلمان ما در تمام بلاد به مساجد روی آورند و نهضت را از راه مساجد که دژهای محکم اسلامند زنده نگه دارند و با شعارهای اسلامی نهضت را پیش برند. ۱۳۲

* * *

شما ای ملت ایران! ای مسلمانان پاک طینت! به احکام نورانی قرآن کریم بیش از پیش گرایش کنید و دست اتفاق و برادری به هم دهید و از اختلافات دست بردارید و برای قرآن کریم و اسلام عزیز فکری کنید، تعلیمات اسلام را نصب العین قرار دهید، مساجد و محافل دینیه را که سنگرهای اسلام در مقابل شیاطین است، هرچه بیشتر گرم و مجهز نگه دارید. ۱۳۳

* * *

اینک بر مسلمین غیور و خصوص نسل جوان روشنفکر است که با کمال جدیت از این نغمه ناموزون خانمان سوز^(۱) اظهار تنفر کنند و مساجد و محافل دینی را هرچه بیشتر گرم کنند و علاقه خود را به اسلام و علما اعلام و وعاظ و خطباء محترم (دامت برکاتهم) بیش از پیش ابراز نمایند و با این اظهار علاقه مشتئی محکم بر دهان عمال استعمار (خذلهم الله) بگویند. ۱۳۴

* * *

مقابله دشمنان با مساجد

در زمان این دو پدر و پسر فاسد^(۲) همه چیز را از روحانیون گرفته بودند و فقط برای آنها مسجدی مانده بود که آن هم از نظر آنها باید زیر نظر فلان بازنشسته اداره می شد و به این ترتیب همه جهاتتان محدود بود و شما نمی توانستید یک کلمه حرف بزنید و مسائلتان را بگوئید. ۱۳۵

* * *

مبارزه با علم و فرهنگ با شدت هرچه بیشتر ادامه دارد و می خواهند ملت بدبخت را به دستور استعمارگران عقب مانده نگه دارند با ادعای اسلام و تظاهر به مسلمانی کمر به نابودی اسلام بسته و احکام مقدسه قرآن را یکی پس از دیگری محو و نابود می کنند علماء اعلام و محصلین علوم اسلامی در تحت فشار عمال استعمار دست و پا می زنند مدارس علوم دینی،

۱- سپاه دین که یک اصل از اصول انقلاب سفید رژیم شاهنشاهی بود.

۲- رضا شاه و محمد رضا شاه پهلوی.

مساجد و محافل اسلامی را می‌خواهند قبضه کنند و این برنامه را مقداری عملی کرده‌اند. ۱۳۶

* * *

از همه اسف بارتر وضع ایران است که رژیم^(۱) آن مأموریت دارد با چاپ قرآن، تظاهر به اسلام، به اسم سپاه دین، سازمان اوقاف و به عناوین فریبنده دیگر یکباره اسلام را ریشه‌کن سازد ملت اسلام را بیش از پیش به ذلت و اسارت بکشد، مسجد و محراب پیامبر اسلام را به صورت بنگاه تبلیغاتی دربار ضد اسلامی خود درآورد و برای اجراء این نقشه‌های شوم به کمک و مساعدت روحانی‌نماهای خود فروخته و سرسپرده نیاز کامل دارد و با همکاری آنان می‌خواهد مساجد و دیگر محافظ اسلامی را قبضه کند، مراسم مذهبی را تحت نظارت و مراقبت خود درآورد و به حوزه‌های علمیه دست یابد. ۱۳۷

* * *

دفاع از حق و اسلام از بزرگترین عبادات است. بگذار عبادتگاه‌های ما را در این شهر مبارک^(۲) به خون بکشند و ببینید که مسلمین با عبادت بزرگتر ماه شریف را می‌گذارند.... مأمورین شاه به مسجد ریخته و به قتل و جرح مردم بی‌دفاع پرداخته‌اند و مسجد را به آتش کشیده‌اند. ۱۳۸

* * *

۱- مقصود رژیم شاهنشاهی است.

۲- ماه رمضان ۱۳۹۸ هـ ق مطابق با ماه مرداد ۱۳۵۷ هـ ش.

مسجد یک سنگر اسلامی است و محراب محل جنگ است - حرب است - این را می‌خواهند از دست شما بگیرند، میزان هم همین نیست که این را بگیرند، اینها مقدمه است، والا هی بروید نماز بخوانید اما اینها از مسجد بد دیدند. ۱۳۹

* * *

مع الاسف به دنبال تبلیغات از صدر اسلام یعنی بعد از یک مدتی تا زمان ما، مساجد یک مساجدی شده بود که اسلام در آنجا محکوم می‌شد. محکوم کردن اسلام به این نیست که یک کسی بگوید من اسلام را محکوم می‌کنم، محکوم کردن اسلام به این است که چیزی که اسلام می‌خواهد در مسجد زیر پا گذاشته بشود. اسلام می‌خواهد که مردم آگاهانه برای مصالح خودشان، برای مصالح مسلمین در آنجا فعالیت بکنند. اسلام منزوی در مساجد بود. با اسم اسلام، اسلام را منزوی کردند در چهار دیوار مساجد، مساجد بی‌حرک. اینها از مساجد می‌ترسند. اینها بیخ گوش شما می‌گویند که این آخوند که از او کاری نمی‌آید. مسجد می‌روید چه کنید خودمان می‌رویم و فلان جا نماز می‌خوانیم، نماز نمی‌خواهند بخوانند، می‌خواهند نماز را بشکنند با این نمازهایی که در مسجدها می‌روند و نمی‌گذارند که مسلمان‌ها نماز درست خودشان را بخوانند، با این نمازها می‌خواهند نماز را بشکنند. و شیطان‌ها از اطراف جمع شده‌اند و می‌خواهند حالا که همه چیز درست شده و مایوس شدند نگذارند اجرا بشود کارها، باز تهیه ببینند ولو ۱۰ سال دیگر ولو برای ۱۰ سال دیگر تهیه ببینند برای اینکه مسجدها را کم‌کم خالی کنند و آخوند مسجد را کنار بگذارند و یک کسی که وضو ندارد و به هیچ چیز هم معلوم نیست اعتقاد داشته باشد، بیاورند آنجا پهلوی آخوند و نگذارند

نمازش را بخواند و خالی کنند این سنگرها را و بعد از خالی کردن این سنگرها حمله کنند. این دژهای محکم را محکم نگاه دارید نگویید که ما انقلاب کردیم حالا باید هی فریاد بزنیم، خیر نماز بخوانید، از همه فریادها بالاتر است. ۱۴۰

* * *

در طول سلطنت این سلسله یک اشتباهاتی شده است که خیلی موجب تأسف است بعضی اشتباهات در زمان رضاشاه و بعضی هم در زمان حکومت این^(۱) از اول که کودتا شد، کودتای رضاشاه شد و با امر انگلیس‌ها این امر واقع شد، اشتباه این بود که آنهایی که اطلاعات داشتند و مسائل را می‌توانستند بفهمند، مردم را مطلع نکردند. رضا شاه هم بعضی از این کارهایی که این آدم می‌کند، در اوایل امرش شروع کرد، روضه خوانی شروع کرد، دستجات ارتش را در روز عاشورا، (اینها را من خودم شاهدیم، یادم هست) دسته‌های ارتش را روز عاشورا برای سینه‌زنی بیرون آورد، خودش این تکیه‌هایی که در تهران بود راه می‌افتاد دوره و به این تکیه‌ها یکی می‌رفت، در آن جایی که بود روضه خانی مفصل داشت، این سنخ حقه‌بازی‌هایی که حالا این دارد یک جور دیگر، او هم از اول با این سلاح وارد شد و همان وقت اشخاصی بودند که اطلاع بر این مسائل داشتند و می‌دانستند که این چه جور است. یکی از غفلت‌هایی که شده است این است که اینها شروع نکردند که به مردم، به ملت، چهره او را نمایش بدهند. دنبال این کارهایی که ریاکارانه انجام داد، آن چهره دیگرش را نمایش داد که تمام پایگاه‌های مذهبی را تعطیل کرد، یعنی تمام تکیه‌ها و مجالس و عظ و خطابه و اینها را،

۱- اشاره به محمدرضا شاه.

تمام را بکلی تعطیل کرد که در تمام ایران دیگر یک - مثلاً - مجلس روضه خوانی، یک مجلس وعظ و خطابه نگذاشت بماند و آن کارهایی که همه می دانید کرد. ۱۴۱

* * *

شما اکثراً یادتان نیست مصیبت‌هایی که بر حوزه علمیه در زمان رضاخان وارد شد. بعضی از این آقایان عزیز که اینجا تشریف دارند یادشان است والا طبقه جوان یادش نیست که چه کردند اینها با حوزه‌های علمیه، چه کردند اینها با این ملت در آن زمان. در این زمان هم که شما یادتان هست دیدید که چه کردند. تمام حیثیت ملی، حیثیت انسانی، حیثیت اسلامی ما را اینها تباه کردند. آنوقت مساجد ما را بستند، مدارس ما از بین رفت، عمامه‌های اهل علم را از سرشان برداشتند و آن فضاحت‌ها و نسبت به خواهرهای ما هم آن فضاحت‌ها. در زمان این بدتر از زمان او شد. در آن وقت فشار بود و فشار آمد داشت، در این وقت حيله بود، حيله‌های زیاد و فشار هم بود اما حيله هم زیاد بود. ۱۴۲

* * *

و به آن نتیجه رسیدند که مسجد و محراب را و دانشگاه را باید به یک وضعی درست کرد که نتیجه نداشته باشد، یعنی آن نتیجه‌ای که از مسجد و محراب و منبر و از دانشگاه باید حاصل بشود، خنثی کنند، چه بکنند؟ مسجد و منبر و روحانیت، مأمورشان که رضا خان بود آمد و شاید (اگر) شما

یادتان نباشد که چه کرد، تمام منابر تعطیل شد، تمام مساجد نیمه تعطیل، تمام مجالس روضه خوانی همه از بین رفت، تمام روحانیت دستخوش مفسده‌هایی که آنها داشتند (عمامه‌ها را برداشتند، لباس‌ها را از (تن) آنها کردند تغییر دادند، منبری، محرابی، کوچک، بزرگ همه در تحت فشار قرار گرفتند) واقع شدند. ۱۴۳

* * *

فصل سوم

مكتوبات

■ سر الصلوة

- معرفى كتاب

- نامه امام به مرحوم حاج سيد احمد خمينى (فرزند امام)

■ آداب الصلوة

- معرفى كتاب

- نامه امام به مرحوم حاج سيد احمد خمينى (فرزند امام)

- نامه امام به خانم فاطمه طباطبايى (عروس امام)

■ الخلل فى الصلوة

- معرفى كتاب

■ سر الصلاة

- معرفی کتاب

سال تألیف :	۱۳۵۸ هـ ق
تصحیح و پاورقی :	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
ناشر :	مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)
سال نشر :	۱۳۷۰ هـ ش
صفحه :	۲۶۶

این کتاب در سال ۱۳۵۸ هـ ق تألیف شده است و تاکنون چاپهای متعددی داشته است، از آن جمله، یک نوبت در مجموعه یادنامه استاد شهید مرتضی مطهری، (در سال ۱۳۶۰) و بار دیگر با تصحیح و پاورقی آقای سیداحمد فهری زنجانی منتشر شده است و در سال ۱۳۶۹ هـ ش توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س) با تصحیح و پاورقی و مقابله با نسخ خطی همراه با فهرست اصطلاحات، اعلام، آیات، روایات، اشعار، و به ضمیمه نسخه خطی به خط مؤلف به چاپ رسیده است.

مؤلف عالی قدر، که از عارفان بزرگ عصر، و از سالکان سلوک عرفانی اند، در این اثر نماز را از نظرگاه عرفانی مورد بررسی قرار داده‌اند و رازهای این عبادت

پررمز را، با بیان دلنشین و روح افزا و هشداردهنده خوا تبیین و تفسیر نموده‌اند.

کتاب با معانی بسیار بلند و عمیق عرفانی برای خواص اهل عرفان و سلوک نگاشته شده و در مقایسه با کتب دیگری که در این موضوع تالیف شده است، بواسطه تسلط عمیق مؤلف بر عرفان نظری و پیمودن مقامات والای عرفان عملی، از امتیازات ویژه‌ای برخوردار است.

حضرت امام، در پیشگفتار کتاب با لحنی پر از تواضع و حالتی آمیخته با انکسار در معرفی کتاب می‌فرماید:

«این سرگشته وادی حیرت و جهالت و بسته به تعلقات انیت و انانیت، و سرگرم باده خودی و خودپرستی، و بی‌خبر از مقامات معنویه ملک هستی، ارادت خالص کردم که برخی از مقامات روحیه اولیاء عظام را در این سلوک عرفانی و معراج ایمانی عرفانی به رشته تحریر در آورم.....»

امام در آغاز کتاب «آداب الصلوة» خود نیز به مناسبت درباره این کتاب می‌فرماید:

«ایامی چند پیش از این، رساله‌ای فراهم آوردم که بقدر میسر از اسرار صلوة در آن گنجانیدم، و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست، در نظر گرفتم که شطری از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلک تحریر در آورم.»

بیان فوق، عمق و ژرفای مباحث را در کتاب مورد بحث اسرارالصلوة نشان می‌دهد.

این کتاب شامل یک مقدمه، دو مقاله و یک خاتمه است که اهم مباحث آن عبارتند از:

«مقامات و مدارج انسانی، اسرار اذان و اقامه، فرق سالک و واصل در نماز، سر اجمالی نما زاهل معرفت، حضور قلب و مراتب آن، کیفیت حصول حضور

قلب، مقدمات نماز شامل: طهارت، سر طهارت با آب و خاک، ازاله نجاست از بدن و باطن، مکان مصلی، اسرار وقت، سر استقبال به کعبه، مقارنات نماز و مناسبات آن، اذان و اقامه، اسرار قیام، نیت، سر تکبیرات افتتاحیه و رفع ید، اسرار قرائت، استعاذه، اسرار رکوع، سر سجود و سر تشهد و سلام.»

امام، از منابع متعددی سود جستند و به آن اشاره کرده‌اند، و از آن جمله است، وسائل الشیعه، مصباح الشریعه، علل الشرایع، اسرارالصلوة شهید ثانی، فلاح السائل، شرح فقیه مجلسی اول و

از بزرگانی چون: خواجه عبدالله انصاری، خواجه نصیر طوسی، شهید ثانی، سیدبن طاوس، شیخ بهائی، محمدتقی مجلسی، علامه مجلسی، ملا احمد و ملا محمد مهدی نراقی، میرزا جواد تبریزی، سهروردی در این کتاب یاد کرده‌اند. از مرحوم شاه آبادی با عنوان شیخ عارف کامل، مکرراً یاد کرده‌اند و بزرگان دیگر را نیز، با القاب شایسته ستوده‌اند.^۱

۱- مثلاً: شیخ جلیل اشراقی و فیلسوف عظیم‌النشان طوسی. یا جناب عارف بالله و مجاهد فی سبیل‌الله سیدبن طاوس و یا شیخ ارباب معرفت مولینا محمدتقی مجلسی و

■ نامه امام به مرحوم حاج سیداحمد خمینی (فرزند امام)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله والصلوة والسلام على رسول الله صلى الله عليه وآله

وصیتی است از پدری پیر که عمری را با بطالت و جهالت گذرانده، و اکنون به سوی سرای جاوید می رود با دست خالی از حسنات و نامه‌ای سیاه از سیئات، با امید به مغفرت الله و رجاء به عفو الله است به فرزندى جوان که در کشاکش با مشکلات دهر، و مختار در انتخاب صراط مستقیم الهی (که خداوند به لطف بیکران خود هدایتش فرماید) یا خدای ناخواسته انتخاب راه دیگر (که خداوند به رحمت خود از لغزشها محفوظش فرماید).

فرزندم، کتابی را که به تو هدیه می‌کنم شمه‌ای است از صلاة عارفین و سلوک معنوی اهل سلوک، هرچند قلم مثل منی عاجز است از بیان این سفرنامه. و اعتراف می‌کنم که آنچه نوشته‌ام از حد الفاظ و عباراتی چند بیرون نیست، و خود تاکنون به بارقه‌ای از این شمه دست نیافتم.

پسرم، آنچه در این معراج است غایة القصوای آمال اهل معرفت است که دست

ما از آن کوتاه است (عنقا شکار کس نشود دام بازگیر)^۱ لکن از عنایات خداوند رحمان نباید مأیوس شویم که او جل و علا دستگیر ضعفا و معین فقراء است. عزیزم، کلام در سفر از خلق به حق، و از کثرت به وحدت، و از ناسوت به مافوق جبروت است، تا حد فناء مطلق که در سجده اول حاصل شود، و فناء از فناء که پس از صحو، در سجده دوم حاصل گردد. و این تمام قوس وجود است من الله و الی الله. و در این حال، ساجد و مسجودی و عابد و معبودی در کار نیست: «هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ».^۲

پسرم، آنچه در درجه اول به تو وصیت می‌کنم آن است که انکار مقامات اهل معرفت نکنی، که این شیوه جهال است، و از معاشرت با منکرین مقامات اولیاء پرهیزی، که اینان قطاع طریق حق هستند.

فرزندم، از خودخواهی و خودبینی به درآی که این ارث شیطان است، که به واسطه خودبینی و خودخواهی از امر خدای تعالی به خضوع برای ولی و صفی او جل و علا سرباز زد. و بدان که تمام گرفتاریهای بنی آدم از این ارث شیطانی است که اصل اصول فتنه است، و شاید آیه شریفه «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ»^۳ در بعض مراحل آن، اشاره به جهاد اکبر و مقاتله با ریشه فتنه که شیاطن بزرگ و جنود آن، که در تمام اعماق قلوب انسانها شاخه و ریشه دارد، باشد. و هرکس برای رفع فتنه از درون و برون خویش باید مجاهده نماید. و این جهاد است که اگر به پیروزی رسید همه چیز و همه کس اصلاح می‌شود. پسرم، سعی کن که به این پیروزی دست یابی، یا دست به بعض مراحل آن.

(حافظ)

کانجا همیشه باد به دست است دام را

۱- عنقا شکار کس نشود دام بازگیر

۲- سوره حدید/ ۳.

۳- سوره بقره / ۱۹۳.

همت کن و از هواهای نفسانیه، که حد و حصر ندارد، بکاه، و از خدای متعال جل و علا استمداد کن که بی مدد او کس به جایی نرسد. و نماز، این معراج عارفان و سفر عاشقان، راه وصول به این مقصد است. و اگر توفیق یابی و یابیم به تحقق یک رکعت آن و مشاهده انوار مکنون در آن و اسرار مرموز آن، ولو به قدر طاقت خویش، شمه‌ای از مقصد و مقصود اولیای خدا را استشمام نمودیم، و دورنمایی از صلاة معراج سیدانبیاء و عرفا علیه و علیهم و علی آله الصلوٰة و السلام را مشاهده کردیم، که خداوند منان ما و شما را به این نعمت بزرگ منت نهد. راه بس دور است و بسیار خطرناک و محتاج به زاد و راحله فراوان، و زاد مثل من یا هیچ یا بسیار اندک است، مگر لطف دوست جل و علا شامل شود و دستگیری کند.

عزیزم، از جوانی به اندازه‌ای که باقی است استفاده کن که در پیری همه چیز از دست می‌رود، حتی توجه به آخرت و خدای تعالی. از مکاید بزرگ شیطان و نفس اماره آن است که جوانان را وعده صلاح و اصلاح در زمان پیری می‌دهد تا جوانی با غفلت از دست برود، و به پیران وعده طول عمر می‌دهد. و تا لحظه آخر با وعده‌های پوچ انسان را از ذکر خدا و اخلاص برای او باز می‌دارد تا مرگ برسد، و در آن حال ایمان را اگر تا آن وقت نگرفته باشد، می‌گیرد. پس در جوانی که قدرت بیشتری داری به مجاهدت برخیز، و از غیر دوست جل و علا بگریز، و پیوند خود را هرچه بیشتر - اگر پیوندی داری - محکمتر کن، و اگر خدای نخواستہ نداری، تحصیل کن، و در تقویت‌اش همت گمار، که هیچ موجودی جز او جل و علا سزاوار پیوند نیست. و پیوند با اولیای او اگر برای پیوند به او نباشد، حیلۀ شیطانی است که از هر طریق سد راه حق کند. هیچگاه به خود و عمل خود به چشم رضا منگر که اولیای خالص خدا چنین بودند و خود را لاشیء می‌دیدند، و گاهی حسنات خود را از سیئات می‌شمردند. پسرم، هرچه مقام معرفت بالا رود، احساس ناچیزی غیر او جلّ و علا بیشتر شود.

در نماز، این مرقاة وصول الی الله، پس از هر ستایش «تکبیر» ی وارد است، چنانچه در دخول آن «تکبیر» است، که اشاره به بزرگتر بودن از ستایش است، ولو اعظم آن که نماز است. و پس از خروج، «تکبیرات» است که بزرگتر بودن او را از توصیف ذات و صفات و افعال می رساند. چه می گویم، کی توصیف کند! او چه توصیف کند! و کی را توصیف، و با چه زبان و چه بیان توصیف کند! که تمام عالم، از اعلی مراتب وجود تا اسفل سافلین، هیچ است و هرچه هست او است، و هیچ از هستی مطلق چه تواند گفت و اگر نبود امر خدای تعالی و اجازه او جل و علا، شاید هیچ یک از اولیاء سخنی از او نمی گفتند، در عین حال که هرچه هست سخن از او است لاغیر، و کس نتواند از ذکر او سرپیچی کند که هر ذکر ذکر او است. «وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ»^۱ و «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۲ که شاید از لسان حق خطاب به همه موجودات است «وَأَنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَأَنْفَقَهُنَّ تَسْبِيحَهُمْ»^۳ این نیز به لسان کثرت است، و گرنه او حمد است و حامد است و محمود: «إِنَّ رَبَّكَ يُصَلِّي»^۴، «اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ»^۵

پسرم، ما که عاجز از شکر او و نعمتهای بی منتهای اویم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است، چه که همه از اویند. هیچگاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار بدان که آنان به حق منت بر ما دارند، که وسیله خدمت به او جل و علا هستند. و در خدمت به آنان دنبال کسب

۱- سوره اسراء / ۲۳.

۲- سوره حمد / ۴.

۳- سوره اسراء / ۴۲.

۴- همانا پرورگار تو نماز می گزارد..... اصول کافی، ج ۲، ص ۳۲۹، «کتاب الحجة»، «باب مولد النبی» (ص)،

حدیث ۱۳

۵- سوره نور / ۳۵.

شهرت و محبوبیت مباش که این خود حيله شيطان است که ما را در کام خود فروبرد. و در خدمت به بندگان خدا آنچه برای آنان پرنفعتر است انتخاب کن، نه آنچه برای خود یا دوستان خود، که این علامت صدق به پیشگاه مقدس او جل و علاست.

پسر عزیزم، خداوند حاضر است و عالم محضر اوست، و صفحه نفس ماها یکی از نامه‌های اعمالمان. سعی کن هر شغل و عمل که تو را به او نزدیکتر کند انتخاب کن که آن رضای او جل و علاست. در دل به من اشکال مکن که اگر صادقی، چرا خود چنین نیستی، که من خود می‌دانم که به هیچ یک از صفات اهل دل موصوف نیستم، و خوف آن دارم که این قلم شکسته در خدمت ابلیس و نفس خبیث باشد، و فردا از من مؤاخذه شود، لکن اصل مطالب حق است اگرچه به قلم مثل منی که از خصلتهای شیطانی دور نیستم. و به خدای تعالی در این نفسهای آخر پناه می‌برم و از اولیای او جل و علا امید دستگیری و شفاعت دارم.

بارالها، تو خود از این پیر ناتوان و احمد جوان دستگیری کن، و عاقبت ما را ختم به خیر فرما، و با رحمت و اسعه خود ما را به بارگاه جلال و جمال خود راهی ده.

والسلام علی من اتبع الهدی

شب ۱۵ ربیع المولود ۱۴۰۷

روح الله الموسوی الخمینی

■ آداب الصلوة

معرفی کتاب

سال تألیف : ۱۳۶۱ هـ ق

تصحیح و پاورقی : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

ناشر : مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)

سال نشر : ۱۳۷۰ هـ ش

صفحه : ۲۵۸

امام، این کتاب را پس از «سرالصلوة» نوشته‌اند و تاریخ پایان تألیف کتاب را، سال ۱۳۶۱ هـ ق مرقوم فرموده‌اند. و قبلاً با تصرفاتی و توضیحاتی توسط آقای فهری، با عنوان « پرواز در ملکوت» در ۲ جلد و بدون شرح و توضیح در یک جلد مکرراً به چاپ رسیده بود و در سال ۱۳۷۰ هـ ش توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره) با تصحیح و مقابله با نسخ خطی و پاورقی و فهرست آیات و روایات و اصطلاحات و به ضمیمه نسخه اصل به چاپ رسیده است.

ایشان در ابتدای کتاب نگاشته‌اند: «و بعد ایامی چند پیش از این رساله‌ای فراهم آوردم و چون آن را با حال عامه تناسبی نیست در نظر گرفتم که

شریحی از آداب قلبیه این معراج روحانی را در سلک تحریر در آورم.»

کتاب، از یک مقدمه و چند مقاله و یک خاتمه به شرح زیر ترتیب یافته است:

امام، در مقدمه اشاره‌ای دارند به این که نماز دارای ظاهر و باطنی است. و همان طوری که صورت آن دارای آدابی است، سیرت آن نیز چنین است.

در مقاله اول به آداب و شرایطی که نه تنها در نماز، بلکه در تمامی عبادات، شرط است، اشاره دارند و ۱۲ فصل را در این مبحث گشوده‌اند (توجه به عز ربوبیت، مراتب و مقامات اهل سلوک، خشوع، طمأنینه، محافظت عمل از تصرف شیطان، لزوم بهجت و نشاط در عبادت، تفهیم به نفس در عبادت، حضور قلب و روایات وارد در این زمینه و خواص و موانع آن).

در مقاله دوم به مقدمات نماز و آداب قلبیه آن پرداخته‌اند. ابتدا از طهارت بحث نموده‌اند و ۷ فصل را در این مبحث، عنوان کرده‌اند (معنای طهارت، آداب وضو و غسل، آداب باطنیه ازاله نجاست و). سپس در آداب لباس و مکان مصلی و شرایط ظاهری و باطنی وقت و استقبال مطالبی را طرح کرده‌اند.

مقاله سوم کتاب، در زمینه مقارنات نماز است، امام، در این بخش، آداب اذان و اقامه (اسرار تکبیرات و شهادت به وحدانیت و رسالت و ...)، قیام و قرائت، اسرار رکوع و سجود و آداب تشهد و سلام مطالبی را ارائه فرموده، همچنین تفسیری عرفانی از سوره‌های مبارکه حمد و توحید ذکر کرده‌اند و در پایان کتاب، به عنوان «خاتمه» آداب بعضی از امور داخله و خارجه نماز را تحریر نموده‌اند.

امام در این تالیف، مکرراً از استادشان مرحوم شاه‌آبادی یاد کرده‌اند و ایشان را با عنوان شیخ بزرگوار عارف - مد ظلّه - ستوده‌اند. این تعبیر، نشان آن است که این تالیف در زمان حیات استاد نگاشته شده است. همچنین در این نوشته، از مرحوم شیخ بهائی، سیدبن طاوس، محیی‌الدین، قیصری و نام

برده‌اند و از کتابهای آنان، یاد کرده‌اند. همچنین اشارات و ارجاعاتی به کتابهای سابق خود از نوع: شرح اربعین، تعلیقه، فصوص، مصباح‌الهدایه، دارند. *

■ نامه امام به مرحوم حاج سید احمد خمینی (فرزند امام).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کتاب آداب الصلوة را، که خود از آن بهره‌ای نبردم جز تأسف بر قصور و تقصیر بر ایام گذشته که توانائی بر خودسازی داشتم و حسرت و ندامت در روزگار پیری که دستم تهی و بارم سنگین و راهی بس دراز و پایم لنگ و آوای رحیل در گوش است، هدیه کردم به فرزند عزیزم «احمد» که از قدرت جوانی کامیاب است، شاید او ان شاءالله تعالی از محتویات آن، که از کتاب کریم و سنت شریف و افادات بزرگان فراهم شده است، بهره‌مند شود و به معراج حقیقی از رهنمائی اهل معرفت راه یابد و دل از این ظلمتکده برکند و به مقصد اصلی انسانیت، که انبیاء عظام و اولیاء کرام - علیهم صلوات الله و سلامه - و اهل الله بر آن راه یافتند و دیگران را دعوت فرمودند، توفیق یابد.

پسرم، خود را که به فطرت الله تخمیر شده‌ای دریاب و از گرداب ضلالت امواج سهمگین خودبینی و خودخواهی نجات ده و به سفینه نوح که پرتو ولایت الله است رکوب کن که «مَنْ رَكَّبَهَا نَجَّى وَمَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا هَلَكَ»^۱.

۱- هرکس که بر آن (کشتی ولایت) سوار شد نجات یافت، و هرکه از آن روی گردانید هلاک شد. مناقب ابن شهر

فرزندم، گوش کن که در صراط مستقیم، که صراط الله است، ولو لنگ لنگان حرکت کنی و حرکات و سکانات قلبی و قالبی را رنگ معنویت و الوهیت دهی و خدمت به خلق را برای آنکه خلق خدا هستند بنمائی. انبیاء عظام و اولیاء خاص خدا در عین حال که مشابه دیگران اشتغال به کارها داشته‌اند، هیچگاه در دنیا وارد نبوده‌اند، چون اشتغالشان بالحق و للحق بوده، در عین حال از رسول ختمی صلی الله علیه و آله و سلم روایت شده که فرموده است: «لَيْفَانُ عَلَىٰ قَلْبِي وَإِنِّي لَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي كُلِّ يَوْمٍ سَبْعِينَ مَرَّةً»^۱ شاید رؤیت حق در کثرت را کدورت حساب می‌فرمود.

پسرم، خود را مهیا کن که پس از من بر تو جفاها رود و نگرانی‌ها که از من دارند به حساب تو گذارند.

اگر حساب خود را با خدای خود صاف کنی و پناه به ذکر الله ببری، هراسی از خلق به خود راه مده که حساب خلق زودگذر است و آنچه ازلی است حساب در پیشگاه حق است.

فرزندم، پس از من ممکن است پیشنهاد خدمتی بر تو شود، در صورتی که قصدت خدمت به جمهوری اسلامی و اسلام عزیز است رد مکن، و اگر خدای نخواستہ برای هواهای نفسانی و ارضای شهوات است، از آن اجتناب کن که مقامات دنیوی ارزش آن ندارد که خود را در راه آنها تباه کنی.

بارالها، احمد و تبارش و متعلقانش، که از بندگان تو و تبار رسول اکرمند، اینان را در دنیا و آخرت سعادت‌مند فرما و دست شیطان رجیم را از آسیب به آنها کوتاه فرما.

خداوند! ما ضعیف و ناتوانیم و عقب افتاده از قافله سالکان، تو خود از ما

۱- گاه بر دلم غباری می‌نشیند و من هر روز هفتاد بار از خدا آمرزش می‌خواهم. مستدرک الوسائل، کتاب

الصلوة، ابواب الذکر، باب ۲۲، حدیث ۱.

دستگیری فرما. «رَبُّنَا غَايِلُنَا بِفَضْلِكَ وَلَا تُعَاوِلُنَا بِعَدْلِكَ»^۱.

و السلام على عباد الله الصالحين

۲۳ ربیع الاول ۱۴۰۵ - ۲۵ آذر ۱۳۶۳

روح الله الموسوی الخمينی

■ نامه امام به خانم فاطمه طباطبایی (عروس امام).

بسمه تعالی

افسوس که عمر در بطالت بگذشت با بار گنه بدون طاعت بگذشت

فردا که به صحنة مجازات روم گویند که هنگام ندامت بگذشت

کتاب آداب الصلوة را، که به دختر عزیزم فاطمی^۱، که خدایش از مصلین قرار دهد، اعطا می‌نمایم، از تاریخ اتمام آن بیش از چهل سال می‌گذرد و قبل از آن - به چند سال - کتاب سرالصلوة را اتمام نمودم. و از آن سالها تاکنون بیش از چهل سال می‌گذرد و من نه اسرارالصلوة را دریافتم، و نه به آداب آن پرداختم، که یافتن غیر از بافتن است و ساختن جدا از پرداختن. و این کتابها حجتی است از مولی برای عبید بی‌مایه. و به خدای تعالی پناه می‌برم از آنکه مشمول آیه شریفه کمر شکن «لَمْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ. كَبُرَ مُقْتَأًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ»^۲ باشم، و پناهی جز رحمت و اسعهاش ندارم.

و تو ای دخترم، امید است که توفیق بکار بستن آداب این معراج بزرگ الهی را داشته باشی و به راهنمایی این بُراق الهی از بیت مظلوم نفس حرکت کنی الی الله. و

۱- فاطمه طباطبائی، فمسر مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی.

۲- سوره صف / ۱ و ۲.

به خدای بزرگ پناه می‌دهم تو را از آنکه مطالعه این اوراق بر تعلقات نفسانیات نیفزاید و تو را چون نویسنده ملعبه شیطان نکند.

دخترم، هرچند در تو بحمدالله لطافت روحی یافتم که امید آن است که هدایت الله شامل حالت شود و با عنایت او جل و علا از چاه عمیق طبیعت خلاص شوی و به صراط مستقیم انسانیت راه یابی، لکن از کید شیطان و نفس خطرناکتر از آن غافل مباش و به خدای بزرگ پناهنده شو. *إِنَّهُ رَحِيمٌ بَعِيدٌ*.

دخترم، اگر از مطالعه این اوراق خدای نخواست نتیجه حاصل نشود مگر خودنمایی و مجلس آرائی و سرتوی سرها آوردن، بهتر است از مطالعه آن صرف نظر بلکه احتراز کنی که مبادا چون من گرفتار تأسف شوی. و اگر ان شاء الله خود را مهیا کنی که از مطالبی که از کتاب و سنت و اخبار اهل بیت عصمت و افادات اهل معرفت اخذ شده است به جان استفاده کنی و استعداد و لطافت قریحه‌ای را که خداوند عطا فرموده بکار اندازی، بسم الله، این گوی و این میدان. امید است در این معراج انسانی و معجون رحمانی دل از غیر خالی کنی و با آب حیاة قلب را شستشو دهی و چهار تکبیر زده خود را از خودی برهانی تا به دوست برسی. «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِي مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكْهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ»^۱. بارالها، ما را مهاجر الی الله و رسوله قرار ده و به فنا برسان، و فاطمی و احمد را توفیق خدمت عنایت کن و به سعادت برسان.

والسلام

۲ صفر المظفر ۱۴۰۵

روح الله الموسوی الخمینی

■ الخلل فی الصلوة

- معرفی کتاب

سال تألیف: حدود ۱۳۹۷ تا ۱۳۹۹ هـ ق

ناشر: مهر، قم

صفحه: ۳۱۶

موضوع کتاب خلل در نماز است. اصل کتاب تقریراتی است از درس خارج فقه امام (س) که خود معظم له آن را به رشته تحریر درآورده‌اند. تا فیوضات علمی و تحقیقی خویش را برای کسانیکه درک فیض محضر درس آن استاد بزرگ را نکرده‌اند نیز باقی بگذارند. این تألیف محصول سالیان آخر اقامت امام در نجف اشرف است. این کتاب قبلاً در چاپخانه مهر به چاپ رسیده است و انشاءالله در آینده نزدیک با تصحیح و پاورقی توسط مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (س) منتشر خواهد شد.

گرچه در این زمینه، همچون سایر مباحث فقهی در طول تاریخ، فقهای اسلام زحمتهای کشیده و فقه پویای اسلام را به گستردگی و کمال کنونی رسانیده‌اند، لکن همچنان که شخصیت امام شخصیتی برجسته و استثنایی بود آثار و مکتوبات ایشان نیز از صلابت و استواری و اتقان خاصی برخوردار است.

امام (س) با این که بغیر از فقه و اصول در رشته‌های دیگر علوم اسلامی، بویژه فلسفه و عرفان متخصص و صاحب نظر بودند (و نوعاً نویسندگانی که دارای چند رشته تخصصی هستند نمی‌توانند در تألیفات و تصنیفات خویش مطالبی را که مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند با سایر تخصصهای خویش نیامیزند) اما ایشان در مباحث این کتاب فقهی، حتی‌الامکان از کتاب و سنت و نصوص وارده از معصومین صلوات الله علیهم اجمعین استفاده کرده و نسبت به آنها با تعبد محض برخورد نموده‌اند.

روش اکثر فقها در تدریس آن است که به شیوه صاحب جواهر (ره) در هر مسأله ابتدا متن شرایع مرحوم محقق (ره) را مطرح می‌کنند، و قهراً دلیل ایشان را بر مدعی ذکر می‌کنند، و سپس نظریات دیگر بزرگان متقدم یا متأخر از ایشان را همراه با دلیلهای هر کدام و نصوص وارده می‌آورند، و آنها را مورد نقض و ابرام قرار می‌دهند، و در آخر یک نظر را انتخاب کرده و یا احیاناً نظری جدید ارائه می‌کنند. لکن حضرت امام (س) در هر مسأله‌ای ابتدا نظر خویش را با دلیل بیان می‌کنند. سپس به اقوال مخالف و مؤلف آن می‌پردازند، و دلایل آنها را ذکر کرده و مورد نقد و بررسی قرار می‌دهند.

کلیات مباحث این کتاب عبارت است از: در معنی خلل، در خلل عمدی، خلل به خاطر تقیه، خلل در اثر جهل در دو بخش: جهل تقصیری و جهل قصوری، بیان فرق بین جهل و سهو و نسیان، حدیث لاتعداد^۱ و این که آیا این حدیث شامل خلل ناشی از زیاده هم می‌شود یا مخصوص خلل ناشی از نقیصه و کم شدن چیزی از نماز است، بررسی معارضات حدیث لاتعداد، خلل ناشی از نیت،

۱- عن زرارة، عن ابي جعفر (ع) : قال : لاتعاد الصلوة الا من خمسة الطهور، والوقت، والقبلة و الركوع، و السجود ثم

قال (ع)..... وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۶۸۳، «کتاب الصلوة»، باب ۱ «از ابواب افعال الصلوة».

خلل ناشى از قبله، وقت، طهور، ستر، قصر و اتمام، قاعده تجاوز، قاعده فراغ و

فهارس

- فهرست اعلام
- فهرست مأخذ کلام امام
- فهرست منابع

■ فهرست اعلام

- ۱- آشتیانی علی اکبر: حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ علی اکبر آشتیانی عضو دفتر امام.
- ۲- احمدی حسن: حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ حسن احمدی فقیه یزدی، استاد حوزه علمیه قم.
- ۳- احمدی غلامحسین: حجة الاسلام حاج شیخ غلامحسین احمدی.
- ۴- اشراقی زهرا: سرکار خانم زهرا اشراقی نوه حضرت امام (س).
- ۵- اشراقی عاطفه: سرکار خانم عاطفه اشراقی نوه حضرت امام (س).
- ۶- اشراقی محمدتقی: جناب آقای محمدتقی اشراقی نوه حضرت امام (س).
- ۷- اشراقی نعیمه: سرکار خانم نعیمه اشراقی نوه حضرت امام (س).
- ۸- اعرابی فرشته: سرکار خانم فرشته اعرابی نوه حضرت امام (س).
- ۹- امام جمارانی مهدی: حجة الاسلام والمسلمین امام جمارانی، صاحب منزل امام در جماران و نماینده ولی فقیه در سازمان حج و زیارت.
- ۱۰- انصاری محمدعلی: حجة الاسلام حاج شیخ محمدعلی انصاری عضو دفتر امام (س).
- ۱۱- ایزدی عباس: مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ عباس ایزدی

نجف آبادی، امام جمعه اسبق نجف آباد.

- ۱۲- بافقی ربابه: خانم ربابه بافقی مستخدم بیت امام (س).
- ۱۳- بروجردی محمود: آقای دکتر محمود بروجردی داماد حضرت امام (س).
- ۱۴- بروجردی مسیح: ثقة الاسلام مسیح بروجردی نوه حضرت امام (س).
- ۱۵- بدلاً سیدحسین: آیه... حاج سیدحسین بدلاً از دوستان قدیمی حضرت امام (س).
- ۱۶- بهاء الدینی احمد: آقای حاج سیداحمد بهاء الدینی کارمند دفتر امام (س).
- ۱۷- پسندیده مریم: سرکار خانم مریم پسندیده فرزند آیت الله حاج سیدمرتضی پسندیده برادر امام (س).
- ۱۸- تقویمی :
- ۱۹- توسلی محمدرضا: آیه الله حاج شیخ محمدرضا توسلی رئیس دفتر امام (س).
- ۲۰- تیموری علی: آقای علی تیموری کارمند دفتر امام (س).
- ۲۱- ثقفی حسن: آقای حاج حسن ثقفی برادر همسر امام (س).
- ۲۲- ثقفی خدیجه: سرکار خانم حاجیه خدیجه (قدس ایران) ثقفی فرزند مرحوم آیت الله حاج شیخ میرزا محمد ثقفی، همسر امام (س).
- ۲۳- جعفری عیسی: آقای حاج عیسی جعفری، مستخدم بیت امام در جماران.
- ۲۴- جمی غلامحسین: حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ غلامحسین جمی، امام جمعه آبادان.
- ۲۵- حدیده چی مرضیه: معروف به دباغ، عضو هیأت اعزامی به مسکو برای ابلاغ پیام امام (س) به گورباچف.
- ۲۶- حق شناس عبدالکریم: آیه الله حاج شیخ عبدالکریم حق شناس از دوستان امام (س).

- ۲۷- خاتم عباس: آیه... حاج سیدعباس خاتم یزدی، عضو دفتر استفتاآت امام در قم.
- ۲۸- خرازی محسن: حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدمحسن خرازی، عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۲۹- خلخالی صادق: آیه الله شیخ صادق خلخالی، حاکم شرع دادگاههای انقلاب و مبارزه با مواد مخدر و نماینده دوره‌های اول، دوم و سوم مجلس شورای اسلامی.
- ۳۰- خمینی احمد: مرحوم حجة الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی فرزند امام (س).
- ۳۱- خوانساری سیدمصطفی: مرحوم آیه... حاج سیدمصطفی خوانساری از اساتید حوزه علمیه قم از دوستان امام (س).
- ۳۲- دعایی محمود: حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدمحمود دعایی نماینده امام در مؤسسه اطلاعات.
- ۳۳- رحیمیان محمدحسن: حجة الاسلام حاج شیخ حسن رحیمیان، از اعضای دفتر امام و نماینده ولی فقیه در بنیاد شهید انقلاب اسلامی.
- ۳۴- رسولی هاشم: حجة الاسلام والمسلمین حاج سیدهاشم رسولی محلاتی، عضو دفتر امام.
- ۳۵- رضایی محسن: سرلشکر محسن رضایی، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- ۳۶- رضوانی غلامرضا: آیه الله حاج شیخ غلامرضا رضوانی، عضو فقهای شورای نگهبان.
- ۳۷- روحانی حمید: حجة الاسلام حاج سیدحمید روحانی، مؤلف کتاب، «بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی (س)».

۳۸- زنجانی عزالدین: آية الله حاج سيدعزالدين زنجانی از شاگردان امام (س) در قم.

۳۹- سبجانی جعفر: آية الله حاج شيخ جعفر سبحانی، نویسنده، محقق و استاد حوزه علمیه قم.

۴۰- سجادی محمد: حجة الاسلام والمسلمين حاج سيدمحمد سجادی از شاگردان امام (س).

۴۱- سروش محمد: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد سروش محلاتی از شاگردان امام (س).

۴۲- سلیمانی حسین: آقای حسین سلیمانی، مستخدم بیت امام (س) در جماران.

۴۳- صابری احمد: حجة الاسلام والمسلمين احمد صابری همدانی از شاگردان امام (س).

۴۴- صانعی یوسف: آية الله حاج شيخ يوسف صانعی، عضو اسبق شورای نگهبان و از مراجع تقلید در حال حاضر.

۴۵- صدوقی محمد: مرحوم شهید آیت حاج شيخ محمد صدوقی، امام جمعه اسبق یزد.

۴۶- صیاد شیرازی علی: سرهنگ علی صیاد شیرازی، فرمانده اسبق نیروی زمینی ارتش، جمهوری اسلامی ایران و عضو شورای امنیت ملی کشور.

۴۷- طباطبائی فاطمه: سرکار خانم فاطمه طباطبائی، فرزند آیت الله سلطانی و همسر مرحوم حاج سیداحمد خمینی.

۴۸- عبایی محمد: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمد عبایی خراسانی، رئیس اسبق دفتر تبلیغات اسلامی قم و امام جمعه موقت مشهد.

۴۹- عراقی مجتبی: آية الله حاج شيخ مجتبی عراقی از دوستان قدیمی امام (س).

۵۰- عمید زنجانی عباسعلی: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ عباسعلی عمید

زنجانى نماينده مجلس شورای اسلامى.

۵۱- فاضل لنكرانى محمد: آية الله حاج شيخ محمد فاضل لنكرانى، از مراجع تقليد در حال حاضر.

۵۲- فردوسى پور اسماعيل: حجة الاسلام حاج شيخ اسماعيل فردوسى پور، نماينده مجلس خبرگان.

۵۳- قديرى محمدحسن: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمدحسن قديرى، عضو دفتر استفتاآت امام (س) در قم.

۵۴- قرهه عبدالعلى: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ عبدالعلى قرهه، عضو دفتر استفتاآت امام در قم.

۵۵- كفاش زاده مصطفى: آقاى مصطفى كفاش زاده، كارمند دفتر امام در پاریس و جماران.

۵۶- كلانتر معتمدى سيدمحمدرضا: آقاى دكتور سيدمحمدرضا كلانتر معتمدى از اعضاى تيم پزشكى معالج امام (س).

۵۷- محفوظى عباس: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ عباس محفوظى، نماينده مجلس خبرگان و استاد حوزه علميه قم.

۵۸- مسعودى على اكبر: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ على اكبر مسعودى، توليت آستانه مقدسه حضرت معصومه در قم.

۵۹- مصطفىوى سيدرضا: جناب آقاى سيدرضا (ياسر) مصطفىوى، نوه امام.

۶۰- مصطفىوى فريده: سركار خانم فريده مصطفىوى دختر حضرت امام (س).

۶۱- مظفرى صغرى: سركار خانم صغرى مظفرى، مستخدم بيت امام (س).

۶۲- معرفت محمدهادى: حجة الاسلام والمسلمين حاج شيخ محمدهادى معرفت، مؤلف كتاب «التمهيد فى علوم القرآن» و استاد حوزه علميه قم.

۶۳- موسوى بجنوردى محمد: حجة الاسلام والمسلمين حاج سيدمحمد

موسوی بجنوردی، عضو اسبق شورای عالی قضایی.

۶۴- مؤمن محمد: آیه الله حاج شیخ محمد مؤمن، عضو فقهای شورای نگهبان.

۶۵- مهری عباس: مرحوم آیه الله حاج سیدعباس مهری، نماینده اسبق امام در کویت.

۶۶- میریان سیدرحیم: آقای سیدرحیم میریان، کارمند دفتر امام.

۶۷- ناصری محمدرضا: حجة الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمدرضا ناصری، امام جمعه شهرکرد.

۶۸- نخعی ریحان الله: مرحوم آیه الله ریحان الله نخعی، از دوستان قدیمی امام (س).

۶۹- نوه امام:

۷۰- یزدی محمد: آیه الله حاج شیخ محمد یزدی، ریاست قوه قضائیه کشور.

■ فهرست مأخذ کلام امام

- ۱- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ۵۹/۳/۱۴)، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.
- ۲- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات - ۵۹/۳/۱۴)، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۹.
- ۳- شرح چهل حدیث، ص ۴۹۵.
- ۴- شرح چهل حدیث، ص ۴۹۴.
- ۵- شرح چهل حدیث، ص ۴۸۶ و ۴۸۷.
- ۶- شرح چهل حدیث، ص ۱۲۶.
- ۷- شرح چهل حدیث، ص ۵۰۸ و ۵۰۹.
- ۸- شرح چهل حدیث، ص ۴۰۲.
- ۹- شرح چهل حدیث، ص ۵۰۴ و ۵۰۵.
- ۱۰- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت دولت، شورای نگهبان، به مناسبت عید سعید فطر - ۶۲/۴/۲۱)، صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۳۰.
- ۱۱- کشف الاسرار، ص ۵۷.

- ۱۲- (بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان و فرمانده آموزشگاه افسری ژاندارمری - ۶۰/۹/۲۵)، صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۶۴.
- ۱۳- شرح چهل حدیث، ص ۴۰۳ و ۴۰۴.
- ۱۴- (بیانات امام خمینی در جمع میهمانان شرکت کننده در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات - ۶۳/۲/۲۳) صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۷۴ الی ۲۷۹.
- ۱۵- (بیانات امام خمینی در جمع بانوان سواحل جنوب - ۵۸/۴/۱۲) صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۶۲.
- ۱۶- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طبیه پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶.
- ۱۷- (بیانات امام خمینی در جمع سفرای کشورهای اسلامی - ۵۹/۷/۲۸) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۲۴.
- ۱۸- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای هیأت فاطمیون تهران - ۵۸/۷/۴) صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۰۴.
- ۱۹- (بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام - ۵۷/۸/۲۱) صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۴.
- ۲۰- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طبیه پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۷.
- ۲۱- (بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام - ۵۷/۸/۲۱) صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۰.
- ۲۲- (پیام امام خمینی به آیت الله منتظری - ۵۸/۶/۲۱) صحیفه نور، ج ۹، ص ۹۷.
- ۲۳- (بیانات امام خمینی پس از فاجعه کشتار نوزدهم دی - ۵۶/۱۰/۱۹) صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۷۲.
- ۲۴- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه

- تهران - (۵۹/۳/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.
- ۲۵- (بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر - ۵۸/۶/۲) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.
- ۲۶- (فرمان امام خمینی به حجة الاسلام آیت اللهی - ۵۸/۷/۳) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۸.
- ۲۷- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خراسان - ۶۱/۹/۳) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۸۳.
- ۲۸- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طبیه پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶.
- ۲۹- (فرمان امام خمینی به حجة الاسلام والمسلمین مهری - ۵۸/۷/۲) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۷.
- ۳۰- (فرمان امام خمینی به حجة الاسلام والمسلمین جنتی - ۵۸/۸/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۸۸.
- ۳۱- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و روحانیون استان همدان و گروهی از روحانیون اصفهان - ۶۱/۹/۱۱) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۹۴.
- ۳۲- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از آموزشیاران نهضت سوادآموزی - ۶۱/۱۰/۵) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۳۰.
- ۳۳- (بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر - ۵۸/۶/۲) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۵.
- ۳۴- (بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر - ۵۸/۶/۲) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.
- ۳۵- (پیام امام خمینی به آیت الله منتظری - ۵۸/۶/۲۱) صحیفه نور، ج ۹، ص ۹۷.
- ۳۶- (بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام - ۵۷/۸/۲۱)

- صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۴.
- ۳۷- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طیبه پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶.
- ۳۸- (بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - ۵۹/۸/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۵.
- ۳۹- (بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام - ۵۷/۸/۲۱) صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۰.
- ۴۰- ولایت فقیه، ص ۱۵۷.
- ۴۱- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس - ۶۱/۱۰/۱۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴۳.
- ۴۲- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس - ۶۱/۱۰/۱۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۳۹.
- ۴۳- (فرمان امام خمینی به ثقة الاسلام رکنی - ۵۸/۸/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۰، ص ۱۴۵.
- ۴۴- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای کمیسیون های داخلی و خارجی مجلس شورای اسلامی - ۶۲/۸/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵۳.
- ۴۵- (بیانات امام خمینی در جمع خطباء، گویندگان مذهبی، علما و روحانیون قم و تهران - ۶۱/۷/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۰.
- ۴۶- (بیانات امام خمینی در دیدار با فرماندهان و نماینده امام در سپاه - ۶۰/۷/۲۹) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۹۹.
- ۴۷- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه و جماعات استانهای خراسان، فارس، باختران - ۶۲/۳/۲۱) صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۷.
- ۴۸- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای کشور - ۶۲/۸/۴)

- صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۱۵۱.
- ۴۹- (بیانات امام خمینی در دیدار با وزیر کشور، فرمانده ژاندارمری - ۶۱/۵/۱۷) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۴۶.
- ۵۰- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان اصفهان و چهارمحال بختیاری - ۶۰/۱۰/۳۰) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۹.
- ۵۱- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه شهرستانها - ۵۹/۱۰/۳) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۱۹.
- ۵۲- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه استان سمنان - ۶۰/۹/۲۱) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۷.
- ۵۳- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه اهل تشیع و تسنن استانهای یزد و هرمزگان - ۶۰/۹/۱۰) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۷ و ۲۳۸.
- ۵۴- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۷.
- ۵۵- (پیام امام خمینی به مناسبت سالروز تشکیل بسیج مستضعفان - ۶۰/۹/۴) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۳۲.
- ۵۶- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه شهرستانها - ۵۹/۱۰/۳) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۲۱.
- ۵۷- (بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و طلاب حوزه علمیه قم، تهران، آذربایجان شرقی و غربی - ۶۴/۲/۱۶) صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۱۵۷.
- ۵۸- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان گیلان - ۶۰/۱۰/۲۳) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۵.
- ۵۹- (بیانیه امام خمینی خطاب به مردم و مسئولین کشور - ۵۹/۱۲/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۲۹.

- ۶۰- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از پرسنل وزرات راه و ترابری متشکل از کارکنان راه آهن - ۶۲/۵/۱۱) صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۵۷.
- ۶۱- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجلس خبرگان - ۶۶/۴/۱۱) صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۰۳.
- ۶۲- (بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل انقلاب اسلامی و ائمه جمعه استانهای آذربایجان غربی و شرقی - ۶۱/۱/۲۴) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۲.
- ۶۳- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان زنجان - ۶۱/۳/۱۶) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۸۵.
- ۶۴- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان مازندران - ۶۰/۱۲/۱۹) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۷۱.
- ۶۵- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان اصفهان و چهارمحال و بختیاری - ۶۰/۱۰/۳۰) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۵.
- ۶۶- پیام امام خمینی به ملت ایران در آستانه سال نو - ۵۹/۱۲/۲۹) صحیفه نور، ج ۱۴، ص ۱۴۲.
- ۶۷- (بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و ائمه جماعت تهران و شهرستانها - ۵۹/۴/۲۰) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۲۹.
- ۶۸- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس و گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی - ۶۱/۱۰/۱۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴۲.
- ۶۹- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خراسان - ۶۱/۹/۳) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۸۳.
- ۷۰- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان صنایع دفاع ملی و پرسنل دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش - ۶۱/۱۰/۲۶) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۱.
- ۷۱- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران -

- ۶۰/۹/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۰.
- ۷۲- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس، گروهی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی - ۶۱/۱۰/۱۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۴۲.
- ۷۳- (بیانات امام خمینی به مناسبت عید سعید فطر - ۵۸/۶/۲) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۶۴.
- ۷۴- (پیام امام خمینی به آیت‌الله منتظری - ۵۸/۶/۲۱) صحیفه نور، ج ۹، ص ۹۷.
- ۷۵- ولایت فقیه، ص ۱۵۸.
- ۷۶- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران - ۶۰/۹/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۱.
- ۷۷- (فرمان امام خمینی به حجت‌الاسلام والمسلمین مهری - ۵۸/۷/۲) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۹۷.
- ۱- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه راز - ۵۹/۳/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۹.
- ۱- (پیام امام خمینی به آیت‌الله منتظری - ۵۸/۶/۲۱) صحیفه نور، ج ۹، ص ۹۷.
- ۸- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ۵۹/۳/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.
- ۸۱- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سراسر کشور - ۶۱/۷/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۳.
- ۸۲- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس - ۶۱/۱۰/۱۲)، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۹.
- ۸۳- (بیانات امام خمینی در مورد وظائف و مسئولیت‌های رؤسا و علمای اسلام - دیماه ۱۳۴۳) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۲۰.
- ۸۴- (بیانات امام خمینی در دیدار با رؤسای جمهوری و مجلس - ۶۱/۱۰/۱۲)

- صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۳۹.
- ۸۵- (پیام امام خمینی به علما و وعاظ و امت مسلمان ایران در مورد نقشه‌های دستگاه جبار برای محو اسلام و قرآن - فروردین ۱۳۵۲) صحیفه نور، ج ۱، ص ۲۰۳.
- ۸۶- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جماعات استان خراسان و گروهی از روحانیون - ۶۰/۶/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۱۴۶.
- ۸۷- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای مجتمع آموزشی طیبه پیراسته لنگرود - ۵۸/۶/۲۵) صحیفه نور، ج ۹، ص ۱۳۶.
- ۸۸- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران - ۶۰/۹/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۴۸.
- ۸۹- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران - ۶۰/۹/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۵۰.
- ۹۰- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای ستاد برگزاری نماز جمعه تهران - ۶۰/۹/۱۸) صحیفه نور، ج ۱۵، ص ۲۴۷.
- ۹۱- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سراسر کشور - ۶۱/۷/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۳.
- ۹۲- (پیام امام خمینی به مسلمانان جهان به مناسبت برگزاری کنگره عظیم عبادی - سیاسی حج - ۶۳/۶/۷) صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۴۱.
- ۹۳- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از کارکنان صنایع دفاع ملی، پرسنل دایره سیاسی - ایدئولوژیک ارتش - ۶۱/۱۰/۲۶) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۱۵۱.
- ۹۴- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خوزستان - ۶۰/۱۱/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۶.
- ۹۵- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سراسر کشور -

- ۶۱/۷/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۳.
- ۹۶- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان خراسان - ۶۱/۹/۳) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۸۲.
- ۹۷- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان بوشهر - ۶۱/۵/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۴۸.
- ۹۸- (بیانات امام خمینی در دیدار با دادستان کل انقلاب اسلامی و ائمه جمعه استانهای آذربایجان شرقی و غربی - ۶۱/۱/۲۴) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۲۳.
- ۹۹- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای شورای مرکزی ائمه جمعه استان تهران - ۶۲/۳/۴) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۲۶۲.
- ۱۰۰- (بیانات امام خمینی در جمع کارکنان اداره مرکزی آستان قدس رضوی - ۶۱/۵/۳) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۲۳۲.
- ۱۰۱- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان دانشکده بابل - ۵۸/۴/۳۰)، صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۷۹.
- ۱۰۲- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای خانواده شهید سرهنگ فراشاهی و بانوان مکتب ولی عصر ع - ۵۸/۶/۱۲)، صحیفه نور، ج ۹، ص ۲۹.
- ۱۰۳- (بیانات امام خمینی در جمع وکلای دادگستری - ۵۷/۱۱/۱۷)، صحیفه نور، ج ۵، ص ۵۱.
- ۱۰۴- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از نابینایان مدرسه ابابصیر اصفهان - ۵۸/۴/۱۴) صحیفه نور، ج ۸، ص ۳۰.
- ۱۰۵- (بیانات امام خمینی در جمع افراد جهادسازندگی و کارکنان شرکت نفت - ۵۸/۴/۵) صحیفه نور، ج ۷، ص ۲۰۵.
- ۱۰۶- (بیانات امام خمینی در جمع علما و جمعی از لشکر ۱۶ زرهی قزوین - ۵۸/۴/۲۴) صحیفه نور، ج ۸، ص ۱۲۵.

- ۱۰۷- (بیانات امام خمینی در جمع شرکت کنندگان در دومین کنگره جهانی ائمه جمعه و جماعات - ۶۳/۲/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۸، ص ۲۷۶.
- ۱۰۸- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور - ۶۱/۷/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴.
- ۱۰۹- (بیانات امام خمینی در جمع فرماندهان، افسران و درجه‌داران و پرسنل نیروی دریایی - ۵۹/۴/۱۵) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۲۲.
- ۱۱۰- (بیانات امام خمینی در دیدار با وعاظ تهران - ۵۸/۳/۲۶) صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۷.
- ۱۱۱- (بیانات امام خمینی پیرامون ابعاد سیاسی - عبادی اسلام - ۵۷/۸/۲۱) صحیفه نور، ج ۳، ص ۱۲۰.
- ۱۱۲- (بیانات امام خمینی به مناسبت سالگرد ۱۵ خرداد - ۵۸/۳/۱۵) صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۸.
- ۱۱۳- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استان‌های سراسر کشور - ۶۱/۷/۲۲) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴.
- ۱۱۴- (بیانات امام خمینی در جمع خطبا و گویندگان مذهبی - ۶۱/۷/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۶۰.
- ۱۱۵- (بیانات امام خمینی در مورد وظایف و مسئولیت‌های رؤسا و علمای اسلام - دیماه ۴۳). صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۱۹.
- ۱۱۶- (پیام برائت به زائرین بیت‌الله الحرام - ۶۶/۵/۶) صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۱۲۷.
- ۱۱۷- (بیانات امام خمینی در دیدار با جامعه و عاظ تهران - ۵۸/۳/۲۶) صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۲۹.
- ۱۱۸- (پیام امام خمینی به مناسبت گشایش دومین دوره مجلس شورای

- اسلامی - (۶۳/۳/۷)، صحیفه نور، ج ۱۹، ص ۷.
- ۱۱۹- (مجموعه مدارک منتشر نشده موجود در آرشیو مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام (س) - (۶۷/۸/۲۳)
- ۱۲۰- (پیام امام خمینی به مناسبت سالگرد کشتار خونین در مکه و قبول قطعنامه ۵۹۸ - ۶۷/۴/۲۹) صحیفه نور، ج ۲۰، ص ۲۳۱.
- ۱۲۱- (بیانات امام خمینی در جمع وعاظ و خطبای مذهبی - ۵۹/۸/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۵۵.
- ۱۲۲- (پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان - ۵۸/۵/۳) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۱۸.
- ۱۲۳- (بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران و شهرستانها - ۵۹/۴/۲) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۳۳.
- ۱۲۴- (بیانات امام خمینی در جمع روحانیون و ائمه جماعات تهران و شهرستانها - ۵۹/۴/۲۰) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۳۰.
- ۱۲۵- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ۵۹/۳/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸ و ۱۴۹.
- ۱۲۶- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه مراکز استانهای سراسر کشور - ۶۱/۷/۲۲)، صحیفه نور، ج ۱۷، ص ۵۴.
- ۱۲۷- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از اصناف و بازاریان تهران و جوانان خوزستانی - ۵۹/۱۰/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۲۸۰.
- ۱۲۸- (بیانات امام خمینی در جمع اعضای انجمن اسلامی کارکنان وزارت کشور - ۵۹/۴/۱۰) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۲۱۷.
- ۱۲۹- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ۵۹/۳/۱۴)، صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.

- ۱۳۰- (نامه امام خمینی به حجة الاسلام والمسلمین سعیدی - ۴۷/۸/۱۴) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۴۸.
- ۱۳۱- (بیانات امام خمینی در جمع گروهی از دانشجویان دانشگاه شیراز - ۵۸/۳/۱۶) صحیفه نور، ج ۷، ص ۵۸.
- ۱۳۲- (پیام امام خمینی به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان - ۵۸/۵/۳) صحیفه نور، ج ۸، ص ۲۱۸.
- ۱۳۳- (پیام امام خمینی به ملت ایران - ۵۱/۶/۲۰) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۹۰.
- ۱۳۴- (پیام امام خمینی به ملت شریف ایران در مورد سپاه دین - ۵۰/۸/۲۱) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۷۷.
- ۱۳۵- (بیانات امام خمینی در جمع ائمه جمعه استان اصفهان و چهارمحال بختیاری - ۶۰/۱۰/۳۰) صحیفه نور، ج ۱۶، ص ۱۵.
- ۱۳۶- (پیام امام خمینی به زائران بیت الحرام - ۴۹/۱۱/۱۹) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۵۸.
- ۱۳۷- (پاسخ امام خمینی به دانشجویان مسلمان مقیم اروپا و آمریکا و کانادا - ۵۱/۱۲/۲۴) صحیفه نور، ج ۱، ص ۱۹۶.
- ۱۳۸- (پیام امام خمینی به مردم مسلمان ایران به مناسبت کشتار وحشیانه رژیم در اصفهان و شیراز - ۵۷/۵/۲۲) صحیفه نور، ج ۲، ص ۸۸.
- ۱۳۹- (بیانات امام خمینی در جمع فارغ التحصیلان دومین دوره دانشکده افسری ارتش جمهوری اسلامی - ۵۹/۸/۲۵) صحیفه نور، ج ۱۳، ص ۱۷۷.
- ۱۴۰- (بیانات امام خمینی در جمع دانشجویان و اساتید دانشکده الهیات دانشگاه تهران - ۵۹/۳/۱۴) صحیفه نور، ج ۱۲، ص ۱۴۸.
- ۱۴۱- (سخنرانی امام خمینی در غفلت‌ها و اشتباهات علما و رجال سیاسی در طول سلطنت سلسله پهلوی - ۵۷/۸/۱۶) صحیفه نور، ج ۳، ص ۳۴.

۱۴۲- (بیانات امام خمینی در مجمع علما و روحانیون مشهد - ۵۸/۳/۳۱)
صحیفه نور، ج ۷، ص ۱۶۷.

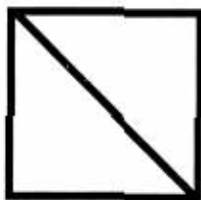
■ فهرست منابع

- ۱- الاصول من الكافي، محمد بن يعقوب الكليني، دارالكتب الاسلاميه، تهران، ۱۳۸۸ هـ.ق.
- ۲- بحار الانوار، علامه محمد باقر مجلسي، مؤسسه الوفاء، بيروت، ۱۴۰۳ هـ.ق.
- ۳- پا به پای آفتاب، اميررضا ستوده، نشر پنجره، چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.
- ۴- تهذيب الاحكام، محمد بن حسن طوسي، دارالتعارف، بيروت، ۱۴۰۱ هـ.ق.
- ۵- جواهر الكلام، محمد حسن نجفی، (تصحیح و تعليق محمود قوچانی)، دار احیاء التراث العربی، بيروت، ۱۹۸۱ م.
- ۶- خاطرات موجود در آرشیو واحد خاطرات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
- ۷- الخصال، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق)، منشورات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۶۲ هـ.ق.
- ۸- در سایه آفتاب، محمد حسن رحیمیان، مؤسسه پاسدار اسلام، چاپ دوم بهار ۱۳۷۱.
- ۹- سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی، مصطفی وجدانی، انتشارات پیام آزادی، چاپ دوازدهم، ۱۳۷۱.

- ۱۰- شرح چهل حدیث (اربعین حدیث) تألیف امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، چاپ چهارم، بهار ۷۳.
- ۱۱- صفات الشیعة، محمد بن علی بن بابویه قمی (صدوق)، کانون انتشارات عابدی، تهران.
- ۱۲- الفروع من الکافی، محمد بن یعقوب الکلینی، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۷ هـ.ش.
- ۱۳- کشف الاسرار، ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۲۸ هـ.ش.
- ۱۴- مختلف الشیعة، علّامه حلّی، (تحقیق مؤسسه نشر اسلامی)، مؤسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- ۱۵- مستدرک الوسائل، میرزا حسن نوری طبرسی، مؤسسه آل البيت (ع)، قم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
- ۱۶- وسائل الشیعة، شیخ محمد بن حسن حرّ عاملی، مکتبۃ الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۳ هـ.ق.
- ۱۷- ولایت فقیه، امام خمینی، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س). چاپ اول، بهار ۱۳۷۳.



پست جواب قبول



نیازی به الصاق تمبر نمی باشد

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره $\frac{۲۴۱۵/۶/۱۷۶۸}{۷۷/۲/۷}$ پرداخت شد.

تهران - صندوق پستی شماره ۱۵۶۵۵/۳۱۵

تلفن: ۲-۸۸۹۳۸۹۱ نامبر: ۸۹۰۵۱۵۰

معاونت تحقیق و تالیف - ستاد مرکزی اقامه نماز

توجه: خواننده گرامی، لطفاً پس از مطالعه کتاب پشت این صفحه را تکمیل

نموده، بدون تمبر در صندوق پست بیندازید. متشکریم



فرم نظرخواهی درباره کتابهای منتشره ستاد اقامه نماز

عنوان کتاب:

سن: _____ جنس: _____ تحصیلات: _____ شغل: _____
استان و شهرستان: _____

- ۱- تا چه اندازه محتوای کتاب را مفید و سازنده یافته‌اید؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۲- تا چه اندازه محتوای کتاب مناسب با نیازهای شما بود؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۳- طرح جلد را تا چه اندازه متناسب با موضوع و محتوای کتاب می‌دانید؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۴- قطع و اندازه کتاب را تا چه اندازه می‌پسندید؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۵- اندازه حروف و نحوه چاپ را تا چه اندازه مناسب می‌دانید؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۶- کدام بخش از کتاب را مفید و کدام بخش را کم فایده می‌دانید؟
- ۷- تا چه اندازه محتوای کتاب در روحیه و رفتار شما تأثیر گذاشت؟
 بسیار زیاد زیاد متوسط کم
- ۸- پیشنهاد شما در چاپ‌های بعدی این کتاب چیست؟
- ۹- این کتاب را چگونه تهیه کرده‌اید؟
 رایگان جایزه خریداری یا نوع دیگر
- ۱۰- جز این کتاب، کدام کتاب یا کتابهایی از ستاد اقامه نماز مطالعه کرده و مفید و مناسب یافته‌اید؟
- ۱۱- چه موضوع یا موضوعات لازم و مهمی پیرامون فرهنگ نماز را برای چاپ کتابهای بعدی پیشنهاد می‌دهید؟